

قہرمانا کربلا

امام اولاد

محمد رضا فوادیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
یا رب احسننا  
بجوق احسننا  
رشد و احسننا  
بیتور احسننا

## فہرمانان کربلا و امام زمان علیہ السلام



محمد رضا فوادیان



سرشناسه	: فؤادیان، محمدرضا، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	: قهرمانان کربلا و امام زمان <small>علیه السلام</small>
مشخصات نشر	: قم: سبط النبی <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۳۷-۵
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع	: محمد بن حسن <small>علیه السلام</small> ، حسین بن علی <small>علیه السلام</small> ، عباس بن علی <small>علیه السلام</small> ، زینب بنت علی <small>علیه السلام</small> ، امام دوازدهم
موضوع	: کربلا، عاشورا، امام حسین <small>علیه السلام</small>
موضوع	: فضایل و غیبت
رده بنده کنگره	: ۱۳۸۸ ف ۴/۴/۴۲ BP۴۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳۸۶۲۷۵

## قهرمانان کربلا و امام زمان علیه السلام

♦ مؤلف	: محمدرضا فؤادیان
♦ ناشر	: سبط النبی <small>علیه السلام</small>
♦ نوبت چاپ	: اول/۸۸
♦ تیراژ	: ۳۰۰۰ نسخه
♦ قیمت	: ۳۰۰۰ تومان
♦ شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۴۰-۳۷-۵

Sebtunabipublication  
Ebtunabi@hotmail.com

قم/خیابان صفائییه/کوچه ممتاز/کوی فتحی/پلاک ۱۹۰۱۷

مستودق پستی: ۱۱۳۳-۳۷۱۵۳ همراه: ۱۱۳۳۴۱۱ ۳۳۴۱۱ ۵۵ ۹۱۲۰

دفتر نشر: ۷۷۴۵۰۷۳ تلفن پخش: ۷۷۴۵۰۷۴ فاکس: ۷۷۴۵۰۷۵

آبادان - بلوار دهداری جنب استادبوم نخعی - کانون آزادگان - طبقه دوم

دفتر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج) شعبه آبادان و خرمشهر

تلفن: ۰۲۲۰۰۲۰-۰۶۳۱ تلفکس: ۰۲۲۳۰۱۱۱-۰۶۳۱

همراه مدیرعامل: ۰۹۱۶۱۳۱۰۹۸۴



انتشارات سبط النبی  
SEBTUNABI PUBLICATIONS

انتشارات سبط النبی

## فهرست عناوین

دو: همراه با روایات .....	۱۷	<b>بخش اول: امام حسین <small>علیه السلام</small> و امام مهدی <small>علیه السلام</small></b>	
۱. امام مهدی <small>علیه السلام</small> فرزند امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۱۸		
۲. نسب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از زبان امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۲۰		مقدمه ..... ۸
۳. القاب امام مهدی <small>علیه السلام</small> از زبان امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۲۱	<b>فصل اول: پیوندها</b>	
۴. قائم و عاشورا .....	۲۶	یک: همراه قرآن .....	۱۲
۵. غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ، از نگاه امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۲۷	۱. امام حسین <small>علیه السلام</small> از نگاه امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۲
۶. بشارت ظهور از زبان امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۲۷	۲. امام مهدی <small>علیه السلام</small> ، از نگاه امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۱۴
		۳. امام مهدی <small>علیه السلام</small> و امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۱۶

قهرمانان کربلا و امام زمان	۴
۱۷. حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ویرانگر مساجد	۲۸
چهارگانه	۴۱
۷. عصر غیبت در کلام امام	۲۹
سه. همراه ادعیه و زیارات	۴۲
۸. شباهت‌های امام مهدی <small>علیه السلام</small> در کلام	۳۰
۱. یاد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ، در میلاد امام	۳۰
حسین <small>علیه السلام</small>	۴۳
۲. یاد حسین <small>علیه السلام</small> ، در میلاد امام	۳۱
۹. دلدادگی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به امام	۳۱
حسین <small>علیه السلام</small>	۳۱
۳. شب قدر و یاد امام حسین <small>علیه السلام</small>	۳۲
۹. عاشورا روز ظهور	۳۲
۴. دعای ندبه و یاد امام حسین <small>علیه السلام</small>	۳۳
۱۰. عدالت مهدوی در کلام امام	۳۳
حسین <small>علیه السلام</small>	۳۳
۵. زیارت عاشورا و یاد مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۳
۱۱. یاد امام حسین <small>علیه السلام</small> نخستین کلام	۳۳
۶. روز عاشورا و یاد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۳
حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۴
۴۹	۳۴
۷. حرم امام حسین <small>علیه السلام</small> و دعای فرج	۳۴
۱۲. حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> تکمیل کننده	۳۴
۷. حقیقت انتظار در بارگاه امام	۳۵
سفر امام حسین <small>علیه السلام</small>	۳۵
حسین <small>علیه السلام</small>	۳۵
چهار: همراه تشرفات	۳۷
۱۳. خون‌خواهی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از	۳۷
قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small>	۳۷
۱۴. یاری امام حسین <small>علیه السلام</small> ، یاری امام	۳۷
مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۸
حسین <small>علیه السلام</small>	۳۸
۱۵. فرشتگان یاور امام حسین <small>علیه السلام</small> ،	۳۸
۱۶. شعار سپاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۹
۵۱	۳۹
۲. حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و عزاداری امام	۳۹
حسین <small>علیه السلام</small>	۳۹
۳. توجه دادن به آستان امام	۴۰
۵۲	۴۰
۵۳	۴۰
۵۴	۴۰
۵۵	۴۰

فهرست عناوین ..... ۵

### فصل اول: شباهت‌ها

۱. شباهت ظاهری.....	۸۳
ذخیره و گنجینه.....	۸۳
جمال و زیبایی.....	۸۶
۲. شباهت باطنی.....	۸۷
توسل، پناه.....	۸۸
شجاعت.....	۹۲
عزت.....	۹۸
عبادت و بندگی.....	۱۰۱

### فصل دوم: تحلیل‌ها

۱. زیارت.....	۱۰۳
تسلیم.....	۱۰۶
تصدیق.....	۱۱۱
وفا.....	۱۱۴
بصیرت.....	۱۱۸
یاری و سرپرده‌گی.....	۱۲۳
معیت.....	۱۳۱
خیرخواهی.....	۱۳۳

حسین <small>علیه السلام</small> .....	۵۶
۴. حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۵۷
۵. حضور در مجالس حسینی.....	۵۸
۶. عنایت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به مجالس ذکر امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۶۳
۷. سفارش حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به زیارت عاشورا.....	۶۵
۸. زیارت عاشورا هدیه به حضرت نرجس <small>علیها السلام</small> .....	۶۵
خاتمه: رجعت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۶۸

### فصل دوم: رهیافت‌ها

تکلیف ما.....	۷۱
۱. فرصت‌ها و تهدیدها.....	۷۱
۲. بیم‌ها و امیدها.....	۷۳

### بخش دوم: حضرت ابوالفضل علیه السلام و

#### امام مهدی علیه السلام

سپیده سخن.....	۷۷
----------------	----

۶	قهرمانان کربلا و امام زمان
۱۳۶	حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small> ..... ۱۶۱
۱۴۰	امام زمان <small>علیه السلام</small> در خیمه عزای
۱۴۲	عباس <small>علیه السلام</small> ..... ۱۶۲
۱۴۴	امام زمان <small>علیه السلام</small> و طریقه توسل به حضرت
۱۴۶	عباس ..... ۱۶۷
۱۵۰	امام مهدی <small>علیه السلام</small> و غیرت عباسیه ... ۱۶۹
۱۵۰	«خاتمه» ..... ۱۷۱
۱۵۱	۱. دولت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و رجعت
۱۵۲	حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small> ..... ۱۷۱
	۲. توسل ..... ۱۷۲

### فصل سوم: تشریف‌ها

#### بخش سوم: حضرت زینب علیها السلام و

#### امام مهدی علیه السلام

طلیعه ..... ۱۷۵

#### فصل اول: پیوندها

۱. زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام فرزندان

فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام ..... ۱۷۷

۲. زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام در آئینه کلام

معصومین ..... ۱۷۸

امام زمان علیه السلام در حرم حضرت

عباس علیه السلام ..... ۱۵۳

امام زمان علیه السلام در مجلس روضه حضرت

ابوالفضل علیه السلام ..... ۱۵۴

سفارش امام زمان علیه السلام به توسل به

حضرت ابوالفضل علیه السلام ..... ۱۵۹

ارزش مستوسلین به حضرت

ابوالفضل علیه السلام نزد امام زمان علیه السلام .. ۱۶۱

دیدار با امام زمان علیه السلام در مجلس روضه

فهرست عناوین ..... ۷

۳. یسّاد مهدی علیه السلام در کلام ..... عزت ..... ۲۰۳

زینب علیها السلام ..... ۱۷۹ ..... هجرت ..... ۲۰۳

۴. یسّاد زینب علیها السلام در کلام

مهدی علیه السلام ..... ۱۸۲

### فصل سوم: رمیافتها

۱- حضور زن؟ ..... ۲۰۵

۲- نیابت؟ ..... ۲۰۹

۳- حمایت ..... ۲۱۰

۴- یا لثارات؟ ..... ۲۱۴

۵- معرفت امام؟ ..... ۲۱۵

خاتمه: توسل ..... ۲۱۷

توصیه امام زمان علیه السلام به دعای فرج به

حرمت حضرت زینب علیها السلام ..... ۲۱۹

سفارش امام زمان علیه السلام به روضه خوانی

حضرت زینب علیها السلام ..... ۲۲۳

### فصل دوم: شباهت‌ها

۱. شباهت در زمان ..... ۱۸۹

۲. شباهت اطرافیان ..... ۱۹۱

۳. شباهت یاری خواستن ..... ۱۹۲

اجز جزیل پاداش خدمت به حضرت

زینب علیها السلام ..... ۱۹۴

تسمیز کردن حرم مطهر حضرت

زینب علیها السلام و عنایت امام زمان علیه السلام . ۱۹۵

۴. شباهت در سیره ..... ۱۹۷

کانون امید ..... ۱۹۷

عبادت ..... ۱۹۸

صبر ..... ۲۰۲



## بخش اول: امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام

مقدمه

ای که شستی ز اشک، خاک کوی حسین

می رسد بر مشام، از توبوی حسین

از نوای غریبانه استغاثه امام حسین علیه السلام، سالها و قرنها می گذرد، اما

انعکاس آن را می توان در لحظه لحظه تاریخ به گوش جان شنید، این فریاد

نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز رساتر و پر صلابت تر،

خروش و جوشش آزادگان عالم را افزوده است. گویا امام حسین علیه السلام سالها

و قرنها چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته است؛ تا امام عصر علیه السلام،

ندایش را پاسخ گوید؛ پرچم بر زمین مانده اش را به دوش گیرد؛ داغهای

کهنه اش را التیام بخشد و آرمانهای بلندش را لباس تحقق بپوشاند. روز

ظهور، هنگام پاسخ به استغاثه مظلومانه امام حسین علیه السلام است و حضرت مهدی علیه السلام پاسخ دهنده آن. در این گستره بی انتها و افق های دور آن، کسی به خروش و التهاب فرزندش که برای رسیدن آن روز، گذر آرام آرام و جانکاه لحظه ها را به تماشا می نشیند و روزها و سالها را با چشمان منتظرش بدرقه می کند وجود ندارد.

به راستی چه رمزی مهر سکوت بر لبان بسته و چه سرّی در این میان رخ پنهان کرده است؟ چرا یاد امام حسین علیه السلام همیشه و همه جا، همراه و هم پای یاد حضرت مهدی علیه السلام است؟ چرا هر جا سخن از حسین علیه السلام است، نام حضرت مهدی علیه السلام نیز رخ می گشاید؟ چرا عاشورا روز "ظهور" است و یاد حسین علیه السلام آغازین کلام مهدی علیه السلام...؟

این اثر می کوشد گوشه هایی از این ارتباط و پیوند را، از منظرهای مختلف و در ابعاد گوناگون بررسی کند و رهیافتی بیان دارد تا به عنوان دستمایه برخی از محققان و مبلغان و نیز ابزاری برای تحقیق و پژوهش بیشتر و مقدمه ای برای کشف زوایایی دیگر از حقایق نورانی حیات این دو امام همام علیهم السلام باشد.

گرچه بررسی و تحلیل این پیوستگی ها و نیز نتایج و آثار آن، مجال دیگری و فرصتی فراخ تر می طلبد و گشودن گره اسرار این پیوستگی ها، دل هایی رازدان و جان هایی آگاه از آن اسرار را می طلبد.

## فصل اول: پیوندها

در این عالم، به جهت نظمی که خداوند متعال در آن قرار داده است، بین همه اجزاء و افراد عالم، ارتباط و پیوند تنگاتنگی وجود دارد، در این رابطه اساسی ترین پیوند برای اهل البیت علیهم السلام با تمام هستی از ابتدا خلقت تا پایان تاریخ است و در میان این پیوند، ارتباط امام مهدی علیه السلام بسیار چشمگیر و دقیق است. از آدم تا خاتم علیه السلام و از علی تا مهدی علیه السلام، چشم انتظار دولت او هستند. و در تمام دوران سرنوشت ساز تاریخ، سخن از منجی موعود ما بوده است. گویا رجعت و حضور برگزیدگان ادوار تاریخ در دولت کریمه او، بی ارتباط با این پیوند نباشد! در این راستا به جلوه هایی از شباهتهای این دو امام همام می پردازیم:

## یک: همراه قرآن

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که معصومین علیهم السلام آنها را به امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام تاویل فرموده‌اند. هم‌چنین آیاتی را سومین امام معصوم علیه السلام به آخرین امام و بالعکس تاویل و تفسیر نموده‌اند که یک نمونه از هر کدام تقدیم می‌گردد:

### ۱. امام حسین علیه السلام از نگاه امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام اولین آیه سوره حضرت مریم علیها السلام را به امام حسین علیه السلام تاویل نموده است: سعد بن عبدالله قمی گوید: به امام عصر علیه السلام عرض کردم: "ای فرزند رسول خدا! تاویل آیه «کهیصص» چیست؟ فرمود: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند زکریا را از آن مطلع کرده و بعد از آن داستان آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله باز گفته است..." (۱)

داستان از این قرار است که: زکریا از پروردگارش درخواست کرد که "اسماء خمسة طيبة" را به وی بیاموزد. خداوند متعال، جبرئیل را بر او فرو فرستاد و آن اسامی پاک را به او تعلیم داد.

زکریا علیه السلام چون نام‌های محمد، علی، فاطمه، و حسن علیهم السلام را یاد می‌کرد، اندوهش برطرف می‌شد و گرفتاریش از بین می‌رفت. و چون حسین علیه السلام را یاد می‌کرد، بغض و غصه، گلایش را می‌گرفت و می‌گریست و مبهوت

---

۱. "هذه الحروف من انباء الغیب، اطلع الله علیها عبده زکریا، ثم قصها علی محمد صلی الله علیه و آله و ذلک ان زکریا سأل ربه ان یعلمه اسماء الخمسة فاهبط علیه جبرئیل فعلمه اياها...: کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۲۰، ب ۴۳، ح ۲۱؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۲۵۹.

می شد.

روزی گفت: بارالها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می‌کنم، آرامش می‌یابم و اندوهم برطرف می‌شود؛ اما وقتی حسین علیه السلام را یاد می‌کنم، اشکم جاری می‌شود و ناله‌ام بلند می‌شود؟

خدای تعالی او را از این داستان آگاه کرد و فرمود: ﴿ کهیعض! ۱ کاف ۲ اسم کربلا و ۳ هاء ۴ رمز شهادت عترت طاهره است، و ۵ یاء ۶ نام یزید قاتل حسین علیه السلام و ۷ عین ۸ اشاره به عطش و ۹ صاد ۱۰ نشان صبر او است.

زکریا علیه السلام چون این مطلب را شنید، نالان و غمین شد و تا سه روز از عبادتگاهش بیرون نیامد، و به کسی اجازه نداد کسی نزد او بیاید. و گریه و ناله سر داد و چنین نوحه گفت:

بارالها! از مصیبتی که برای فرزند بهترین خلائق خود، تقدیر کرده‌ای دردمندم.

خدایا! آیا این مصیبت را بر آستانه او نازل می‌کنی؟ آیا جامعه این مصیبت را بر تن علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می‌پوشانی؟! آیا این غم را بر ساخت آنان فرود می‌آوری؟

بعد از آن گفت: بارالها! فرزندی به من عطا کن تا در پیری چشمم به او روشن شود و او را وارث و وصی من قرار ده؛ آنگاه مرا دردمند او گردان؛ همچنان که حبیب محمد صلی الله علیه و آله را دردمند فرزندش گرداندی.

خداوند، حضرت یحیی علیه السلام را به او بخشید و او را دردمند وی ساخت. لذا بین امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی نیز شباهت‌هایی وجود دارد؛ مانند این که هر دو شش ماهه به دنیا آمدند و نحوه شهادت هم شبیه به هم دیگر

است؛ یعنی شقی ترین فرد سر مقدس آنان را از تن جدا نمود و برای فرد ناپاکی هدیه فرستاد و او نیز سر مقدس را داخل طشت طلا گذاشت.<sup>(۱)</sup>

## ۲. امام مهدی علیه السلام، از نگاه امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام آیات اولیه سوره شمس را به امام مهدی علیه السلام تاویل نموده است:

---

۱. ارشاد، ص ۲۵۱، مناقب شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵؛ بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۸۹ و ۲۹۹؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۲؛ واقعه شهادت حضرت یحیی علیه السلام نیز این گونه است: «هیردویس» پادشاه عصر با زنی به نام «هیردویا» ازدواج کرد این زن از شوهر سابق خود دختری زیبا و آشوبگر داشت که دارای قامتی موزون و اندامی دلربا بود. در روز جشن ولادت «هیردویس» دختر رقص دل انگیزی نمود، به طوری که همه حضار و شخص پادشاه را سخت تحت تأثیر حرکات و اطوار فریبنده خود قرار داد. بعد از آن روز چنان پادشاه فریفته دختر خوانده خود شد و دل در گرو عشق او باخت که از او خواست هر خواهی دارد از وی بخواهد تا دستور دهد روا گردد. ماجرای عشق پادشاه و نظر سوء او نسبت به دتر زن خود فاش شد و در شهر منعکس گردید. حضرت یحیی به پادشاه اعلام خطر کرد که این عمل برخلاف حکم تورات و شرع حضرت موسی علیه السلام است، و ملازم است که از مراوده و احیاناً ازدواج با او پرهیزد.

دختر و مادرش که وجود یحیی مبلغ دین را مخل آسایش و انجام نقشه خویش می دانستند، روزی که شاه اظهار تمایل به وصال دختر نمود، بهانه گرفتند که تا یحیی زنده است این عشق سر نمی گیرد و شاه به وصال معشوق نخواهد رسید.

شاه که در دام افسون مادر و دختر واقع شده و دل و دین از دست داده بود، یحیی را خواست و در حال غلبه هوا و هوس دستور داد سر نازنین او را میان طشتی از بدن جدا سازند.

حضرت یحیی علیه السلام، در آن هنگام سی ساله بود، در آن زمان پسر خاله اش حضرت عیسی علیه السلام، در میان خلق بود و هنوز صعود نکرده بود یک قطره خون حضرت یحیی علیه السلام به روی زمین ریخت و مانند فواره جوشید. جوشش این خون بنی اسرائیل را به وحشت و اضطراب و تنگ و بدنامی فرو برد، تا یکی از پادشاهان بابل (جنوب عراق) لشکری به فلسطین کشید و گروه زیادی از یهود را به قتل رسانید، تا خون از جوشش ایستاد در برخی از منابع نام این پادشاه را چنانکه مشهور است «بختنصر» نوشته اند در صورتی که وی در سال ۶۰۶ قبل از میلاد از دنیا رفته است و با ولادت حضرت یحیی علیه السلام تطبیق نمی کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: حارث اعور به امام حسین علیه السلام عرض کرد:  
ای زاده رسول خدا! فدایت شوم، مرا از معنای آیه شریفه ﴿و الشمس و  
ضحیها﴾ (سوگند به خورشید و گسترش نور آن) مطلع ساز. حضرت فرمود:  
مراد از خورشید، رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد.

پرسید: فدایت شوم! منظور از آیه شریفه ﴿و القمر اذا تلیها﴾ (سوگند به  
ماه چون پس از آن آید). چیست؟

فرمود: منظور از ماه، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که بعد از  
پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

گفت: مقصود از آیه شریفه ﴿و النهار اذا جلیها﴾ (و سوگند به روز و  
چون آن را روشن سازد) چیست؟

فرمود: مقصود از روز، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را پر از قسط و  
عدل کند.<sup>(۱)</sup>

تمام گذشته بشریت به جهت نداشتن عبودیت کامل و تمام، روزشان  
همانند شب است اما در دولت امام مهدی علیه السلام آن چنان زندگی بشریت در  
همه مراحل شکوفا می گردد که به حقیقت باید آن ایام را روز روشن نامید  
چرا که از سیاهی ها و تباهی ها اثری نیست.

۱. "یا بن رسول الله! جعلت فداک: اخبرنی عن قول الله فی کتابه ﴿و الشمس و ضحیها﴾ قال:  
ویحک یا حارث، ذلک محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، قلت: جعلت فداک: قوله: ﴿و القمر اذا تلیها﴾، قال:  
ذلک امیر المؤمنین علی بن ابی طالب یتلو محمداً، قال: قلت: ﴿و النهار اذا جلیها﴾، قال: ذلک القائم  
من آل محمد، یملا الارض قسطاً و عدلاً؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۹؛  
معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۴۹۵.

### ۳. امام مهدی علیه السلام و امام حسین علیه السلام

در آخرین کتاب آسمانی آیاتی وجود دارد که به سومین امام و آخرین امام تاویل شده است:

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛<sup>(۱)</sup> کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، به قتل نرسانید، مگر به حق و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است.

در تأویل این آیه شریفه به امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام شش روایت وارد شده است.<sup>(۲)</sup> یکی از آن روایت‌ها این است:

سلام بن مستنیر می‌گوید: امام محمد باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: "او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم. و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون امام حسین علیه السلام برآید؛ پس می‌کشد تا جایی که گفته می‌شود اسراف در قتل کرده است. مقتول، حسین علیه السلام و ولی او قائم علیه السلام است. و اسراف در قتل این است که غیر قاتل او کشته شود. او منصور است؛ زیرا از دنیا نمی‌گذرد تا این که یاری شود به مردی از خاندان پیامبر خدا که زمین را پر از قسط و عدل کند، همچنان که پس از جور و ظلم شده باشد."<sup>(۳)</sup>

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۲۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰: «عن سلام بن المستنیر عن ابي جعفر علیه السلام فی قوله: «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا» قال: هو الحسین بن علی علیه السلام



## دو: همراه با روایات

با توجه به احادیث رابطه‌ای دقیق و عمیق بین عاشورا و انتظار نمایان می‌شود، درک حقیقت عاشورا و انتظار بدون یاری از یکدیگر، بی‌مایه و بدون هویت است، حضرت مهدی فرزند و وارث امام حسین علیه السلام است و قیامی که برای آزادی جهان صورت می‌پذیرد بدون در نظر گرفتن فرهنگ و نهضت نینوا نافرجام است.

شیعه رمز بقا، تلاش و حرکت خود را "کربلا" و سرّ پایداری و ماندگاری را "ظهور" می‌داند. در هر جای جهان اندیشه و تفکر شیعه حاکم باشد، سازش و سکوت بی‌معنا خواهد بود. شیعه با ظلم و تن دادن به آن بیگانه است. زیرا همواره شعار "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" با جان او آمیخته است. همه ساله با فرا رسیدن محرم و اقامه عزای برای سالار شهیدان و تبیین معارف عاشورا جان تازه در کالبد شیعه دمیده می‌شود.

از سوی دیگر وقتی حرکت و نهضتی با یاد امام حسین علیه السلام اقامه می‌شود با یاد فرزندش امام مهدی علیه السلام بیمه و پیموده می‌شود. شیعیان در عصر غیبت خود را موظف به زمینه‌سازی برای "ظهور" می‌دانند و محرم و صفر ماه فرهنگ‌سازی و زمان الهام‌پذیری برای همین مسئله است.

---

قتل مظلوما و نحن اولیاءه، و القائم منا اذا قام طلب بئار الحسین، فیقتل حتی یقال قد اسرف فی القتل، و قال: المقتول الحسین علیه السلام و ليله القائم، و الاسراف فی القتل ان یقتل غیر قاتله انه کان منصورا، فانه لا یدهب من الدنیا حتی یتصر برجل من آل رسول الله صلی الله علیه و آله یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما». (البرهان، ج ۲، ص ۴۱۹؛ البحار ج ۷، ص ۴۴، ص ۲۱۸؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۲؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۲۷)

این مسئله از دید و نگاه دشمنان درجه یک اسلام یعنی صهیونیسم نیز مخفی نمانده است. آنها با حضور چهارصد اندیشمند خود، همایشی را در «تل آویو» تشکیل دادند و به این نتیجه رسیدند که شیعه دو نگاه دارد: نگاه سرخ و نگاه سبز؛ عاشوران نگاه سرخ الهام بخش و ظهور نگاه سبز تداوم و استمرار است.

شیعه با الگو قرار دادن امام حسین علیه السلام زندگی با پذیرش ظلم را ذلت دانسته لذا مانند آتشفشان همیشه فعال در هیچ جای جهان با ظلم نمی سازد و بعد از قیام، حرکتش را زمینه ساز ظهور می داند و از هیچ قدرت و تهدیدی هراس ندارد.<sup>(۱)</sup> لذا به گوشه‌ای از پیوند این دو جریان اشاراتی می شود.

### ۱. امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام

در بیش از سیصد روایت، وارد شده که امام مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است و در بیشتر احادیثی که از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت ولی عصر علیه السلام آمده، به آن حضرت به عناوینی چون: "از تبار پسر حسین" و "از نسل این پسر"، "نهمین فرزند پسر حسین" معرفی شده است.<sup>(۲)</sup> که مجموع روایات پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه یکصد و هشتاد و

---

۱. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تل آویو ترجمه و با عنوان «تشیع مقاومت و انقلاب» چاپ شده است و در کتابخانه پژوهشکده مهدویت موجود است همچنین ر.ک. تهاجم و تفاوت فرهنگی، دکتر حسن بلخاری.

۲. یاد مهدی، محمد خادمی شیرازی، ص ۱۶ و ۱۳۲.

پنج حدیث می باشد. (۱)

در این جا چند روایت از قول امام حسین علیه السلام نقل می شود:

مردی از طایفه همدان می گوید: "از امام حسین بن علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: قائم این امت نهمین از فرزندان من است و او صاحب غیبت است، و او کسی است که میراثش را در حیاتش تقسیم می کنند." (۲)

امام حسین علیه السلام می فرماید: "رسول خدا صلی الله علیه و آله در بشارتی به من فرمود: ای حسین! تو سید پسر و پدر ساداتی، و "نه" فرزند از تو، امامان ابرار و امین و معصومانند، و نهمین آنان مهدی قائم علیه السلام است. تو امام پسر امام و پدر ائمه هستی و نه فرزند از پشت تو ائمه ابراراند و نهمین آنان، مهدی است که دنیا را در آخر الزمان، پر از عدل و قسط می کند..." (۳)

این اتحاد و پیوند در حسب و نسب و ابوت و بنوت گویای این حقیقت است که حضرت مهدی علیه السلام فرزند سالار شهیدان علیه السلام است (۴) و وارث

۱. منتخب الاثر، آیه الله صافی گلپایگانی، ص ۲۵۴.

۲. سمعت الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام يقول: قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی و هو صاحب الغيبة و هو الذي يقسم ميراثه و هو حي؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۹۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴.

۳. کان رسول الله يقول فی بشرنی به، یا حسین! انت السيد ابن السيد، ابوالسادة تسعة من ولدک ائمة ابرار امناء معصومون و التاسع مهديهم قائمهم. انت الامام بن الامام، ابوالائمة تسعة من صلبک ائمة ابرار و التاسع مهديهم يملأ الدنيا قسطا و عدلا، يقوم فی آخر الزمان كما قمت فی اوله؛ کفاية الاثر، ص ۱۶۷؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۴.

۴. در برخی از روایات، امام مهدی علیه السلام را فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام معرفی نموده است که هفت پاسخ محکم و مستدل به آنها داده شده است. ر. ک: در انتظار ققنوس، ص ۱۰۵ ضمن آن که می توان گفت: امام مهدی از ناحیه پدر حسین یاست و از ناحیه مادر حسنی است زیرا همسر امام سجاد علیه السلام دختر امام مجتبی علیه السلام و امامان بعدی هم فرزند امام حسین علیه السلام و هم فرزند امام حسن علیه السلام هستند.

۲۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

اوست. راه و منطق هر دو، یکی است. امام حسین علیه السلام به خوبی می دانست که از نسل او کسی خواهد آمد که جهان را گلستان و پراز عدل و نیکی خواهد کرد. زیرا بارها این مسئله به او یادآوری شده بود. در روایتی نسبتاً طولانی امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: "امیر بزرگان و کشنده کافران، سلطانی که آرزوی او را دارند و عقلها در زمان غیبتش سرگردان می شود. نهمین فرزند تو ای حسین علیه السلام است. او بین رکن و مقام بر همه جای زمین و همه انسانها و جنیان ظاهر می شود. خوشابه افراد مؤمنی که زمان او را درک کنند و ملحق به او شوند و شاهد حکومت و ملاقات کننده یارانش باشد." (۱)

## ۲. نسب حضرت مهدی علیه السلام از زبان امام حسین علیه السلام

در بیش از صد و نود روایت یوسف زهرا علیها السلام فرزند حضرت فاطمه معرفی شده که بخشی از این احادیث از زبان مبارک امام حسین علیه السلام بیان شده است. (۲)

سالار شهیدان، فرزندش امام مهدی علیه السلام را به این جهت فرزند حضرت فاطمه علیها السلام می خواند که اصالت و اهمیت دو زمان امامت تا آخرین نفر از

---

۱. ... يظهر امير الامرة، و قاتل الكفرة، السلطان المأمول تحير في غيبته العقول و هو التاسع من ولدك يا حسين، يظهر بين الركنين يظهر على الثقلين و لا يترك في الارض الاذنين، طوبى للمؤمنين الذين ادركوا زمانه و لحقوا اوانه، و شهدوا ايامه، و لا قوا اقوامه؛ در روایت دیگری امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: «التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق و المظهر للدين، و الباسط للعدل؛ نهمین فرزند تو ای حسین! قائم به حق و ظاهرکننده دین و گسترده کننده عدالت است.» کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۴، ب ۲۶، ح ۱۶؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۶۶

۲. منتخب الاثر، ص ۲۴۷، ب ۶

این سلسله فهمیده شود. آن حضرت فرمود:

از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: "المهدی من ولد فاطمة؛" (۱) مهدی از فرزندان فاطمه است."

در روایت دیگری امام حسین ﷺ می فرماید: "پیامبر ﷺ به فاطمه زهرا ﷺ فرمود: "ایشری یا فاطمة! المهدی منک؛ ای فاطمه! بشارت بر تو باد، که مهدی ﷺ از فرزندان توست." (۲)

بنابراین افرادی که در طول تاریخ ادعای مهدویت داشته‌اند، افرادی فرصت طلب و دروغین هستند.

### ۳. القاب امام مهدی ﷺ از زبان امام حسین ﷺ

امام زمان ﷺ القاب مبارکی دارند که بعضی از آن‌ها، مستقیماً با "عاشورا" در ارتباط است و بعضی از لقب‌های مقدس آن حضرت، بر زبان جد بزرگوارشان ﷺ جاری شده است.

عیسی الخشاب می گوید: از محضر امام حسین ﷺ سؤال کردند: آیا شما صاحب این امر هستید؟

فرمود: "نه من نیستم، بلکه صاحب این امر کسی است که از میان مردم کناره گیری می کند و خون پدرش بر زمین می ماند و کنیه او کنیه عمویش

۱. کنوز الحقائق، (چاپ شده در حاشیه جامع الصغیر) ج ۱، ص ۱۶۱. (به نقل از مهدی

موعود ﷺ، ج ۱، ص ۱۶۱.)

۲. معجم احادیث الامام المهدی ﷺ، ج ۱، ص ۱۴۴.

خواهد بود. آن‌گاه شمشیر برمی‌دارد و هشت ماه تمام شمشیر بر زمین نمی‌گذارد.

"طريد" و "شريد" که هر دو به یک معنا است از القاب حضرت ولی عصر علیه السلام به شمار می‌آید. این دو عبارت در زبان امامان معصوم علیهم السلام نیز به کار رفته، و معنای آن کنار زده و رانده شده است. حاجی نوری رحمته الله در معنای "شريد" می‌گوید: "رانده شده از مردمی که آن حضرت را شناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکرگزاری و مقام حقش بر نیامدند؛ بلکه پس از این که از دست یافتن بر او ناامید شدند، به قتل و قمع ذریهٔ طاهرهٔ ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم، سعی بر بیرون راندن نام و یاد او، از قلوب و اذهان مردم کردند." (۱)

این روایت امام حسین علیه السلام ما را متوجه غربت مام عصر علیه السلام می‌نماید. در متون اسلامی تعبیر عجیب و تکان‌دهنده‌ای راجع به غربت و مظلومیت امام زمان علیه السلام وجود دارد. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به اصبع بن نباته می‌فرماید: "عده‌دار این امر (حضرت مهدی علیه السلام) همان راندهٔ آوارهٔ یکه و تنهاست." (۲)

دوران غیبت، زمان غربت، مظلومیت، صبر و انتظار امام است. بیش از هزار سال غم‌های عالم را یک‌تنه به دوش می‌کشد. در زیارت حضرت مهدی علیه السلام عرضه داشته‌ایم: السلام علیک ایها الامام الفرید؛ (۳) سلام بر تو ای

۱. نجم الثاقب، ص ۷۸.

۲. صاحب هذا الامر الشريد الطريد الفريد الوحيد؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۳. زیارت سرداب مقدس، صحیفه مهدیه، ص ۶۱۹.

امام تنها. "امام موسی بن جعفر در روایت مشابهی به روایت امام حسین علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: "او حضرت مهدی علیه السلام آن غریب تنهای دور از وطن غایب از دیدگان کسان خویش است که هنوز انتقام خون پدرش گرفته نشده است." (۱)

سخن از غربت مهدی زهراست	سخن از بی‌وفایی من و ماست
غم مهدی غمی جان‌گناه باشد	از آن کمتر کسی آگاه باشد
شکیبایی از او شرمنده گشته	ز غم جان و دلش آکنده گشته
از او مظلوم‌تر در این جهان کیست	ز گنه‌گریتش کس باخبر نیست
به غیبت سوز و اشک و آه دارد	چو جدّ خویش سر در چاه دارد
تو گویی خار در چشمش نشسته	دلش از غفلت شیعه شکسته
غریب و یگه و تنهاست مهدی	کجا شد شیعیان پس رسم مردی؟
چرا با توجه به فرمایش امام حسین <small>علیه السلام</small> قدمی برای زدودن غربت و تنهایی ولی عصر <small>علیه السلام</small> بر نمی‌داریم؟ (۲)	

### ۳. توصیف امام حسین علیه السلام از زبان امام مهدی علیه السلام

امام زمان علیه السلام درباره اوصاف، ویژگی‌ها و سیرت جدّ بزرگوارشان در زیارت ناحیه مقدسه (۳) کلام‌هایی عمیق و بلند دارد. یکی از آن فرازها این

---

۱. هو الطّریدُ الوحیدُ الغریبُ الغائبُ عن اهلہ الموتور بابیه؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۱، ب ۳۴، ح ۴.  
۲. برای اطلاع از غربت و راه کارهای زدودن آن ر. ک ۱۲ قرن غربت، دکتر علی هراتیان.  
۳. این زیارت از طریق یکی از نائبان خاص امام زمان علیه السلام به دست برخی از اساتید شیخ مفید و سپس به شیخ مفید و سید مرتضی و ابن مهدی رسیده است، لذا دارای اعتبار ویژه می‌باشد. ضمن آن که مضامین آن هم‌سو با روایات است. برای اطلاع بیشتر ر. ک. همزه نور، هدایت الله طالقانی.

جمله است:

تو بهار یتیمان و ملجأ و پناهگاه مردم و عزت اسلام و کانون احکام و هم پیمان بخشش‌ها و نیکوکاری، رهرو راه جدت و پدرت بودی. برای اسلام و مسلمین مهربان و یاور حق و صبور و بردبار در هنگام بلا و محافظ دین و نگهبان آن بودی. (۱)

در ادامه حضرت مهدی علیه السلام، امام حسین علیه السلام را این‌گونه توصیف فرموده است: "تو ای حسین، برای "رسول خدا" فرزند و برای "قرآن" سند و برای "امت"، بازویی بودی. در طاعت خدا تلاشگر و نسبت به عهد و پیمان، حافظ و مراقب بودی. از راه فاسقان سر برمی تافتی. آه می کشیدی؛ آه آدمی که به رنج و زحمت افتاده است. رکوع و سجود تو طولانی بود. زاهد و پارسای دنیا بودی؛ زهد و اعراض کسی که از دنیا رخت برکشیده است و با دیدة وحشت زده بدان نگاه می کردی." (۲)

در این عبارت، بسیار جالب و جامع، جد بزرگوار خود امام حسین علیه السلام را با ده عنوان وصف کرده است:

امام حسین علیه السلام فرزند رسول خدا است؛

او سند و پشتوانة قرآن است؛ هر آنچه در قرآن، در قالب الفاظ است،

در وجود مطهر امام حسین علیه السلام رؤیت و مشاهده می شود؛

---

۱. كنت ربيع الايتام و عصمة الانام و عز الاسلام و معدن الاحكام و حليف الانعام سالكاً طرائق جدك و ابيك....

۲. كنت للرسول ولداً و للقرآن سندا و للامة عضداً و في الطاعة مجتهدا حافظا للعهد و الميثاق ناكبا عن سبل الفساق تتأوه تأوه المجهود طويل الركوع و السجود زاهداً في الدنيا زهدالراحل عنها ناظراً بعين المستوحشين منها؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۹، ح ۳۸.



توان اسلام، امامت است و امام حسین علیه السلام بازوی پرتوان امت و دین اسلام در همه اعصار است؛

در راه اطاعت پروردگار، سخت کوش و تلاشگر بود. عبادت آن حضرت (نماز و دعاء خصوصاً دعای عرفه) مایهٔ اعجاب است.

آن بزرگوار، نگه‌دار عهد و میثاق است و با خدا و خلق او در عهد و پیمان، استوار و ثابت و با وفا است؛

آن حضرت از راه و روش فاسقان روی گردان بود و از راه مسامحه و مداهنه وارد نمی‌شد؛

آه امام حسین علیه السلام دردمندانه بود؛ مانند کسی که بار سنگینی از غصه در دل دارد و درد سینه‌اش جراحی التیام ناپذیر است؛

آن حضرت رکوع‌ها و سجده‌های طولانی داشت. که نمونه‌های آن در تاریخ ثبت و درج شده است؛

سیدالشهدا علیه السلام، نسبت به دنیا زاهد و بی‌علاقه بود. و زهد با عمل این خاندان معنا می‌گیرد؛ نظر او به دنیا، نظر و حشت زدگان بود و آنجایی که نظر دیگران به دنیا نظر عاشقانه بود، نظر آن حضرت به دنیا، مانند انسان وحشت‌زده بود.<sup>(۱)</sup> صاحب مقام امامت و ولایت این عصر امام سوم را برای ما این‌گونه معرفی می‌فرماید. لذا این بیان علاوه بر شناخت حقیقت امام حسین علیه السلام بدون کم و کاست و غلو به ما می‌فهماند که عاشقان امامت نیز این‌گونه باید باشند.

۱. بررسی مقایسه‌ای بین حضرت مهدی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، آیت‌الله کریمی جهرمی، ص ۴۰.

#### ۴. قائم و عاشورا

“قائم” از القاب مشهور حضرت حجت علیه السلام است که در بیشتر روایات شیعه وارد شده و شیعیان با شنیدن آن به احترام حضرت علیه السلام قیام می کنند. ابو حمزه ثمالی می گوید: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیامبر! آیا شما همه قائم نیستید و حق را به پا نمی دارید؟ پس چرا تنها ولی عصر را قائم می خوانند؟ فرمود: “چون جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان صدا به گریه و ناله بلند نموده و عرض کردند: پروردگارا! آیا قاتلان بهترین بندگان، و زاده اشرف برگزیدگان را به حال خود وامی گذاری؟ خداوند به آنها وحی فرستاد: ای فرشتگان من! آرام گیرید. به عزت و جلالم سوگند، از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمان ها باشد. آن گاه پروردگار عالم پرده از جلو دیدگان آنان کنار زد و امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را یکی پس از دیگری به آنها نشان داد. فرشتگان از این منظره، مسرور و شادمان گردیدند و دیدند که یکی از آن بزرگواران، ایستاده مشغول نماز است. خداوند فرمود: با این قائم (شخص ایستاده) از آنان (قاتلان حسین علیه السلام) انتقام خواهم گرفت.” (۱)

محمد بن حمران می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: چون جریان شهادت

۱. لما قتل جدی الحسین ضجت الملائكة بالبكاء و النحیب و قالوا الهنا أنصفح عن قتل صفوتک و ابن صفوتک و خیرتک من خلقک؟ ... فاوحی الله اليهم قرؤا ملائکتی فو عزتی و جلالی لانتقمن منهم و لو بعد حین... ثم کشف لهم عن الائمة من ولد الحسین فسرت الملائكة بذلك و رأوا احدهم قائماً یصلی، فقال سبحانه: بهذا القائم انتقم منهم؛ دلائل الامامة، طبری، ص ۲۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.

امام حسین علیه السلام واقع شد، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و خروش برآورده، به خداوند عرض کردند: بار خدایا! آیا با حسین علیه السلام که انتخاب شده تو و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله تو اینچنین رفتار شود؟ خداوند شبح و سایه قائم علیه السلام را در برابر آنان در حالت ایستاده مجسم کرد و فرمود: با این (قائم) از ستم‌کنندگان به حسین انتقام خواهم گرفت»<sup>(۱)</sup>.

### ۵. غیبت حضرت مهدی علیه السلام، از نگاه امام حسین علیه السلام

درباره غیبت آخرین پیشوای برحق احادیث تابناکی وجود دارد، برخی از این روایات از ناحیه امام سوم است. امام حسین علیه السلام درباره غیبت امام زمان علیه السلام می‌فرماید: "برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها آن قدر به طول می‌انجامد که گروهی می‌گویند: (مهدی) مرده و برخی گویند: کشته شده و بعضی گویند: رفته است. احدی از دوستان و غیره، از اقامتگاه او آگاه نمی‌شود، جز خدمت‌گذاری که متصدی امور اوست."<sup>(۲)</sup>

هم‌چنین می‌فرماید: "برای او غیبتی است که گروه‌هایی در آن از دین برمی‌گردند و گروه‌هایی دیگر بر آیین خود استوار می‌مانند و در این راه آزارها می‌بینند. به آنان گفته می‌شود: این وعده کی واقع خواهد شد اگر راستگو هستید؟ آنان که بر این آزارها و تکذیب‌ها صبر کنند، همانند

۱. دلائل الامامة، ص ۴۵۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰، ب ۱۲۹، ح ۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۹۸، ف ۲، ب ۳۷، ح ۱؛ امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۳۳؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲. لصاحب هذا الامر غیبتان، احدهما تطول حتی یقول بعضهم: مات و بعضهم قتل و بعضهم ذهب ولا یطلع علی موضعه احد من ولی ولا غیره الا المولی الذی یلی امره.

کسی اند که شمشیر به دست گرفته و در پیشاپیش رسول اکرم ﷺ جهاد می‌کند. (۱)

## ۶. بشارت ظهور از زبان امام حسین ﷺ

بشارت به ظهور امام عصر ﷺ حقیقتی شغف‌انگیز است که از سوی امامان معصوم ﷺ نوید آن داده شده است. سالار شهیدان در این زمینه می‌فرماید: "دوازده مهدی از ما هست که نخستین آنان علی بن ابی طالب و آخرین آنان نهمین فرزند من است که او امام قائم به حق است، خداوند زمین مرده را به وسیله او زنده می‌کند و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می‌گرداند..." (۲)

عبدالله بن عمر می‌گوید: "از حسین بن علی ﷺ شنیدم که می‌فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی فرماید تا آنکه مردی از فرزندان من خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد، من از رسول خدا ﷺ این چنین شنیدم." (۳)

---

۱. ... له غیبة یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون، فیؤذون و یقال لهم: «متی هذا الوعد ان کتم صادقین»؛ اما ان الصابر فی غیبه علی الادی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله ﷺ؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ب ۳۰، ح ۳؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳؛ معجم احادیث الامام المهدي ﷺ، ج ۳، ص ۱۸۴.

۲. متا اثنی عشر مهدياً، اولهم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو الامام القائم بالحق یحیی الله به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لو کره المشرکون...؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۳. سمعت الحسین بن علی ﷺ یقول: لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لَطَوَّلَ اللهُ عزوجل ذلك اليوم

این مژده‌ها در طول تاریخ همواره بارقه‌امیدی برای عاشقان و شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بوده و سبب حیات، رشد، بالندگی، حرکت و تلاش شده است.

## ۷. عصر غیبت در کلام امام حسین علیه‌السلام

همه معصومین علیهم‌السلام برای ویژگی‌ها و وظایف و شرایط این عصر زمان سخنانی بیان فرموده‌اند زینت دوش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام حسین علیه‌السلام هم می‌فرمایند: "نهمین از فرزندان من، امام قائم به حق است و خدای متعال زمین را به واسطه او پس از مرگ زمین، زنده می‌کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید گرچه مشرکان را ناخوش آید و او را غیبتی است که اقوامی در آن از دین برمی‌گردند و عده‌ای ثابت و پابرجا مانند وادیت شوند. به آنها گفته می‌شود: اگر راست می‌گویید، این وعده (ظهور) چه وقت عملی می‌شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت بر آزار و تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیش روی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مجاهده کرده است." (۱)

در این روایت شریف، وظیفه همگان برای زمینه‌سازی ظهور به خوبی

---

حتی ینخرج رجل من ولدی فیملها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعت رسول الله یقول: کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ب ۳۰، ح ۴؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۱. ... التاسع من ولدی و هو القائم بالحق، یحیی الله به الارض بعد موتها و ینظر به دین الحق علی دین کله و لو کره المشرکون، له غیبة یرتد فیها اقوام و یشب فیها علی الدین آخرون، فیؤذون یقال لهم: ﴿مَتَى هَذَا الْوَعْدُ اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَ﴾؛ اما ان الصابر فی غیبة علی الادی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله.

نمایان است. یکی از وظایف شیعیان در این زمان صبر مثبت است.<sup>(۱)</sup> یعنی حضور در اجتماع و مجاهدت برای ظهور و تحمل ناملایمات و سایر محنت‌ها هر کس این گونه باشد مانند مجاهدان عصر نبوی پاداش دارد. و روشن است که نشستن درون خانه و منتظر بودن و با هیچ کاری، کار نداشتن نمی‌تواند ارزش و پاداش مجاهده داشته باشد. لذا برای تطبیق و تساوی در قانون عمل و جزا و تناسب حکم با موضوع، صبر در این روایت به معنای تلاش و حرکت و دوری از عجله کردن ناشیانه است.

### ۸. شباهت‌های امام مهدی علیه السلام در کلام امام حسین علیه السلام

آخرین خلیفه پروردگار شباهت‌های بسیاری با تمام انبیاء و اولیاء گرامی در طول تاریخ دارد. امام حسین علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: "در نهمین فرزند من سنتی از یوسف<sup>(۲)</sup> و سنتی از موسی بن عمران است، او قائم ما اهل بیت است و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می‌فرماید."<sup>(۳)</sup> این روایت شریف می‌فهماند که امر حکومت امام زمان ناگهانی است لذا هر صبح و شام باید آن را نزدیک دانست و انتظارش را کشید. عاشقان اهل بیت علیهم السلام و منتظران ظهور، فرج امام مهدی علیه السلام را بسیار نزدیک به خود می‌دانند «**إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً**»

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. برای اطلاع از شباهت حضرت یوسف علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام ر.ک. یوسف زهر علیه السلام، نصرت الله آیتی.

۳. فی التاسع من ولدی سنة من یوسف و سنة من موسی بن عمران علیهم السلام و هو قائماً اهل البيت یصلح الله تبارک و تعالی امره فی لیلۃ واحدة؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ب ۳، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱۳، ص ۱۷۹.

## ۹. دلدادگی حضرت مهدی علیه السلام به امام حسین علیه السلام

خدمت در محضر امام حسین علیه السلام و توفیق یاری حضرت و شمشیر زدن در رکاب او، بزرگترین توفیقات الهی بود که نصیب عده‌ای از خواص عصر امام حسین علیه السلام شد. همچنان که فراهم نمودن شرایط و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و توفیق جنگیدن در رکاب آن بزرگوار، از دیگر موهبت‌های الهی است که نصیب عده‌ای از خواص می‌شود. در عظمت و شرافت خدمت‌گذاری، نصرت به آن آستان بلند، همین بس که امام زمان علیه السلام نیز عاشق جد بزرگوار خود و مشتاق خدمت به او است. آن حضرت در زیارت ناحیه مقدسه<sup>(۱)</sup> می‌فرماید: "اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مقدرات از یاری و نصرت تو در روز عاشورا باز داشت، هر آینه من صبح و شام بر تو ندبه می‌کنم و به جای قطرات اشک، بر تو خون می‌گیریم."<sup>(۲)</sup>

آری یاری امام مهدی علیه السلام، عبادتی بزرگ است، چرا که در حقیقت خدمت به تمام پیامبران و اوصیا و امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا او آخرین حجت الهی است و اراده‌ی خداوند بر آن تعلق یافته که زحمات طاقت فرسای همه پیامبران را، به دست با کفایت آخرین حجت خود به ثمر رساند. اگر نهضت جهانی آن ولی الله اعظم علیه السلام، از برنامه جهانی

۱. درباره این زیارت، مقاله‌ای از همین قلم در کتاب نینوا و انتظار تأملی نو، ص ۲۳۶ ذکر گردیده است.

۲. و لئن اخرجتني الدهور و عاقني عن نصرک المقذور لأندبک صباحاً و مساءً و لأبکین لک (علیک) بدل الدموع دماً.

خلقت حذف شود، برنامه همه پیامبران عظیم گشته و هدف نهایی فرستادن رسولان و تشریح ادیان ضایع و تباه می شود. (۱)

خدمت به امام عصر علیه السلام، مطلوب امام صادق علیه السلام نیز بوده است. "خلاد بن قصار می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا قائم متولد شده است؟ فرمود: "لا و لو ادر کته لخدمته ایام حیاتی؛ نه متولد نشده ولی اگر من او را درک می کردم، همه عمر را با خدمت گزاری او سپری می کردم." (۲)

هنگامی که امام معصوم علیه السلام در حق حضرت بقیه الله علیه السلام چنین تعبیری به کار می برد؛ مقام رفیع یاران آن حضرت و ارزش خدمت به آیین "انتظار" روشن می شود.

## ۹. عاشورا روز ظهور

درباره روز قیام و ظهور حضرت، روایات مختلفی وارد شده است. که در آنها، روز نوروز، عاشورا، شنبه و یا جمعه، روز ظهور معرفی شده است. البته از آن جایی که نوروز، طبق سال شمسی و عاشورا، بر اساس سال قمری محاسبه می شود، یکی شدن این دو روز امکان پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است.

اما روایاتی که روز ظهور را، دو روز از هفته بیان کرده، قابل توجیه است؛ یعنی، در صورت صحیح بودن سند این روایات، احادیث روز جمعه به روز "ظهور" و روایات روز شنبه به روز "استقرار و تثبیت قیام حضرت و

۱. یاد مهدی، ص ۱۹۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.



نابودی مخالفان" تفسیر می‌شود. البته روایات روز شنبه، از نظر سند مورد تأمل و بررسی است؛ ولی قیام روایات روز جمعه از این نظر ایرادی ندارد.<sup>(۱)</sup> اما آنچه مهم است، این که قیام حضرت ولی عصر علیه السلام، مصادف با روز شهادت سیدالشهداء علیه السلام است و این مطلب ما را به ارتباط ویژه‌ی صاحبان این دو قیام رهنمون می‌سازد.

امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: "گویا حضرت قائم علیه السلام را می‌بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند: بیعت برای خدا است. پس زمین را پراز عدل می‌کند؛ همان‌گونه که پراز ظلم و جور شده بود."<sup>(۲)</sup>

امام جعفر صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: "قائم درود خدا بر او باد در شب بیست و سوم ماه رمضان، به نام (شریفش) ندا می‌شود، و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی علیه السلام، در آن کشته شد، قیام خواهد کرد."<sup>(۳)</sup>

## ۱۰. عدالت مهدوی در کلام امام حسین علیه السلام

مهم‌ترین و بارزترین جلوه حکومت امام زمان علیه السلام عدالت می‌باشد.<sup>(۴)</sup>

۱. چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، نجم‌الدین طوسی، ص ۶۳.

۲. کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی: البیعة لله فیملأها عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً؛ غیبة طوسی، ص ۲۷۴؛ کشف الغممه، ج ۳، ص ۲۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۳.

۳. ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلة ثلاث و عشرين و یقوم یوم عاشورا یوم قتل فیہ الحسین بن علی علیه السلام؛ غیبة طوسی، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ معجم احادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴. ر.ک. فصلنامه انتظار، ش ۱۳ و ۱۴ ویژه‌نامه «عدالت مهدوی» است.

امام حسین علیه السلام در تعبیر بسیار زیبایی گستردگی این عدالت را این گونه بیان می‌فرماید: "به هنگامی که قائم عدالت قیام فرمایند، وسعت عدلش نیکوکار و بدکار را فرا می‌گیرد." (۱)

امام مهدی علیه السلام با همه افراد به عدالت برخورد می‌کند و عدالت به همه سرزمین‌ها و همه مکان‌ها ارزانی می‌شود. و موجودات در سایه سار این عدالت فراگیر در راحتی و امنیت زندگانی می‌کنند.

### ۱۱. یاد امام حسین علیه السلام نخستین کلام حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، به مطالب و سخنان نخستین امام زمان علیه السلام اشاراتی شده است؛ از جمله‌ی آنها روایتی است که محدث بزرگوار شیخ علی یزدی حائری رحمته الله نقل کرده است. او می‌گوید: "زمانی که قائم آل محمد ظهور کند، ما بین رکن و مقام می‌ایستد و پنج ندا می‌دهد:

"الا یا اهل العالم انا الامام القائم؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم؛"

"الا یا اهل العالم انا الصمصام المنتقم؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده؛"

"الا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه کام کشتند؛"

"الا یا اهل العالم ان جدی الحسین طرحوه عریاناً؛ بیدار باشید ای اهل

---

۱. اذاقام قائم العدل وسع عدلته البر و الفاجر؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۰؛ معجم احادیث الامام مهدی (عج)، ج ۳، ص ۱۸۱، موسوعة کلمات الامام حسین، ص ۵۳۸.

عالم که جدّ من حسین را عریان روی خاک افکندند؛  
 "الا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحوقه عدوانا؛ آگاه باشید ای جهانیان  
 که جدّ من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند." (۱)  
 امام زمان علیه السلام ابتدا خود را چنین به جهانیان معرفی می‌کند: که قائم و  
 شمشیر انتقام منم؛ قیام نمودم تا انتقام خون جدم حسین علیه السلام که او را تشنه  
 لب شهید کرده، بدن مطهرش را عریان روی خاک افکندند و پایمال کردند.  
 بگیرم.

آری اولین کلام حضرت مهدی علیه السلام، یاد امام حسین علیه السلام است که همواره  
 یاد او، در دل هر انسان آزاد مرد و طالب حقی زنده است و این مصیبت  
 عظمی، جز با ظهور فرزندش تسلی نمی‌یابد.

## ۱۲. حضرت مهدی علیه السلام تکمیل کننده سفر امام حسین علیه السلام

یکی از رابطه‌های دقیق بین این دو امام همام علیه السلام و قیامشان، مرکز  
 حکومت آن دو است. امام حسین علیه السلام از مکه به جانب کوفه، رهسپار بود و  
 شاید با رسیدن به کوفه، مانند پدر بزرگوار خود آن جا را مقرر حکومت  
 خویش قرار می‌داد؛ ولی سپاهیان یزید، راه را بر آن حضرت بستند و او در  
 دوم محرم، در کربلا منزل نمود.

زمانی که خورشید تابناک مکه، ظهور کند، کوفه را به عنوان مقرر  
 حکومت خود بر خواهد گزید. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: "مهدی قیام

۱. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری پور، ج ۲، ص ۲۸۲.

می‌کند و به سوی کوفه می‌رود و منزلش را آن‌جا قرار می‌دهد.<sup>(۱)</sup>  
هم‌چنین می‌فرماید: "هنگامی که قائم ما قیام کند و به کوفه برود، هیچ مؤمنی نخواهد بود، مگر آن‌که در آن شهر، در کنار مهدی سکونت می‌گزیند، یا به آن شهر می‌رود."<sup>(۲)</sup>

ابوبکر حضر می‌گوید: به امام محمد باقر یا امام صادق علیه السلام گفتم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش با فضیلت‌تر است؟ فرمود: "ای ابابکر! سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده‌اند. آن‌جا عدالت الهی پدیدار می‌گردد و قائم به عدل و قیام‌کنندگان پس از او از همان‌جا خواهند بود. آن‌جا، جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است."<sup>(۳)</sup>

امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد کرد و فرمود: "آن‌خانه صاحب ما (مهدی موعود) است؛ زمانی که با خاندانش در آن‌جا سکونت گزینند."<sup>(۴)</sup>  
از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که شهر کوفه، پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان علیه السلام خواهد بود، پایگاهی که

---

۱. قصص الانبیاء، راوندی، ص ۸۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۰.  
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵، غیة طوسی، ص ۲۷۵ با اندکی تفاوت؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۰.  
۳. کسامل الزیارات، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۰.  
۴. کافی، ج ۳، ص ۴۱۵؛ ارشاد، ص ۳۶۲؛ التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳؛ غیة طوسی، ص ۲۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.

زمانی مقرر حکومت امیر مؤمنان علیه السلام بود و امام حسین علیه السلام به آن سو می‌رفت.

### ۱۳. خون خواهی حضرت مهدی علیه السلام از قاتلان امام حسین علیه السلام

سالار شهیدان به فرزندش امام سجاد علیه السلام فرمود: "سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا این که خداوند، مهدی را برانگیزد. او به انتقام خون من، از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می‌کشد."<sup>(۱)</sup> هر وی می‌گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! نظر تان درباره این سخن امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: "هرگاه قائم ما قیام کند، بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام به کیفر کردار پدرانشان کشته می‌شوند" چیست؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: "این سخن صحیح است".

گفتم: پس این آیه قرآن ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ چه معنایی دارد؟ فرمود "آنچه خداوند می‌فرماید صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام، به کردار پدرانشان خوشحال‌اند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده است. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است. و این که قائم، فرزندان قاتلان امام حسین را هنگام ظهورش نابود می‌سازد، برای این است که آنان از

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹؛ چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۴۱۸؛ معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۸۲ «یا ولدی یا علی و الله لایسکن دمی حتی یبعث الله المهدی فیقتل علی دمی من المنافقین الکفرة الفسقة سبعین الفا».

کردار پدرانشان خوشنودند. (۱)

آری همان طوری که امام حسین علیه السلام می فرماید: روزی فرا می رسد که فرزندش امام مهدی علیه السلام ظهور می فرماید و همه ظالمین را سرکوب و به مظلومین عالم عزت می بخشد و جهان را بانور عدالت روشن می فرماید. (۲)

#### ۱۴. یاری امام حسین علیه السلام، یاری امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از جلوه های روشن ارتباط بین این دو اختر تابناک آسمان ولایت و امامت یاری نمودن امام حسین علیه السلام است که در حقیقت این یاری، نصرت امام عصر علیه السلام می باشد. امام حسین علیه السلام در این زمینه در شب عاشورا به اصحاب خود فرمود: "همانا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزند من حسین علیه السلام در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی کس، کشته می شود، کسی که او را یاری کند مرا یاری نموده و فرزندش مهدی علیه السلام را یاری نموده است ...". (۳)

---

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۵؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۵۴.  
۲. معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام ج ۳، ص ۱۸۱، «یظهر الله قائمنا فینتقم من الظالمین. فقیل له: یا رسول الله! من قائمکم؟ قال: السابع من ولد ابنی محمد بن علی و هو الحججة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بنی و هو الذی ینیب مدة طويلة ثم یظهر و یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»  
۳. ... و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله: ولدی حسین یقتل بطف کربلا، غریباً و حیدراً عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحججة علیه السلام ...؛ معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ سحاب رحمت، ص ۳۴۲؛ الدمعة الساکبة، ص ۲۷۱؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸؛ اسرار الشهادة، ص ۲۶۸؛ موسوعة کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۳۹۹.

## ۱۵. فرشتگانِ یاور امام حسین علیه السلام، یاوران مهدی علیه السلام

یکی از ویژگی‌های قیام یوسف زهراء، برخورداری از نصرت الهی به وسیله فرشتگان است. ابان بن تغلب می‌گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: "گویی قائم را می‌بینم که همراه (یارانش) چهار هزار فرشته‌ای هستند که به آسمان بالا رفتند تا اجازه جنگیدن در رکاب امام حسین علیه السلام بگیرند، ولی هنگامی که به زمین بازگشتند حضرت به شهادت رسیده بود، و آنان در کنار قبر آن حضرت پریشان موی و غبار آلود ماندند و بر آن حضرت تا روز قیامت می‌گریند و آنان خروج قائم علیه السلام را انتظار می‌کشند." (۱)

در روایت دیگری درباره خصوصیات این فرشتگان آمده است: "هیچ زیارت کننده‌ای به زیارت امام حسین علیه السلام نمی‌رود مگر این که فرشتگان از او استقبال می‌کنند و هیچ وداع کننده‌ای با آن حضرت خدا حافظی نمی‌کند مگر این که آنان او را بدرقه می‌کنند و بیماری نیست مگر این که آنان او را عیادت می‌کنند هر کس بمیرد، آنان بر او نماز می‌گزارند و برای او طلب آمرزش می‌کنند و همواره منتظر ظهور امام مهدی علیه السلام هستند." (۲)

شیخ صدوق رحمته الله در روایت ریان بن شیب، از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: "به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام به

۱. کسانی انظر الى القائم... و معهم اربعة آلاف صعداوا الى السماء يستاذنون في القتال مع الحسين عليه السلام فهبطوا الى الارض و قد قتل، فهم عند قبره شعفٌ غير يبكونه الى يوم القيامة وهم ينظرون خروج القائم؛ غيبت نعماني، ص ۳۰۹، ب ۱۹، ح ۴؛ معجم احاديث الامام المهدي (عج)، ج ۴، ص ۱۶.

۲. همان، ح ۵؛ کامل الزيارات، ص ۱۱۹، ح ۵ ب ۴۱.

زمین فرود آمدند. <sup>(۱)</sup> آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است.

به راستی، چه ارتباطی میان این دو کوکب درخشان آسمان ولایت که ملک و ملکوت، عرش و فرش همه از یگانگی آن دو سخن می گویند وجود دارد. هر کجا حسین علیه السلام است، مهدی علیه السلام نیز هست و هر کجا مهدی علیه السلام است، حسین علیه السلام نیز می باشد. یاد و نام یکی با نام و یاد دیگری قرین و عجین است. از امام زمان علیه السلام؛ سیدالشهداء علیه السلام را می طلبند و از سیدالشهداء، امام زمان را.

#### ۱۶. شعار سپاه حضرت مهدی علیه السلام

در شعارهای لشکر آن حضرت که برگرفته از شعور عمیق آنان است به روشنی می توان یاد و خاطره امام حسین علیه السلام را مشاهده کرد. در یکی از زیارات جامعه "در قسمت سلام به حضرت مهدی علیه السلام آمده است: "سلام و درود بر امامی که از دیده ها پنهان است و در شهرها حاضر؛ آن که از دیده ها، نهان است و در دلها حاضر؛ باقی مانده اخیار و خوبان؛ و وارث شمشیر ذوالفقار؛ آن بزرگواری که در بیت الله الحرام که دارای

---

۱. و لقد نزل الى الارض من الملائكة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غبر الى ان يقوم القائم فيكونون من انصاره و شعارهم يا لثارات الحسين؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۳، ب ۲۸، ح ۵۸؛ معجم احاديث الامام المهدی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۶۸.



پرده‌ها است ظاهر می‌شود و به شعار "یا لثارات الحسین" ندا می‌کند و می‌فرماید: منم مطالبه کننده خون‌های به ناحق ریخته؛ منم شکننده هر ستمگر جفا پیشه".<sup>(۱)</sup>

و یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز به پیروی از امامشان، شعار "یا لثارات الحسین" سر می‌دهند. محدث بزرگ مرحوم حاجی نوری از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل کرده: "به درستی که شعار یاران مهدی علیه السلام یا لثارات الحسین است".<sup>(۲)</sup>

امام صادق علیه السلام<sup>(۳)</sup> هم می‌فرماید: "شعار یاران حضرت مهدی یا لثارات الحسین (ای خونخواهان حسین علیه السلام) است".<sup>(۴)</sup>

## ۱۷. حضرت مهدی علیه السلام ویرانگر مساجد چهارگانه

امام عصر علیه السلام از بین برنده و محوکننده تمام آثار شرک و نفاق است؛ از این رو عاشقان، هر صبح آدینه، زمزمه "این هادم ابنیه الشکر و النفاق" را سر می‌دهند و منتظرند تا حضرت ظهور کند و کاخ ظلم و ستم، استبداد و

---

۱. السلام علی الامام الغائب عن الابصار و الحاضر فی الامصار و الغائب عن العیون و الحاضر فی الأفكار، بقية الاخيار، وارث ذی الفقار، الذی ینظر فی بیت الله الحرام ذی الاستار و ینادی بشعار یا لثارات الحسین، انا الطالب بالاولیاء، انا قاصم کل جبار؛ مزار ابن مهدی، ص ۱۰۷؛ نجم الثاقب، ص ۴۶۹.

۲. ان شعار اصحاب المهدی علیه السلام یا لثارات الحسین علیه السلام؛ نجم الثاقب، ص ۴۶۹.

۳. همان.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴ ب ۴۷، ج ۷: (فضیل بن یسار عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «وهم من خشية الله مشفقون، یدعون بالشهادة و یتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله، شعارهم یا لثارات الحسین علیه السلام اذا ساروا ینسیر الرعب امامهم مسيرة شهر».

بناهای نفاق را نابود سازد. به همین جهت او مساجدی را که به شکرانه کشتن امام حسین علیه السلام بنا شده است، ویران خواهد کرد.

امام محمد باقر علیه السلام درباره این مساجد می فرماید: "در کوفه به دلیل شادی از کشتن حسین علیه السلام، چهار مسجد ساخته شد: مسجد اشعث، جریر، سماک و شَبَث بن رَبِعی" ابوبصیر می گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: "هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می سازد..." (۱)  
این مساجد اگر چه هم اکنون موجود نیست؛ ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، آنها را دوباره بسازند. (۲)

### سه. همراه ادعیه و زیارات

با بررسی "ادعیه و زیارات" مربوط به سیدالشهدا علیه السلام و امام عصر علیه السلام به ارتباط وثیق و تنگاتنگ میان این دو نور پاک پی می بریم؛ هر دو امام علیهم السلام در ماه شعبان به دنیا آمده اند و در روز تولد حسین علیه السلام باید به یاد مهدی علیه السلام، بود و در روز تولد مهدی علیه السلام، باید حسین علیه السلام را یاد کرد. در دعای هر یک، باید جملاتی را زیر لب زمزمه نمود که یاد دیگری را در دل زنده می کند. در این قسمت، نمونه هایی چند از این حقیقت اشاره می شود:

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۳ و ۲۳۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، ۵۶۶؛ الشیعه و الرجعة، ج ۲، ص ۴۰۰؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۴۶؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۵۷.

۲. مهدی موعود علیه السلام، ص ۹۴۱؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۵۷.

## ۱. یاد حضرت مهدی علیه السلام، در میلاد امام حسین علیه السلام

شیعیان و شیفتگان مذهب جعفری، در روز سوم شعبان میلاد سالار شهیدان، یاد فرزندان آن حضرت را نیز در دل‌ها تازه‌تر می‌کنند. در تویق مبارک حضرت امام حسن عسگری علیه السلام برای قاسم بن علاء همدانی آمده است: در روز تولد امام حسین علیه السلام این دعا را بخوان: "خداوندا! من تو را به مقام مولود این روز می‌خوانم. او که پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می‌باشد." (۱)

و در لوحی که به نام مقدس حضرت فاطمه علیها السلام معروف است (۲)، ارتباط محکم و راستینی بین امام حسین علیه السلام و حضرت حجت علیه السلام وجود دارد. این لوح به مناسبت تولد امام حسین علیه السلام توسط جبرئیل امین به رسم چشم روشنی از طرف خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه شد. رسول

۱. اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها ... المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبتهم؛ مصباح المتعجد، الیوم الثالث یوم ولد فیہ الحسین علیه السلام، ص ۷۵۸، مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان، اقبال، سیدعلی بن طاووس، ۶۸۹، شیعه و رجعت، ص ۱۹۰.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۱؛ الامامة و التبصرة، ص ۱۰۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۰؛ غیبت طوسی، ص ۱۴۵.

اکرم علیه السلام آن را مطالعه می کنند و می فرمایند: "سزاوار نیست که این چشم روشنی به شخصی غیر از فاطمه زهرا علیها السلام سپرده شود.

نکته مهم آن، زمان فرستادن (تولد امام حسین) و محتویات و مطالب آن (یاد مهدی علیه السلام) است. (۱)

وقتی به نام مقدس امام حسین علیه السلام می رسد، می فرماید: "کلمه تامه و حجت بالغه ی خود (امام زمان) را با حسین و نزد او قرار دادم." (۲)

## ۲. یاد حسین علیه السلام، در میلاد امام زمان علیه السلام

یکی از شب های با عظمت سال، شب تولد یوسف زهرا علیها السلام است که در روایت، افضل شب های سال بعد از شب قدر شمرده شده، و در آن احیاء و شب زنده داری توصیه شده است.

عاشقان حضرت در آن شب، یاد حضرت اباعبدالله علیه السلام را در دل های خود احیاء می کنند و با زیارت عاشورا جان خود را صفا می بخشند، چرا که شب امام عصر علیه السلام، شب زیارتی مخصوص سالار شهیدان فرزند فاطمه زهرا علیها السلام است.

محدث بزرگوار، شیخ عباس قمی رحمته الله علیه در "مفاتیح الجنان" می نویسد: با فضیلت ترین اعمال شب نیمه شعبان که باعث آمرزش گناهان است زیارت امام حسین علیه السلام می باشد. هر که می خواهد، روح صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین علیه السلام را زیارت کند. اقل زیارت آن

۱. از حسین علیه السلام تا مهدی علیه السلام، سید مجتبی حسینی، ص ۲۳.

۲. ... جعلت کلمتی التامة معه و حجتی البالغة عنده....

حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند، سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند:

السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك ورحمة الله وبركاته<sup>(۱)</sup>

در قسمت "زیارات" نیز می نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده که: هر که بخواهد با او صد و بیست و چهار هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند. پس خوشابه حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نیز با ایشان اند.

### ۳. شب قدر و یاد امام حسین علیه السلام

شب قدر، شب امام زمان علیه السلام است. و ملائکه و روح بر آن حضرت نازل شده، تقدیر امور را در اختیار او می گذارند. پیشوایان معصوم علیهم السلام در تفسیر سوره قدر فرموده اند: فرشتگان در این شب، مقدرات یک سال را نزد ولی مطلق زمان آورده، بر او عرضه و تسلیم می کنند.<sup>(۲)</sup>

۱. مصباح المتعجل، شیخ طوسی؛ لیلۃ النصف من شعبان، مفاتیح، اعمال شب نیمه شعبان.  
۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۲؛ کتاب الحجۃ، باب فی شان انا انزلناه فی لیلۃ القدر و تفسیرها.

در چنین شبی که به حجت بن الحسن العسکری علیه السلام تعلق دارد یاد جد بزرگوارش در دلها زنده می شود؛ چرا که یکی از اعمال مستحبی شب قدر، زیارت امام حسین علیه السلام است. شیخ عباس قمی رحمته الله می نویسد: "بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه مبارک رمضان خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر بسیار است.

از حضرت امام محمد تقی علیه السلام نقل شده است که هر که زیارت کند، امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است: چون شب قدر می شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده، آمرزید.

و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگذارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید.

و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد

داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو".<sup>(۱)</sup>

#### ۴. دعای ندبه و یاد امام حسین علیه السلام

یکی از دعاهای بسیار مهم و با ارزش در میان شیعه، دعای "ندبه" است که عاشقان حضرت ولی عصر علیه السلام هر صبح جمعه دور هم گرد آمده و با خواندن آن، با حضرتش تجدید عهد و پیمان می کنند این دعا سندی صحیح دارد و بخش عمده و چشمگیر آن، التجاء به مهدی موعود و تأسف از غیبت و دردمندی از فراق آن بزرگوار است و بخش هایی از این دعاء، مربوط به جد بزرگوار امام زمان علیه السلام سالار شهیدان است؛ مانند: *این الحسن؟ این الحسین؟ این ابناء الحسین؟ حسن علیه السلام کجا است؟ حسین علیه السلام چه شد؟ فرزندان حسین کجایند و چه شدند؟*. قسمت دیگری از این دعای شریف *این الطالب بدم المقتول بکربلا؟ کجاست آن طالب خون شهید کربلا؟* که از حساسیت فوق العاده ای برخوردار است.

ندبه کنندگان امام مهدی علیه السلام، منتظران منتقم آل محمدند تا تقاص خون به ناحق ریخته فرزند فاطمه علیه السلام را بگیرد و موجب شادی و بهجت قلب نازنین رسول خدا صلی الله علیه و آله شود.

آری صبح جمعه و دعای سوزان ندبه، در فراق امام زمان و یاد سید الشهداء علیه السلام است. و چه بسا همین یاد امام حسین علیه السلام در صدق و صفای این دعا، اثری ژرف به جای نهد.

۱. مفاتیح الجنان، بخش زیارات، زیارت امام حسین علیه السلام در شب های قدر.

## ۵. زیارت عاشورا و یاد مهدی علیه السلام

"زیارت عاشورا"، که از سوی امام محمد باقر علیه السلام، و از ناحیه خداوند متعال به شیعیان و شیفتگان تعلیم داده شده است مضامین والایی دارد. در یکی از قسمت‌های زیارت چنین آمده است: "ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله؛ همانا از خداوند می‌خواهم خون خواهی تو را در کنار امام یاری شدة از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روزیم گرداند." در قسمتی دیگر عرضه می‌دارد: "ان یرزقنی طلب ثاری [کم] مع امام هدی [مهدی] ظاهر ناطق بالحق منکم"

زائر در این فقره، مشارکت در خون خواهی امام حسین علیه السلام به وسیله امام زمان علیه السلام را طلب می‌کند، چرا که مقصود از امام هدی و منصور، دوازدهمین پیشوای شیعیان حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد و علت این که او را منصور نامیده‌اند، این است که ایشان در طلب خون جدشان یاری می‌شوند.

امام محمد باقر علیه السلام در شرح آیه شریفه «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا» فرمودند: "مهدی علیه السلام، منصور نامیده شد، همان طوری که احمد، به محمد صلی الله علیه و آله و عیسی به مسیح علیه السلام نامیده شد." (۱)

---

۱. سَمَى المهدى المنصور كما سَمَى احمد محمداً و كما سَمَى عيسى المسيح؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۱؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۲۷.



## ۶. روز عاشورا و یاد حضرت مهدی علیه السلام

جلوه‌های دیگر از ارتباط دو فرزند زهرا علیها السلام، روز عاشورا است، که دل عزاداران باید به عشق ولی عصر بتپد و ذکر قیام ابا عبدالله، با یاد امام زمان علیه السلام، توأم باشد.

صالح بن عقبه از پدرش نقل می‌کند: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: "هر شخصی حسین بن علی علیه السلام را در روز دهم محرم زیارت کند تا آن که نزد قبر آن حضرت گریان شود، خداوند تبارک و تعالی ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد به او عطا کند که ثواب آن‌ها، مثل ثواب کسی است که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام حج و عمره و جهاد کرده باشد.

راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد که در مثل این روز به سوی قبر آن حضرت رود، آیا برای او ثوابی است؟

امام علیه السلام فرمود: هرگاه چنین باشد به سوی صحرا یا بر بلندی بام خانه خود رود و به سوی حضرت اشاره کند و سلام دهد و در نفرین بر قاتلان وی جدیت نماید و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند. این کار را در اوایل روز انجام دهد و خود بر امام حسین علیه السلام بگرید و کسانی را که در خانه‌اش هستند نیز به گریه بر آن حضرت وا دارد. و یکدیگر را به این که در شهادت امام حسین علیه السلام مصیبت زده شده‌اند، تعزیت گویند. و هرگاه چنین کنند، همه آن ثواب‌ها را برای آنان ضامنم.

گفتم: یکدیگر را چگونه تعزیت بگویند؟

حضرت فرمودند بگویند: "اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام و جعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد عليهم السلام؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین عليه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیّ امام حسین، امام مهدی عليه السلام از آل محمد عليهم السلام طلب خون آن حضرت کرده و به خون خواهی او برخیزیم." (۱)

## ۷. حرم امام حسین عليه السلام و دعای فرج

از اماکنی که همه معصومان عليهم السلام دل داده آن هستند، بارگاه ملکوتی سالار شهیدان است. و از جمله مکان‌هایی که دعا برای تعجیل فرج مؤکد است، همین مکان گرامی است.

صاحب مکیال المکارم در این باره می نویسد: "هرگاه مؤمن از حرم امام حسین عليه السلام انواع ظلم و مصیبتی که بر او و خاندانش وارد آمده را در ذهن مجسم کند، و بداند که خون خواه آن جناب و انتقام گیرنده از دشمنان و ستم‌کنندگان به او، مولایمان صاحب الزمان است، عقل و مودتش او را خواهند برانگیخت که برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا نماید، و با تضرع و زاری این امر را از درگاه الهی بخواهد.

و شاهد بر این است آنچه در روایت ابو حمزه ثمالی در باب هفتاد و نهم کامل الزیارات از امام صادق عليه السلام آمده که در جایی از آن زیارت فرموده:

---

۱. مصباح المتعبد، شیخ طوسی، المحرم و شرح زیارة الحسين عليه السلام، ص ۷۱۳ و ۷۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۰.

پس از درود فرستادن بر حسین علیه السلام و بر همه امامان علیهم السلام درود می فرستی و می گویی: خداوندا به آنها کلمات خویش را تمام گردان و وعدهات را به ایشان تحقق بخش... سپس گونهات را بر زمین بگذار و بگو: "اللهم رب الحسين اشف صدر الحسين، اللهم رب الحسين أطلب بدم الحسين؛" <sup>(۱)</sup> خداوندا! ای پروردگار حسین، سینه حسین را شفا بده، خداوندا! ای پروردگار حسین برای حسین خون خواهی کن." <sup>(۲)</sup>

این فراز در دعاهای دیگر نیز آمده است. در دعایی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است می خوانیم: "اللهم رب الحسين، اشف صدر الحسين و اطلب بشاره." <sup>(۳)</sup>

در دعای دیگر آمده است: "اللهم رب الحسين اشف صدر الحسين، اطلب بدم الحسين انتقم للحسين." <sup>(۴)</sup>

شاید دعایی که امروزه مرسوم شده و می گویند: "یا رب الحسين بحق الحسين اشف صدر الحسين بظهور الحجة" از همین فرازها گرفته شده باشد.

## ۷. حقیقت انتظار در بارگاه امام حسین علیه السلام

در یکی از زیارت نامه های بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام زائرین چنین می گویند: "درود بر تو ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله زمان شما را درک نکردم تا

۱. کامل الزیارات، ص ۴۰۵.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۹۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۳۱.

۴. همان، ص ۲۵۴.

شما را با دستم نصرت کنم، اما اکنون با همهٔ وجودم، قلبم، گوش و چشمم، بدن و رأیم و همهٔ خواسته‌هایم تسلیم امر شمایم و در راه نصرت شما و جانشینان شما، یعنی راهنمایان به سوی خدا از فرزندان شما هستم. اکنون تمام نصرت و یاری من برای شما آماده است تا به هنگامی که خداوند اراده و حکم کند و او بهترین حاکم است.<sup>(۱)</sup>

این فراز، معنا و مفهوم انتظار و کیفیت آمادگی برای ظهور امام علیه السلام روشن می‌شود؛ جان و دل، عقل و سر، رأی و هوا، همه را در راه دوست مهیا داشتن و بر اراده و خواست آنان خود را هم سو کردن روح انتظار است که جملهٔ "والخلف الباقي من بعدك" به این معنا هم اشاره دارد.

#### چهار: همراه تشرفات

در تشرفات فراوانی، دلدادگی و پیوند امام عصر علیه السلام با امام حسین علیه السلام منعکس شده است. در برخی از کتاب‌ها ده‌ها نمونه ذکر شده است.<sup>(۲)</sup> که برخی از آنها را ذکر می‌نمائیم:

---

۱. السلام عليك يا ابن رسول الله ان لم اكن ادركت نصرتك يدي فها اناذا و افد اليك بنصرتي قد اجابك قلبي و سمعي و بصرى و بدنى و رايبى و هواى على التسليم لك و الخلف الباقي من بعدك الا دلاء على الله من ولدك، فنصرتي لكم معدة حتى يحكم الله بامرهم و هو خير الحاكمين؛ تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۵۸

۲. ر. ک. عنایات حضرت بقية الله، به آثار امام حسین علیه السلام که بیش از هشتاد حکایت در این رابطه نقل شده است.

## ۱. حضرت مهدی علیه السلام و گریه بر امام حسین علیه السلام

سید بحر العلوم علیه السلام روزی به قصد تشرّف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه درباره‌ی این مسأله که "گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان را می‌آمرزد" فکر می‌کرد. همان وقت متوجه شد که شخص عربی، سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد. بعد در لحظه‌ای پرسید: جناب سید! درباره‌ی چه چیز به فکر فرو رفته‌ای؟ و در چه اندیشه‌ای؟ اگر مسأله علمی است مطرح کنید، شاید من پاسخش را بدانم. سید بحر العلوم فرمود: در این باره فکر می‌کنم که چطور می‌شود، خدای تعالی این همه ثواب به زائران و گریه کنندگان بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می‌دارد، ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملش نوشته می‌شود و برای یک قطره اشکی تمام گناهان صغیره و کبیره‌اش آمرزیده می‌شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن! من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود. سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت. در شکارگاه از همراهانش دور افتاد و به سختی فوق العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه‌ای را دید و وارد آن جاشد. در آن سیاه چادر، پیرزنی را با پسرش دید. آنان در گوشه خیمه بز شیرده‌ای داشتند، و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود را می‌گذراندند.

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی برای پذیرای از مهمان، آن بز را سربریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و خود را به درباریان

رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد.

در نهایت از ایشان سؤال کرد: اگر بخواهم پاداش مهمان‌نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حاضران گفت: به او صد گوسفند بدهید. و دیگری که از وزیران بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان گفت: هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم، آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام؛ چون آنان هر چه را که داشتند به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم، به ایشان بدهم تا مقابله به مثل شود. بعد سوار عرب پرسید فرمود: حالا جناب بحر العلوم، حضرت سیدالشهدا علیه السلام، هر چه از مال و منال، اهل و عیال، پسر و برادر، دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد، پس اگر خداوند به زائران و گریه‌کنندگان، آن همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب کرد؛ چون خدا که خدائیش را نمی‌تواند به سیدالشهدا علیه السلام بدهد پس هر کاری که می‌تواند، انجام می‌دهد؛ یعنی، با صرف نظر از مقامات عالی خودش، به زائران و گریه‌کنندگان آن حضرت، در جاتی عنایت می‌کند. در عین حال اینها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی‌داند. چون شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر سید بحر العلوم غایب شد. <sup>(۱)</sup>

۱. دیدار یار، علی کرمی، ج ۲، ص ۲۰۰. هر چند مرحوم نهاوندی این گفت و گو را از تشرفات مرحوم بحر العلوم علیه السلام به محضر امام زمان علیه السلام دانسته است؛ ولی مرحوم دربندی (متوفای ۱۲۸۵ هـ ق) در اسرار الشهادات تصریح کرده که این گفت و گو بین مرحوم بحر العلوم و شاگرد زاهد و عارفش شیخ حسین نجف انجام گرفته است. (اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۴، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۰ هـ ق)

## ۲. حضرت مهدی علیه السلام و عزاداری امام حسین علیه السلام

یکی از ویژگی‌های بارز و از خصایص برجسته علامه بحر العلوم علیه السلام، ارادت و صف‌ناپذیر و شور و عشق خالصانه او به سالار شهیدان و ارج نهادن به سوگواری برای آن حضرت و بزرگداشت روزهای جاودانه تاسوعا و عاشورا بود. در این رابطه، علامه بحر العلوم، حضرت ولی عصر علیه السلام را نیز در صف عزاداران می‌بیند که قضیه از این قرار است:

روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو، به سوی کربلا در حرکت بود. علامه بحر العلوم علیه السلام نیز به همراه گروهی از طلاب، به استقبال عزاداران و سینه زنان حرکت کردند. در فاصله نه چندان دوری از کربلا، محلی به نام "طویرج" هست که دسته سینه زنی آنان و سبک سوگواریشان مشهور بود.

هنگامی که علامه و همراهانش به آنان رسیدند، ناگهان علامه با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی، لباس خویش را به کناری نهاده، و سینه خویش را گشود و در صف سینه زنان، با شوری و صف‌ناپذیر به سینه زدن پرداخت.

علما و طلاب که همراه او جهت استقبال سوگواران و دسته‌های عزاداری آمده بودند، هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند و از شور و احساسات گرم و عارفانه او بکاهند. نه تنها موفق نشدند؛ بلکه گروهی از آنان، چنان تحت تأثیر او قرار گرفتند که به او پیوستند و گروهی دیگر نیز برای حفظ او که مبادا بر اثر موج جمعیت زیر دست و پا بیفتد و دچار

ناراحتی و صدمه شود به مراقبت از او پرداختند.

سرانجام مراسم پرشور سوگواری و سینه زنی پایان یافت و آن سید بزرگوار، لباس خود را پوشیده، به خانه بازگشت. یکی از خواص، از او پرسید؛ چه رویدادی پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید که آن گونه سراز پا نشناخته، لباس از تن درآوردید و به سینه زنان پیوستید؟ آن مرحوم در پاسخ گفت: حقیقت آن است که با رسیدن به دسته سوگواران و سینه زنان، به ناگاه چشمم به محبوب دلها، کعبه مقصود و قبله موعود، امام عصر علیه السلام افتاد و دیدم آن گرامی مرد عصرها و نسلها، با سر و پای برهنه در میان انبوه سینه زنان، در سوگ پدر و الایش حسین علیه السلام با چشمانی اشک بار سر و سینه می زند. به همین جهت آن منظره مرا به حالی انداخت که قرارم از کف رفت و سراز پا نشناخته، وارد صف سوگواری و سینه زنان شدم و در برابر کعبه مقصود و قبله موعود، به سوگواری پرداختم. (۱)

### ۳. توجه دادن به آستان امام حسین علیه السلام

مردی به نام "سرور" بود که از کودکی گنگ بود و قدرت سخن گفتن نداشت. به مرز سیزده یا چهارده سالگی رسیده بود که پدرش دست او را گرفت و نزد سومین سفیر خاص، جناب حسین بن روح آورد و از او درخواست کرد که از حضرت مهدی علیه السلام تقاضا کند که خود آن گرامی،

۱. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۱۱.



شفای زبان او را از خدا بخواهد.

جناب حسین بن روح پس از اندکی به آنان گفت: "إنکم أمرتم بالخروج الی الحائر." یعنی: حضرت مهدی علیه السلام به شما دستور داده است که به مرقد مطهر امام حسین علیه السلام بروید. (۱)

آن جوان گنگ را پدرش به همراه عمویش به کربلا آوردند و پس از زیارت مرقد منور پیشوای شهیدان، پدر و عمویش او را به نام صدا کردند و گفتند: "سرور!" به ناگاه با زبانی فصیح و گشاده گفت: "لیک!" پدرش گفت: "پسرم! سخن گفتی؟" سرور گفت: "آری! پدر جان!" (۲)

#### ۴. حضرت مهدی علیه السلام و زیارت امام حسین علیه السلام

حاج علی بغدادی می گوید: (در تشریف خود) به حضرت صاحب الامر علیه السلام عرض کردم: ای مولای ما! مسأله‌ای دارم؟ فرمود: بپرس. گفتم: روضه خوان‌های امام حسین علیه السلام، می خوانند که سلیمان اعمش، نزد شخصی آمد و از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام پرسید آن شخص گفت: بدعت است. شب آن شخص در عالم رؤیا، هودجی را میان زمین و آسمان دید، سؤال کرد: در آن هودج کیست؟ گفتند: فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیها سلام. گفت: به کجا می روند؟ گفتند: امشب (شب جمعه)، برای زیارت امام

۱. با این که حضرت مهدی علیه السلام می توانست خودش دعا کند و بی درنگ شفا بخشد، اما دل‌ها را متوجه کربلا ساخت. در روایت صحیح آمده است که: «خداوند، سرزمین‌ها و مکان‌های مقدسی دارد که دوست می دارد در آنجا خوانده شود... و از جمله آن‌ها کنار قبر منور حسین علیه السلام است.»  
۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۸۸؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۳.

حسین علیه السلام می روند. همچنین دید رقعه‌هایی از هودج می‌ریزد و در آنها نوشته است: "امان من النار؛ لزوار الحسين في ليلة الجمعة امان من النار يوم القيامة؛ این برگ امانی است در روز قیامت برای زوار امام حسین علیه السلام در شب‌های جمعه". آیا این حدیث، صحیح است؟ فرمودند: آری! راست و درست است.

گفتم: سیدنا! صحیح است که می‌گویند: هر کس امام حسین علیه السلام را در شب جمعه زیارت کند، این زیارت برگ امان از آتش است؟ فرمود: آری والله؛ واشک از چشمانش جاری شد و گریست...<sup>(۱)</sup>

## ۵. حضور در مجالس حسینی

در این رابطه صدها حکایت موثق نقل شده است. یکی از این تشرفات، قضیه‌ای است که "آیت‌الله سید رضا صدر" بدون واسطه این‌گونه نقل می‌کند: "حضرت آیت‌الله آقای حاج سید حسین حائری" که سالیانی در کرمانشاه سکونت داشتند و منزل ایشان مرکز نزول زوار کربلا از شناخت و ناشناخت در رفت و برگشت بود، خود ایشان چنین حکایت کرد: در میان زوار ناشناس، سیدی به منزل من وارد شد که او را نمی‌شناختم. چند روزی میهمان ما بود، پی بردم که فرد عادی نیست و با جهان دیگر رابطه

---

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۱۱۴؛ النجم الثاقب، ص ۴۸۴؛ مفاتیح، ص ۷۹۸؛ عنایات حضرت مهدی موعود علیه السلام، ص ۷۷، عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۱۰۱، امام مهدی علیه السلام را بارها در حرم امام حسین علیه السلام ملاقات نموده‌اند. آیت‌الله نمازی شاهرودی بعد از تشریف می‌گوید: وقتی امام مهدی علیه السلام را زیارت کردم متوجه شدم ایشان را قبلاً بارها و اکثر اوقات در حرم امام حسین علیه السلام مشاهده کرده بودم. عنایات حضرت بقیة الله به آثار امام حسین علیه السلام، ص ۱۳۴.

دارد. روزهای واپسین ماه ذی‌الحجه بود که این سید بزرگوار در خانه من رحل اقامت انداخته بود و چون در دهه عاشورای ماه محرم روضه داشتیم، بدو گفتم: می‌توانی به من خبر دهی که آیا روضه ما مورد رضایت آقا امام زمان علیه السلام است یا نه؟ سید برای جواب مهلت خواست.

ماه ذی‌الحجه به پایان رسید و جواب سید نرسید. ماه محرم قدم گذارد و روضه ما آغاز شد. روز دوم محرم بود و ما بر سر نهار بودیم. سید، پاسخ داده و گفت: آری مورد رضایت است و خود آقا روز نهم یعنی روز تاسوعا به مجلس شما تشریف می‌آورند. آقای حائری قبول این سخن برایش دشوار بود. دانشمندان به چنین سخن‌هایی کمتر ایمان می‌آوردند. سید هم همان‌طور بود. برای اطمینان آقای حائری، از حوادث روز تاسوعا، یعنی روز تشریف‌فرمایی خبر داد و چنین گفت که واعظ شهیر کرمانشاه، یعنی اشرف، در آن روز جایی منبر نمی‌رود به جز در روضه شما، آن هم نه در وقت معین شده که خاتم مجلس باشد، بلکه او نخستین کسی است که روز تاسوعا در مجلس شما شرکت خواهد کرد.

در آن روز "اشرف شیرازی" نخستین کسی است که در منزل شما بر منبر خواهد نشست و منبری مختصر خواهد داشت و سپس به زیر می‌آید و یکسر به خانه می‌رود و در هیچ مجلسی شرکت نمی‌کند. منبرش را بدون خطبه‌ای یا آیه‌ای از قرآن یا شعری آغاز می‌کند و بدون مقدمه داخل سخن می‌شود.

دیگر آن‌که، رسم اهل منبر است که روز تاسوعا از فضائل و مناقب حضرت عباس و شهادت آن حضرت سخن گویند. در آن روز، هیچ کدام از

۶۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

آقایان اهل منبر از حضرت عباس نام نمی‌برند و همگان از امام زمان می‌گویند و سخنانشان درباره آن حضرت است. پس از شنیدن این خبرها، آقای حائری روز شماری می‌کند که کی روز تاسوعا می‌رسد و چرا دیر می‌رسد. و این از دو نظر بود: عشق به شرفیابی و برخورداری از این سعادت؛ پی بردن به صحیح بودن خبرهای سید، در روز تاسوعا.

روز تاسوعا رسید و آقای حائری زودتر از روزهای دیگر در مجلس شرکت می‌کند. هنوز چند تنی بیشتر در مجلس حضور نیافته بودند که اشرف می‌آید.

آقای حائری به او می‌گوید: آقای اشرف! برای چه آمده‌اید؟ چون وقت منبر او نبود، وقت منبرش چند ساعت دیگر بود. اشرف پاسخ داده گفت: آقا فردا عاشورا است و من بایستی وظیفه‌ام را در آن روز انجام دهم. سینه‌ام خسته شده و بایستی سی مجلس را اداره کنم. با خود فکر کردم که امروز استراحت کرده به هیچ مجلسی نروم تا خستگی برطرف شود و برای فردا آماده باشم. این جانیز برای منبر نیامده‌ام، بلکه برای کسب برکت آمده‌ام که توسلی بجویم و سپس به خانه بروم و تا شب استراحت کنم. طولی نکشید که اشرف برخاست و به سوی منبر رفت، در حالی که بیش از چند تن بیشتر در مجلس حضور نیافته بودند.

وقتی که بر منبر نشست، سکوتی کرد که ممتد بود. آن‌گاه حالتی به وی دست داد و بدون خطبه و قرائتی از آیه‌ای از قرآن و یا خواندن شعری، سخنش را چنین آغاز کرد: ای گمشده در بیابان‌ها کجایی؟! سپس به مناجات حضرت مهدی پرداخت و نالیدن گرفت. پس از چند دقیقه‌ای

کوتاه از منبر به زیر آمد. و گفت: می‌روم استراحت کنم. پس از او منبری دوم از اشرف پیروی کرده و از امام زمان سخن گفت. سومی نیز از آن حضرت دم زد. چهارمی هم، پنجمی نیز.

تا پایان مجلس همه‌ی آقایان گویندگان از آن حضرت سخن گفتند و نامی از حضرت عباس نبردند. آقای حائری چنین گفت: من سراپا منتظر تشریف‌فرمایی حضرت بودم می‌خواستم بدانم تشریف آورده‌اند یا پس از این خواهند آمد. هنگامی که مجلس پر شد، فکر کردم بایستی با سید تماس بگیرم؛ چون آمدن حضرت تأخیر شده بود. همان‌طور که دم در ایستاده بودم و از آیندگان و روندگان پذیرایی می‌کردم، چشم انداختم تا ببینم سید در کجا نشسته است. دیدم در انتهای مجلس در کنار دیواری نشسته. تصمیم گرفتم که به سوی او بروم و وضعیت را بپرسم. به او که رسیدم، دیدم زانوهای را در بغل گرفته و سرش در میان زانوهایش قرار دارد و مانند مرده‌ای بی‌جان به دیوار تکیه زده است.

صدایش زدم و گفتم: آقا.

سید سر بلند کرده مرا دید و گفت: بله آقا چه می‌فرمایید؟

پرسیدم: تشریف آورده‌اند یا نه؟

گفت: هم‌اکنون در مجلس تشریف دارند، و خدمتشان کسانی هستند که مجموع آنها هفت نفر می‌شود و جلو منبر دایره‌وار نشسته‌اند و لباس کمرچین کردی بر تن دارند.

من برگشتم و دم در به جای خود ایستادم و جلوی منبر را در نظر گرفتم، حلقه مقدس هفت نفری را دیدم. سپس قدم برداشتم و به سوی آنها رفتم.

هنگامی که خدمتشان رسیدم، قدرت نداشتم که چهره‌ها را از یکدیگر تمیز دهم. سلام کردم و جواب شنیدم.

سپس عرض کردم: خیلی مشرف فرمودید.

یکی از آنها فرمود: شما بروید دم در، پذیرایی کنید.

امر را اطاعت کردم و دیگر سخنی نگفتم و بزودی به جای خود برگشتم.

بایک نظر از آیندگان و روندگان پذیرایی می‌کردم و با نظر دیگر به

جلوی منبر به هفت تن مقدس نگاه می‌کردم. ناگاه دیدم دیگر نیستند و

غیب شدند.

مجلس که پایان یافت و باسید خصوصی شدیم، پرسیدم که چه شد و از

این جا کجا رفتند؟

سید گفت: در کرمانشاه در یک مجلس دیگر شرکت کردند و آن اتاق

زنی بود که در کاروانسرای قرار داشت و آن زن، روضه داشت که دو سه تن

در آن حضور می‌یافتند. هفت تن مقدس چند دقیقه در آن مجلس شرکت

کردند و سپس از کرمانشاه رفتند.

از این نقل، چند نکته استفاده می‌شود:

۱. امام، علم به جزئیات دارد و حضرتش زنده است و حیات دارد.

روضه خوانی‌ها را می‌دانسته و اینها را می‌شناخته؛

۲. روضه خوانی مورد رضایتش بوده و در مجالس روضه شرکت

می‌کند؛

۳. روزهای نجومی نزد حضرتش حاضرند و بدان‌ها رفتار می‌کند؛

۴. نیکمردانی شرف یاب حضورش می‌شوند؛

۵. حضرتش در زندگی شخصی، برای آینده برنامه دارد؛
۶. در بسیاری از روضه خوانی‌ها شرکت نمی‌کند؛
۷. ناشناس، حرکت می‌کند؛
۸. حضرتش طی الارض دارد و کسانی که در خدمتش هستند از این فضیلت برخوردارند؛
۹. از نظرها نهان است و گهگاه دیده می‌شود؛
۱۰. همه زبان‌ها را می‌داند و با هر کی به زبان خودش، سخن می‌گوید؛
۱۱. عمری طولانی و دراز دارد و این خود معجزه‌ای است.<sup>(۱)</sup>

## ۶. عنایت حضرت مهدی علیه السلام به مجالس ذکر امام حسین علیه السلام

از آن جایی که امام زمان علیه السلام صاحب عزای واقعی است، بدون تردید به مجالسی که مخلصانه برای جد بزرگوارش علیه السلام برگزار می‌شود، عنایت و توجه ویژه‌ای دارد.

علامه امینی رحمته الله علیه در الغدیر<sup>(۲)</sup> می‌گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقية الله روحی له الفداه به آن مجلس می‌شود.

خطیب بزرگ شیعه، مرحوم شیخ عبدالزهراء کعبی رحمته الله علیه می‌گوید: یک روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم، شخصی در مقابل یکی از حجره‌های صحن شریف که کتاب‌های مذهبی می‌فروخت و با من

۱. راه مهدی، ص ۲۶۷.

۲. الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

سابقه آشنایی داشت. مرا دید و گفت: کتاب کوچکی دارم که به نظرم برای شما خوب باشد و در آن اشعاری بسیار زیبا دارد. قیمت آن هم این است که یک بار آن را برایم بخوانی.

کتاب را گرفتم. خیلی کتاب مفید و سودمندی بود؛ زیرا اشعار قصیده ابن عَرَنَدَس حلی که مدت‌ها دنبال آن می‌گشتم در آن بود. در یکی از رواق‌ها نشسته، به خواندن آن اشعار برای کتاب فروش مشغول شدم و هر دو اشک می‌ریختم که ناگهان سیدی از بزرگان عرب را دیدم که در برابرم ایستاده به اشعارم گوش می‌دهد و گریه می‌کند.

چون به این ابیات رسیدم:

أَيُّ قَتْلٍ ظَمْنَا نَا حُسَيْنٌ بِكَرْبَلَا

وَ فِي كُلِّ عُضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَحْرٌ

وَ وَالِدُهُ السَّاقِي عَلَى الْحَوْضِ فِي غَدٍ

وَ فَاطِمَةُ مَاءِ الْفُرَاتِ لَهَا مَهْرٌ

فَوَالْهَفَّ نَفْسِي لِلْحُسَيْنِ وَ مَا جَنِي

عَلَيْهِ غَدَاةَ الطَّفِّ فِي حَرَبِهِ الشُّمْرُ

- آیا حسین علیه السلام باید در کربلا تشنه به شهادت برسد، با آن که در هر

انگشت او دریای یافت می‌شود؟

- و با آن که پدرش علی علیه السلام در روز رستاخیز، مردم را از حوض کوثر

سیراب می‌کند و آب فرات مهریه مادرش فاطمه علیه السلام است؟

- جانان! دریغا! بر حسین علیه السلام و جنایت‌هایی که شمر در کربلا نسبت به

حضرتش روا داشت.



گریه آن بزرگوار شدید شد، رو به ضریح امام حسین علیه السلام کرد؛ و بیت (ایقتل ظمّاناً...) را تکرار می نمود و همچون زن جوان مرده می گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. برای دیدن ایشان، از صحن خارج شدم تا شاید او را بیابم؛ ولی ایشان را ندیدم. به هر کجا رو نمودم، اثری نیافتم؛ گویا از برابر چشم غایب شده است. به یقین دانستم که حضرت حجت و امام منتظر علیه السلام بوده است. (۱)

### ۷. سفارش حضرت مهدی علیه السلام به زیارت عاشورا

محدث نوری رحمته الله حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و بعد از آن می فرماید: شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله نافله، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه! (۲)

### ۸. زیارت عاشورا هدیه به حضرت نرجس علیه السلام

این قضیه توسط مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی علیه السلام نقل شده است:

اوقاتی که در سامرا مشغول تحصیل علوم دینی بودم، اهالی سامرا به

---

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ملاقات با امام عصر، ص ۳۱۵؛ عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، ص ۳۹۷؛ کلمة المختار، ج ۱، ص ۴۴۰.  
۲. نجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

بیماری وبا و طاعون مبتلا شدند و هر روز عده‌ای می‌مردند!

روزی در منزل استاد مرحوم سید محمد فشارکی اعلی الله مقامه بودم و جمعی از اهل علم نیز در آنجا بودند، ناگاه مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی تشریف آوردند و صحبت از بیماری وبا شد و این که همه مردم در معرض خطر مرگ هستند.

مرحوم میرزا فرمود: اگر من حکمی بدهم، آیا لازم است انجام شود یا نه؟ همه اهل مجلس تصدیق نمودند و گفتند: بلی.

سپس فرمود: من حکم می‌کنم که شیعیان ساکن سامرا از امروز تا ده روز همگی مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثواب آن را به روح شریف حضرت نرجس خانم والده ماجده حضرت حجة بن الحسن علیه السلام هدیه نمایند، تا این بلا از آنها دور شود! اهل مجلس این حکم را به تمام شیعیان رساندند و همه شیعیان مشغول خواندن زیارت عاشورا شدند. از فردا تلف شدن شیعیان موقوف شد و همه روزه عده‌ای از غیر شیعیان می‌مردند. به طوری که بر همه اشکار گردیده بود. برخی از سنی‌ها از آشناهای شیعه پرسیدند: سبب این که دیگر، کسی از شما تلف نمی‌شود، چیست؟

شیعیان به آنها گفته بودند: زیارت عاشورا! آنها هم مشغول شدند و بلا از آنها هم برطرف گردید.

شخصی می‌گفت: زمانی گرفتاری سختی برایم پیش آمد فرمایش آن مرحوم به یادم آمد. پس از اول محرم سرگرم خواندن زیارت عاشورا شدم.

روز هشتم به طور خارق العاده برایم فرج حاصل شد.<sup>(۱)</sup>

دوستی نیز برایم می گفت: یکی از نذرهایی که تجربه کرده ام و بسیار خوب نتیجه داده این است که: هر موقع مسئله ای داشته باشم یک ختم قرآن برای حضرت نرگس خاتون علیها السلام نذر کرده و مشغول قرائت می شوم و هنوز ختم قرآن تمام نشده، مشکلم حل می شود.

منظورم از این مطالب این است که شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام از مادر امام مهدی علیه السلام غافل نباشند. که او از فرزندش می خواهد گره از مشکلات را باز فرماید. امام زمان علیه السلام هم عنایت فراوانی به افرادی دارد که برای مادرش قدمی بردارند. آیت الله ناصری می گوید: شخصی به نام حاج محمد برای رسیدن به مقصودی تصمیم می گیرد، عمره مفرده ای برای حضرت نرجس علیها السلام انجام دهد، تا ایشان از فرزندش بخواهند که او را به مقصودش برساند.

لذا یک عمره مفرده با سختی و خستگی فراوان انجام می دهد و همان موقع حضرت را در مسجد الحرام زیارت می کند و در حالی که حضرت تبسم می نمودند به اطرافیانش می فرماید: ایشان برای مادر من عمره انجام داده اند و به زحمت هم افتاده اند.<sup>(۲)</sup>

۱. آثار و برکات حضرت امام حسین علیه السلام، ص ۵۶۲: عنایات حضرت بقیه الله علیها السلام، به آثار امام حسین علیه السلام، ص ۴۴.

۲. آب حیات، ص ۶۲.

### خاتمه: رجعت امام حسین علیه السلام

در حکومت حضرت حجت علیه السلام اولین شخصی که رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام است و بعد از امام زمان، حضرت سیدالشهدا علیه السلام حاکم و امام حکومت می‌باشد. در این قسمت به پاره‌ای از روایات در این باره، اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: "اولین کسی که زمین بر رویش شکافته می‌شود و به دنیا برمی‌گردد، حسین بن علی است." (۱)

آن حضرت هم چنین فرمود: اولین کسانی که به دنیا برمی‌گردند، حسین بن علی علیه السلام یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند که همه آنها را از اول تا آخر می‌کشد. سپس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ (۲) پس شما را بار دیگر بر آنها مسلط کنیم و با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزون‌تر کنیم (۳).

و امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: امام حسین علیه السلام شب عاشورا به اصحابش فرمود: "... فَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ، قَوْلَ اللَّهِ إِنَّمَا نَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ مَا يَجْرِي عَلَيْنَا، ثُمَّ يُخْرِجُنَا اللَّهُ وَآيَاكُمْ حِينَ يَظْهَرُ قَائِمُنَا فَيَسْتَقِمُّ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَأَنَا وَ

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۳۶۰.

۲. سوره اسراء، آیه ۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

أَنْتُمْ نُشَاهِدُهُمْ فِي السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ النَّكَالِ...؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...<sup>(۱)</sup> و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، دوباره از "رجعت" خود سخن گفته، می‌فرماید: "من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم."<sup>(۲)</sup>

بر اساس روایاتی که درباره رجعت وارد شده، امام حسین علیه السلام در اواخر حکومت ولی عصر، با اصحاب با وفایش رجعت می‌کند و برای همه مردمان معرفی می‌شود، تا کسی در مورد آن حضرت دچار تردید نگردد. هنگامی که همه مردم او را شناختند، اجل حضرت بقیة الله فرا رسیده، چشم از جهان فرو می‌بندد.

آن‌گاه امام حسین علیه السلام متصدی و متولی امر غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می‌گردد.

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»<sup>(۳)</sup> می‌فرماید: "مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد تن از

۱. گزیده کفایة المهدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۰ و ۵۳، ص ۶۲؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶؛

«فاكون اول من ينشق الارض عنه فاخرج خرجه يوافق ذلك خرجه امير المؤمنين و قيام قائمنا».

۳. سوره اسراء، آیه ۶.

۷۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهایی طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند. این در حالی است که حضرت حجت در میان مردم است؛ چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ او فرا می‌رسد. پس امام حسین علیه السلام متولی غسل، کفن، حنوط و دفن ایشان می‌شود و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و خاک سپاری نمی‌کند.<sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "حسین علیه السلام با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان که همراه موسی علیه السلام هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‌گاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد."<sup>(۲)</sup>

# یا اباالفضل

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۰۶؛ تأویل الآیات الظاهرة، ج ۱، ص ۲۷۸ و ج ۲، ص ۷۶۲؛ مختصر البصائر، ص ۴۸؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۱، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳ و ص ۵۱ ص ۵۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸؛ المحجة، ص ۱۲۱، الايقاظ من الهجعه، ص ۳۰۹.  
۲. الايقاظ من الهجعه، ص ۳۶۸.

## فصل دوم: رهیافت‌ها

### تکلیف ما

با توجه به شباهت‌ها و پیوندهایی که میان حضرت سیدالشهداء علیه السلام و حضرت بقیه الله علیه السلام وجود دارد، و عاشورا پشته‌وانه فرهنگی عصر غیبت و استراتژی انتظار است تکلیف بسیار حساس و خطیری متوجه تمامی شیعیان خصوصاً ارادتمندان، عزاداران، عاشقان و زائران امام حسین علیه السلام است که به دو بعد آن اشاراتی می‌شود:

### ۱. فرصت‌ها و تهدیدها

از پیوند ظهر عاشورا با ظهور آخرین حجت حق بهترین فرصت حاصل می‌شود تا اندیشید و فرهنگ غنی شیعه را علاوه بر تبیین و پالایش به فکر

الگوسازی در این دو راه بود. با توجه به مشابهت یاران هر دو قیام (نقش جوانان و زنان در هر دو دوره) و اشتراک اهداف هر دو نهضت بهترین عرصه برای حضور و ظهور معصوم فراهم می‌آید.

تدبیر و مدیریت در بحران‌ها برای حفظ و جلوگیری از ریزش‌ها تکلیف اصلی برای زمینه‌سازی می‌باشد. امروزه با توجه به مدیریت تحول می‌توان از نهضت امام حسین علیه السلام برای بسط و تعمیق اندیشه انسان مدرن عصر غیبت، بهره جست و تلاش کرد و نگذاشت تکرار تاریخ، خاطره‌های تلخ و سیاه را استمرار بخشد.

اگر وضعیت اجتماعی و سیاسی سال شصت و یک هجری منجر به شهادت غریبانه‌ی خامس آل عبا علیهم السلام شد. همان مسئله در مورد حضرت مهدی علیه السلام موجب طولانی شدن دوران غیبت می‌گردد.

در عاشورای سال شصت و یک هجری، مردم حاضر به همکاری با امام زمانشان نشدند. انسان‌ها به ظاهر دین‌دار بودند، نماز می‌خواندند، قرآن تلاوت می‌کردند، روزه می‌گرفتند، به حج می‌شتافتند. اما این عبادت‌ها خالی از روح ولایت بود. <sup>(۱)</sup> لذا وقتی امام زمانشان در هشتم ذی‌حجه مکه را به سمت کوفه ترک می‌کند، آنها به سوی منی و عرفات می‌روند و...

این مسئله تهدید بسیار جدی برای این عصر است. نباید از وجود امام عصر علیه السلام غافل بود و سرگرم دنیا و حتی غرق در عبادت بدون ولایت بود. اگر انسان‌های زمان امام حسین علیه السلام در برابر وجدان تاریخ و در محکمه

۱. ر.ک: فصلنامه انتظار، ش ۵ مقاله نگارنده با عنوان «مهدی علیه السلام روح حج»



عدل خداوند متعال محکوم و مجرم می‌باشند، کسانی که به استنصار امام زمان علیه السلام هم لبیک نمی‌گویند، مقصر و مجرم‌اند و تا کنون چند بار به امام مهدی علیه السلام لبیک گفته‌ایم؟ آیا تا کنون صدای رسای او را با گوش جان شنیده‌ایم؟ آیا ضرورت پرداختن به فرهنگ مهدویت برای ما روشن است؟ آیا با خواسته‌های او آشنا هستیم؟ آیا می‌دانیم امر او بر زمین مانده و ما مشغول دنیای خویش هستیم؟

مگر نه این است براساس آیه شریفه «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»<sup>(۱)</sup> همه در برابر امام زمان مسئولیم و براساس این فراز از زیارت جامعه "و اياب الخلق اليكم و حسابهم عليكم" روزی فرا می‌رسد که باید پاسخگوی به امام زمانمان باشیم. از کربلا آموخته‌ایم که همه‌ی افراد حتی شهزاده علی اکبر و امام زاده‌ای چون ابوالفضل علیه السلام و همه چیزها باید فدای امام زمان علیه السلام شود. همه خواسته‌ها در برابر خواست حجت خدارنگ می‌بازد.

و چه کسی نمی‌داند مهم‌ترین خواسته امام زمان زمینه‌سازی برای ظهور اوست؟

## ۲. بیم‌ها و امیدها

با توجه به گذشت قرن‌ها از زمان غیبت و سپری شدن دوازده قرن غربت، ابتدا بیم آن می‌رود که مانیز مانند انسان‌های گذشته امامان را تنها

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱. امام رضا علیه السلام درباره این آیه فرموده‌اند: «هر گروهی با امام زمانش در فردای قیامت محشور می‌شود». بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۰؛ در روایات دیگری امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه می‌فرماید: «امامهم الذی بین اظهرهم و هو قائم اهل زمانه»؛ کافی، ج ۱، ص ۵۳۶؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۳۲.

گذاشته‌ایم. اما با توجه به وضعیت اجتماعی و سیاسی این دوران باید گفت: بسیار امیدواریم ما از جمله یاران مشرقی او باشیم که زمینه را برای ظهورش مهیا کرده‌ایم.

گفتنی است بیم و امیدی هم نسبت به مجالس عزارداری سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد در برخی از مجالس حسینی، هیچ سخنی از فرزندش امام مهدی علیه السلام بیان نمی‌شود. و در برخی از مجالس، مطالب سست و واهی که مخالف با رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام است بیان می‌شود. و بعضی از مجالس هم دعا برای امام عصر علیه السلام را به انتهای مجلس و آخرین خواسته خود موکول می‌کنند!!!

در حالی که باید از تمام آسیب‌ها و آفت‌ها از مجالس اهل بیت علیهم السلام پرهیز داشت. عاشقان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت بدانند: دعا کردن برای ظهور امام مهدی علیه السلام از وظایف مهم همگان است و مانند نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از دیگران ساقط شود، بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است که بر همگان لازم است.<sup>(۱)</sup>

هم‌چنین حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از بزرگان قم فرمودند: "... مهدی ما در عصر خویش مظلوم است، تا می‌توانید درباره او سخن بگویید و قلم‌فرسایی کنید، آنچه درباره شخصیت او بگویید درباره همه معصومان علیهم السلام گفته‌اید.

چون حضرات معصومین همه در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند

و چون عصر، عصر مهدی ماست سزاوار است مطالب درباره او گفته شود... باز تأکید می‌کنم که درباره‌ی مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید. بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره‌اش نوشت و گفت.

بنابراین عاشورا باید شور انتظار و شوق ظهور را مضاعف کند و عزاداران حسینی بایک چشم بر مصائب ابی‌عبدالله علیه السلام گریه و با چشم دیگر افق‌های ظهور را رصد کنند. با چشمان اشک‌بار و با لبان مترنم به ظهور، بیریق عزای حسین علیه السلام و پرچم سبز انتظار را به دوش گرفته و بایک دست در رثای حسین علیه السلام بر سر و سینه و با دست دیگر به سوی آسمان برای ظهور دعا کنند. (۱)

کی شود مهدی بیاید یا حسین	کربلا را او گشاید یا حسین
کی شود آوای تو از نای او	در کنار کعبه آید یا حسین
می‌شود با یا لثارات الحسین	نهضتی برپا نماید یا حسین
کی شود گیرد ز دشمن انتقام	شعر پیروزی سراید یا حسین
کی شود آن روضه خوان خون جگر	سوز این دل را فزاید یا حسین (۲)

۱. عاشورا مکتب انتظار، ص ۱۴.

۲. فراق مهدی (عج)، رثای حسین علیه السلام، ص ۲۶۲.

## بخش دوم: حضرت ابوالفضل علیه السلام و امام مهدی علیه السلام

سپیده سخن:

عشاق چون بدرگه معشوق رو کنند  
از آب دیدگان، تن خود شستشو کنند  
قربان عاشقی، که شهیدان کوی عشق  
در روز حشر، رتبه او آرزو کنند  
عباس نامدار، که شاهان روزگار  
از خاک کوی او، طلب آبرو کنند  
میر آب بود و لب تشنه جان سپرد  
می خواست آب کوثرش اندر گلو کنند

بی دست ماندوداد خدا، دست خود به او  
آنان که منکرند، بگو روبه رو کنند  
گردست او نه دست خدایی است، پس چرا؟  
از شاه تاگدا، همه روی سوی او کنند  
درگاه او چو قبله ارباب حاجت است  
باب الحوائجش، همه جاگفتگو کنند<sup>(۱)</sup>  
وقتی «شجاعت»، «رشادت»، «مشک»، «دست بریده»، «وفا»، «صفا»  
و... را می شنوید نام چه دلاوری به ذهن شما می آید؟

قمر بنی هاشم علیه السلام نام و نشانی است که همه آن را بارها به زبان آورده اند  
و کسی نیست که «حضرت عباس» را شخصیتی ناآشنا در تاریخ پندارد. اما  
حقیقت، مطلبی دیگر است متأسفانه تمام زوایای زندگانی ایشان خوب  
شکافته نشده و تألیفات زیادی در این باره نداریم. و اگر بارگاه ملکوتی  
ایشان نیز مجزا نبود، مطالب کم تری نیز نصیبمان می شد زیرا «احتمالاً یکی  
از علل جدایی بارگای حسین علیه السلام و عباس علیه السلام از همدیگر این است که خداوند  
اراده نموده که بارگاه او نیز جداگانه محط رحمت الهی و مظهر کرامات  
غیبی و منار انوار حقیقی و مجلای تجلیات عوالم قدسی گردد و اگر از سایر  
شهدا جدایش نمی کرد، مردم عاشق و شیفته دل، عظمت و قداست مقام او و  
تقریبش را به معشوق بی همتا آن گونه که باید و شاید نمی شناختند.»<sup>(۲)</sup>

۱. برخی از ابیات جوهری، ذاکر، آینه ایثار، ص ۵۰۰

۲. قهرمان علقمه، دکتر احمد بهشتی، انتشارات اطلاعات، ص ۲۰۷ و قریب به همین تعبیر و  
مضامین و محتوا را در کتاب زندگانی قمر بنی هاشم، ص ۲۰۴، سردار کربلا، ص ۲۹۲، سقای کربلا،  
ص ۱۳۶ و ۱۳۷ ملاحظه فرمایید.

در حقیقت معرفت به این خاندان، رمز حیات و هویت انسان هاست. زیرا شناخت اولیاء دین، گوهر گران بهایی است که دارنده آن سعادت مند دنیا و آخرت است و شناختن امام زمان در هر عصری ره آوردی جز شقاوت ندارد؛ زیرا «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ؛ هر کس امام زمانش را شناخت [علاوه بر زندگی جاهلی] به مرگ جاهلیت می میرد»<sup>(۱)</sup>.

و هنگامی که هنگامه قیامت فرارسد و هر کس را به سوی امام زمانش فراخوانند «وَ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»<sup>(۲)</sup> بی معرفتان کوی ائمه علیهم السلام، همان طوری که در دنیا گرفتار «امام نار» بوده، آشفته و مضطرب اسیر «امام نار» می شوند.

در این راستا علاوه بر معرفت چهارده نور پاک - که صاحب عصمت و ولایت هستند - شناخت و علم و آگاهی به مقام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نیز لازم و ضروری است.

ششمین پیشوای حق حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در زیارت دلاور علقمه علیه السلام می فرماید:

«لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ»<sup>(۳)</sup>؛ خدا لعنت کند، کسی را که حق تو را نشناسد و مقام تو را سبک بشمارد.

۱. علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶ - ۹۳ بابتی را با همین عنوان قرار داده و چهل حدیث را به همین مضمون از فریقین نقل کرده است.

۲. اسراء - ۷۱.

۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۸۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

چرا کسی که جاهل به حق شهید علقمه علیه السلام باشد، ملعون ایزدی است؟  
چرا شخصی که امام زمانش را نشناسد، زندگی و مرگ جاهلی دارد؟ چرا  
معرفت این خاندان علیهم السلام لازم و ضروری است؟

زیرا شناختن این بزرگواران سبب می شود که انسان از مسیر هدایت  
منحرف شود. و انحراف در دین موجب شقاوت و نگون بختی می شود. لذا  
توصیه به خواندن دعای معرفت فرموده اند، و یکی از وظایف انسانها در  
عصر غیبت ترنم این دعا است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ وَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>(۱)</sup>؛  
پروردگارا! حجت خودت را به من بشناس، چرا که اگر او را نشناسم گمراه  
می شوم

همان طوری که با شناختن امام زمانشان؛ و کشتن امام حسین علیه السلام،  
مردم کوفه دچار خذلان و بدبختی دنیا و آخرت شدند، و تکبیر و تهلیل را  
سر بریدند،<sup>(۲)</sup> همان طور هم با شناختن مقام شامخ طلایه دار سپاه امام  
حسین علیه السلام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام به قعر گودال نگون بختی، نگون  
سار شده و اسلام را سر بریدند. لذا در زیارت حضرت عباس علیه السلام عرضه  
می داریم:

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، باب فی الغیة.

۲. امام زمان در زیارت ناحیه مقدسه می فرماید: «لقد قتلوا بقتلک الاسلام، و عطّلوا الصلاة  
والصیام... و فقد بفقدک التکبیر و التهلیل و التحلیل و التنزیل و التأویل...؛ با کشتنت، اسلام را  
کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاردند... با رفتن تو، تکبیر و تهلیل و تحریم و تحلیل و  
تنزیل و تأویل از میان رفت...». بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۰.

«لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمُحَارِمَ وَانْتَهَكَتْ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ»<sup>(۱)</sup>

خدا لعنت کند مردمی را که حرامهای الهی را در حق تو حلال شمردند و با کشتن تو، حرمت و هیبت دین اسلام را پایمال کردند.

با توجه به اینکه این جمله، درباره هیچ یک از یاران امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا بیان نشده است، روشن می شود که معرفت به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام تا چه حد و اندازه از اهمیت برخوردار است و شناختن مقام و حقش، موجب دور شدن از رحمت الهی است.

لذا این نوشتار، سعی دارد، شما را برای شناخت حضرت ابوالفضل علیه السلام و الگو قرار دادن او را در انجام وظایف نسبت به امام زمان علیه السلام یاری کند.

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام و در زیارت ایشان در روز عرفه نیز عرضه می داریم:  
«لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمُحَارِمَ وَانْتَهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ».



## فصل اول: شباهت‌ها

### ۱. شباهت ظاهری

#### ذخیره و گنجینه

هنگامی که سقیفه مدار خلافت و هدایت را تغییر داد، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام برای هدایت انسانها، دست به نیرو سازی و ذخیره اندوزی نمود، تا روزی که فتنه سقیفه نمایان می شود، با کمک یارانش چشم فتنه را کور و فرزند دلاورش کمر فتنه را بشکند.

بعد از شهادت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام به صورت ظاهر از میدان سیاست دور و در مزارع مشغول کار بود، اما در حقیقت این کارها، سرپوشی برای فعالیت‌های پنهانی امام علی علیه السلام بود، تا

حکومت غاصبانه، بویی از اقدامات زیر بنایی او علیه السلام نبرد، و مادر همین دوران شاهد تربیت یارانی چون مالک اشتر نخعی رضی الله عنه هستیم که در روز رویارویی حق و باطل، بازوان پرتوان حق و عدالت است.

بعد از شهادت حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها، امیر مؤمنان حضرت علی رضی الله عنه به برادرش عقیل فرمود:

برای من بانویی اختیار کن، تا از او فرزندان شجاع و دلیری نصیبم شوند.

عقیل نیز از بلندای علم انساب، انگشت اشاره بر ام البنین رضی الله عنها نهاد، و حضرت علی رضی الله عنه با او ازدواج نمود. <sup>(۱)</sup> تا در روز رویارویی عظیم حق و باطل، فرزندانش یار و یاور هم باشند، و مسیر هدایت را تا ابد زنده و روشن بدارند.

در حقیقت امام علی رضی الله عنه، فرزند دلبندهش را ذخیره برای واقعه کربلا گذاشت و نام بلندش را «عباس» نهاد. صاحب معالم السبطین می نویسد:

امیر مؤمنان علی رضی الله عنه، او را از این رو عباس نامید که به شجاعت، شکوه، صولت و خشم او در پیکار با دشمنان آگاهی داشت. <sup>(۲)</sup> و با به آغوش گرفتن و بوسیدن بازوان این کودک، رضایت مندی خود را نسبت به ذخیره و گنجینه پر بهاء و ارزشمند خود، اعلام می فرمود. وقتی

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۸۹، تاریخ ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۵۸، فرسان الهیجاء، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. «وَسَمَّاهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا بِالْعَبَّاسِ لِعِلْمِهِ بِشَجَاعَتِهِ وَ سَطَوْتِهِ وَ صَوْلَتِهِ وَ عُبُوسَتِهِ فِي قِتَالِ الْأَعْدَاءِ؛ معالم السبطین، ج ۱، ص ۴۳۷.

که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، فرزندش، عباس را در آغوش می‌گرفت و با گریه، دستان عباس را می‌بوسید، ام‌البنین علیها السلام مضطربانه، حکمتش را جویا شد. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام پرده از این رمز و راز برداشت و او را از مشیت الهی باخبر ساخت، که دستان این فرزند، در راه یاری حسین علیه السلام قطع خواهد شد و در عوض در بهشت، دو بال به او عنایت خواهد شد. (۱)

صاحب معالم السبطین در این خصوص می‌نویسد:

پدرش او را ذخیره کرده بود، تا برادرش حسین علیه السلام را با جان و دل یاری کند. (۲)

علاوه بر عاشورا، غیبت نیز در علم الهی مقدر بود، اگر یادگار علی مرتضی علیه السلام [حضرت عباس] ذخیره برای واقعه طف بود، دیگر فرزند و یادگار مرتضی علیه السلام؛ امام زمان علیه السلام (۳) هم گنجینه و ذخیره الهی برای یاری رساندن دین و عزت مؤمنین است. لذا در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام این چنین اعتراف می‌کنیم:

خداوند، شما را برای یاری دین و عزیز کردن مؤمنین و انتقام از منکرین و دشمنان سرکش ذخیره کرده است. (۴)

و به هنگام عرض ادب، محضر مولی و امام زمان علیه السلام عرضه می‌داریم:

۱. خصائص العباسیه، ص ۱۱۹ العباس، سید عبد الرزاق مقرّم، ص ۷۵ و ترجمه آن سردار کربلا، ص ۱۶۴، سقای کربلا، ص ۹۲، پرچمدار نینوا، ص ۲۷.

۲. قد الذخیره ابوه لئنصره ولده الحسین علیه السلام بنفسه و یواسیه؛ معالم السبطین، ج ۱، ص ۴۳۸.

۳. در دو بیست و چهارده روایت آمده است که امام مهدی علیه السلام دهمین فرزند حضرت علی علیه السلام است. رک: منتخب الاثر، ص ۲۴۷، او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

۴. ذخرک الله لئنصره الدین واعزاز المؤمنین والانتقام من الجاحدين والمارقین؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۶۹ زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

سلام بر ذخیره الهی برای گرامی داشتن اولیاء خدا و نابودی دشمنان او. (۱)

و عاشقان حضرتش در پگاه هر جمعه، در فراق این ذخیره الهی ندبه سر داده و عرضه می‌دارند:

«أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ»؛ (۲)

ذخیره خدا برای تجدید فرایض و سنتها کجاست؟

### جمال و زیبایی

یکی از القاب درخشان، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام «قمر بنی هاشم» است. این لقب را به جهت زیبایی رخسار و چهره دل‌آرا و دلربا به او علیه السلام داده و در دوران حیات نورانی‌اش (۳) و بعد از آن ملقب به این لقب بوده و هستند. چه بسیار زیبا که این لقب از لبان مبارک سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام هم شنیده شده است؛ هنگامی که قافله عصمت و طهارت از مدینه به سوی مکه رهسپار بود، و تمام کاروانیان سوار بر محمل‌ها شده بودند، امام حسین علیه السلام فرمود:

أَيْنَ أَخِي؟ أَيْنَ كَبْشُ كَتَيْبَتِي؟ أَيْنَ قَمَرِ بَنِي هَاشِمٍ؟

برادرم، سردار قافله، ماه بنی هاشم کجاست؟

حضرت عباس علیه السلام هم پاسخ داد: «لیبک، لیبک یا سیدی» (۴)

۱. أَلْسَلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ بَوَارِ أَعْدَائِهِ؛ همان.

۲. دعای ندبه.

۳. معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۷۱ «و كان يُلقب في زمان حيوة بقمر بنی هاشم».

۴. همان، ص ۲۲۰.

ای روی تو ماه آل هاشم      ای پشت و پناه آل هاشم  
 بر شمس جمال بی مثال      پیوسته نگاه آل هاشم  
 سیمای مبارک یوسف زهرا علیها السلام؛ امام زمان علیه السلام هم مانند ماه شب  
 چهارده، درخشان و نورانی است. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام هم رخسار  
 و چهره دل‌گشای فرزند بزرگوارش امام مهدی علیه السلام این‌گونه برای ما  
 توصیف فرمودند:

وَجْهُهُ بَيْنَ إِصْبَحَةِ الْأَقَالِمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيِّ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ الدَّرِّيَّةِ؛<sup>(۱)</sup>

چهره‌اش، میان گشاده رویان عالم، مانند ماه نورانی در بین  
 ستارگان درخشان است

این جمال و زیبایی ظاهری زمانی نیکو است که با زیبایی‌های باطنی  
 هماهنگی داشته باشد. در حقیقت زیبایی به تناسب ظاهر و باطن؛ صورت  
 و سیرت گفته می‌شود. لذا دامن سخن را از امور ظاهری بر می‌چینیم و به  
 شباهت‌های باطنی و زیبایی‌های آن اشاراتی می‌نماییم.

## ۲. شباهت باطنی

تمام فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام و مقربین آنها به جهت  
 اتحاد و پیوند در حسب و نسب در سیره و روش، شباهت‌هایی دارند، در  
 این بین شباهت‌های سیرتی، امام مهدی علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام قابل  
 دقت است:

۱. الملاحم والفتن، ص ۱۳۶، درباره توصیف سیمای امام مهدی علیه السلام مقاله بسیار زیبایی در مجله  
 انتظارش ۵، ص ۱۵۱ با عنوان «جمال یار» از محقق توانا جناب آقای جواد جعفری آمده است.

## توسل، پناه

یکی از جلوه‌های مشترک غوث اعظم امام زمان علیه السلام و باب الحوائج حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام مقام جهانی در رابطه شناخت، توسل و پناه دادن آنان است. همه اقوام مسلمان شیعه و سنی و غیر مسلمان، دین‌دار و بی‌دین، یهودی و نصرانی، موحد و غیر موحد، متوسل به عنایات امام عصر علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌شوند.

از القاب مبارک یوسف مصر و فاء؛ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام «ابوفرَج» یعنی گشاینده، رهاکننده از مصائب، «المستجار» به معنای پناهگاه و «مستجعل»<sup>(۱)</sup> است. یعنی حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در انجام حاجات مراجعین، نهایت عجله را مبذول می‌فرمایند و بسیار دوست دارند که تقاضای افراد هرچه زودتر به نتیجه برسد. در عرف عوام هم این مسئله جایگاه خاصی دارد و می‌گویند: عباس طاقت ندارد که کسی دست خالی برگردد، به همین دلیل، مراجعین به بارگاه او بسیار زیاد هستند و در کتاب ارزشمند «چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام»، حکایات فراوان و بسیار ارزنده‌ای در خصوص عنایات به غیر مسلمانان آمده است.

نمونه زیر یکی از هزاران حکایات واقعی و حقیقی در این خصوص است:

۱. رک زندگی حضرت ابوالفضل، بدرالدین نصیری و پرچمدار نینوا، محمد محمدی اشتهاردی.

دانشمند محقق آقای شیخ محمدباقر ملبوبی می‌گوید:

«مداح مخلصی می‌گفت: در تهران سوار تاکسی شده تا به مجلس سوگواری بروم. وقتی به مقصد رسیدم راننده تاکسی، کرایه‌نگرفت. علت را پرسیدم، گفت: من عهد کرده‌ام از خدمت گزاران حضرت عباس علیه السلام کرایه نگیرم. گفتم: چرا؟

گفت: به خاطر لطفی که حضرت عباس علیه السلام به من کرده است؛ من مسیحی هستم. سالها از ازدواجم می‌گذشت و صاحب فرزندی نشدم. معالجات هم بی‌فایده بود. به حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیهما السلام متوسل شدم، نتیجه نگرفتم بر اثر معاشرت با رانندگان مسلمان، نام عباس علیه السلام را زیاد شنیده بودم که در درگاه خداوند بسیار آبرو دارد، به خدا توجه نموده و عرض کردم: خدایا! عباس علیه السلام را در درگاهت واسطه قرار می‌دهم. به حق آن حضرت، حاجتم را روا کن.

طولی نکشید، دارای فرزند شدم، و از آن زمان تا کنون با خدا عهد بسته‌ام که از خادمان و مداحان حضرت عباس علیه السلام کرایه نگیرم.»<sup>(۱)</sup>  
اینجانب که سفرهای متعددی در جمع اهل سنت داشته‌ام، بارها عظمت مقام حضرت عباس علیه السلام و قسم و توسل به او را در میان آنان مشاهده نموده‌ام.

گفتمی است: یکی از بهترین راههای توسل به باب الحوائج قمر بنی‌هاشم علیه السلام که بسیار مجرب است، گفتن ۱۳۳ مرتبه «یا کاشف الکرب عن»

۱. الوقایع والحوادث، ج ۳، ص ۲۹، پرچمدار نینوا، ص ۲۳۵.

۹۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

وَجِهِ الْحُسَيْنِ، اِكْشِفْ كَرْبِي بِحَقِّ اَخِيكَ الْحُسَيْنِ»<sup>(۱)</sup> بعد از نماز روز جمعه است. که انشاءالله حاجتش بر آورده می شود.<sup>(۲)</sup>

همچنین یکی از القاب مقدس کعبه مقصود و قبله موعود، یوسف زهرا علیها السلام امام زمان علیه السلام نیز «کهف» به معنای پناهگاه است. او ملجاء و مأمن بی پناهان، دردمندان و گرفتاران عالم هستی است، لذا در زیارتش عرضه می داریم:

درود و سلام و برکات و تحیات خداوند متعال بر مولایم امام زمان و پناه عالمیان.<sup>(۳)</sup>

امام باقر علیه السلام نیز درباره یکی از ویژگی های امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

مهدی از همه شما، مردمان را بیشتر پناه می دهد و از همه شما علمش افزون تر و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است.<sup>(۴)</sup>

یکی دیگر از القاب خاصه آن حضرت «غوث» به معنای فریادرس است و در زیارت آل یس عرضه می داریم:

درود بر تو ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و دادرس و رحمت واسعة حق.<sup>(۵)</sup>

---

۱. ای کسی که اندوه را از چهره حسین علیه السلام بر طرف ساختی، اندوه مرا به حق برادرت حسین علیه السلام بر طرف ساز.

۲. واژه عباس به حساب ابجد معادل عدد ۱۳۳ است. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام، عطایی خراسانی، ص ۳۱، پرچمدار نینوا، ص ۶۵.

۳. سَلَامُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلٰى مَوْلَاىِ ضَاحِبِ الزَّمَانِ... وَ الْكَهْفُ؛ بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۴

۴. اَوْسَعَكُمْ كَهْفًا وَ اَكْثَرَكُمْ عِلْمًا وَ اَوْسَعَكُمْ رَحْمَةً؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۷۵.

۵. السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ.



امام مهدی علیه السلام امروزه امیر عالم هستی و فریاد رس تمام بی پناهان و «مفزع الكرب» یعنی گشاینده رنج‌ها و «مزیل الهم» یعنی زداینده غم و «کاشف البلوی» یعنی برطرف کننده بلاهاست لذا شاهد توسل تمام انسانها (مسلمان و غیر مسلمان) به او هستیم.

یکی از خادمان جمکران می‌گوید: طبق معمول در روز سه شنبه مورخه ۷۶/۱۲/۲۵ در غرغه نذورات مشغول کار بودم که خانمی اهل تهران مراجعه نمود و مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال را تقدیم نذورات کرد و درخواست قبض نمود. در موقع نوشتن اسم، نام و فامیل شخصی را بنام «ویلهم بلهم» را بردند که به نظر من ارمنی بود سؤال کردم خانم شما شیعه هستید در حالی که این نام ارمنی می‌باشد، گفت: بله این نام ارمنی است و همسایه ما می‌باشد که در تهران هستند و جریان چنین است:

من ساکن تهران می‌باشم و نامبرده چند روز قبل مرا دیدند و گفتند که: مدتی است گرفتاری دارم انجام نمی‌شود شما شیعه‌ها راهی برای برآورده شدن حاجات خودتان دارید مرا هم راهنمایی کنید. من به ایشان گفتم شما برای آقا امام زمان علیه السلام نذری بنمائید و از آقا بخواهید مشکل شما را حل می‌کند. فردای همان روز نامبرده به من مراجعه کرد و اظهار داشت: روز گذشته که از آقای شما تقاضا نمودم مشکلم با بهترین وجه حل شد، این مبلغ ده هزار تومان را ببرید مسجد جمکران به جهت این که من نمی‌توانم به مسجد بروم شما از طرف من پرداخت نمایید.<sup>(۱)</sup>

۱. دفتر ثبت کرامات مسجد مقدس جمکران، تاریخ وقوع: ۱۳۷۶/۱۲/۲۵، تاریخ ثبت: ۷۸/۲/۳۱.  
(به نقل از میر مهر، ص ۸۰)

## شجاعت

قهرمان علقمه فرزند «لَا قَتَى إِلَّا عَلِيٌّ وَلَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ» است، فرزند فاتح خیبر، بدر و حنین است. فرزند امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شجاعت حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«یا علی اگر تمام مردم شرق و غرب عالم به جنگ تو آیند، توان

جنگیدن با همه آنان را داری»<sup>(۱)</sup>

اصولاً فلسفه ازدواج مولی الموحدين علیه السلام با ام البنین علیها السلام نیز به جهت تحصیل و شکوفایی فرزندان شجاع<sup>(۲)</sup> مانند فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده است. شهید مطهری در این باره می گوید: «آرزوی علی علیه السلام در ازدواج با ام البنین در وجود مقدس حضرت ابوالفضل علیه السلام تحقق یافت چون حضرت عباس مردی شجاع، دلاور و بلند قامت بود. وقتی سوار بر اسب می شد، پاهایش بر زمین کشیده می شد»<sup>(۳)</sup> و سیره نویسان در مورد چالاکی و عظمت شجاعت او می نویسند:

عباس مرد زیبا و خوش سیما و تنومند بود که وقتی سوار بر

اسب قوی و بلند می شد، پاهایش به زمین می کشید.<sup>(۴)</sup>

۱. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸، خصائص العباسیة، ص ۷۳.

۲. سفینه البحار، ج ۱ ص ۶۹۰

۳. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۹ و ج ۲، ص ۱۱۸

۴. وَكَانَ الْعَبَّاسُ رَجُلًا وَسِيمًا جَمِيلًا يَرْكَبُ الْفَرَسَ الْمُطَهَّمَّ وَ رِجْلَاهُ يَخُطَّانِ فِي الْأَرْضِ؛ مقاتل الطالبین، ص ۳۳؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹؛ نفس المهموم، ص ۱۵۴.

صاحب معالی السبطين درباره شجاعت او عليه السلام می‌نویسد:

شجاعت عباس عليه السلام تنها با شجاعت پدرش امام علی عليه السلام و برادرش امام حسین عليه السلام قابل قیاس است. (۱)

حمید بن مسلم درباره گوشه‌ای از شجاعت امام حسین عليه السلام می‌گوید: «حسین را در هنگام درگیری شدید با دشمن دیدم، سوگند به خدا! هرگز مرد گرفتار و مصیبت دیده‌ای را ندیده بودم که فرزندان خاندان و یارانش را کشته باشند، ولی با این همه، دل دارتر و استوارتر و قوی دل‌تر از آن بزرگوار باشد. وقتی پیادگان به او حمله می‌کردند، او با شمشیر به آنها حمله می‌کرد و آنها از راست و چپ می‌گریختند مثل گله روباهی که از شیر فرار می‌کند.» (۲)

در مورد حضرت ابوالفضل العباس عليه السلام هم آورده‌اند: «وقتی در روز عاشورا وارد میدان جنگ شد، چنان جنگید که اکثر لشکریان با دیدن این شجاعت و شهامت، پشت به صحنه جنگ نموده و پا به فرار گذاشتند.» (۳)

خلاصه در عظمت قدرت و شجاعت شهید علقمه عليه السلام اکثر مورخین نوشته‌اند:

او چون کوهی بزرگ و دارای قلبی سترگ بود و جنگ جویی شجاع و بلند همت و سلحشوری بی‌مانند و بی‌باک بود، در وارد کردن نیزه در میدان جنگ و برابری با کفار همتایی

۱. لا يُقاسُ بِشِجَاعَتِهِ إِلَّا شِجَاعَةُ أَبِيهِ وَ أَخِيهِ؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۴.

نداشت. (۱)

صفحات تاریخ نیز، عظمت شجاعت او علیه السلام را ضبط کرده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم:

■ در نبرد صفین، عباس علیه السلام به عنوان یک رزمنده ناشناس در حالی که نقاب بر چهره داشت وارد میدان شد. سپاه شام دریافت جوانی شجاع و پر جرات به رزم آمده است. معاویه و سران نظامی لشکرش مشورت کردند و به ابوشعثاء گفتند: برو و با او جنگ کن. ابوشعثاء گفت: ای امیر! من هفت پسر دلاور دارم، یکی را به جنگ با او می‌فرستم. اولین فرزند ابوشعثاء در فرصت کوتاهی به درک واصل شد. برادرهای یکی به یکی به جنگ با عباس علیه السلام رفته و با ضربات ابوالفضل العباس علیه السلام روانه دوزخ شدند. ابوشعثاء که داغ هفت پسر بر دلش سنگینی می‌کرد، وارد معرکه شد، او نیز به پسرانش ملحق شد. صدای تکبیر سپاه امام علی علیه السلام فضا را پر کرده بود. عباس علیه السلام به آرامی برگشت، امیر مؤمنان به استقبالش رفت، نقاب را از چهره او برداشته و پیشانیش را غرق بوسه نمود. و همگان دیدند که این دلاور، عباس علیه السلام است. (۲)

■ او در کربلا با وجود محافظان بسیار، چندین بار آب را به خیام

۱. كَالْجَبَلِ الْعَظِيمِ وَ قَلْبُهُ كَالطَّوْدِ الْجَسِيمِ لِأَنَّهُ كَانَ فَارِسًا هَمَامًا وَ بَطْلًا ضَرْغَامًا وَ كَانَ جَسُورًا عَلَى الطَّعِينِ وَ الضَّرْبِ فِي الْمَيْدَانِ الْكُفَّارِ وَ الْحُرُوبِ؛ منتخب طریحی، ص ۳۱۲، چهره درخشان قمر بنی هاشم، ص ۱۳۸.

۲. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۳۸، الکبریة الاحمر، ج ۳، ص ۲۴، سردار کربلا، ص ۲۷۷، سفای کربلا، ص ۵۰، پرچمدار نینوا، ص ۹۴.

رسانید. (۱)

■ در روز عاشورا برخی از یاران سیدالشهداء (عمر بن خالد صیداوی و غلامش، سعد، جابر بن حایس سلمانی و مجمع عائدی) به طور دسته جمعی به قلب سپاه دشمن حمله ور شدند که دشمنان آنها را محاصره کردند. و این عباس علیه السلام است که با حمله به کانون خطر، آنها را نجات داد. (۲)

■ او قهرمان بی‌بدیل و نیزه زن معروف «ماردین صُدیف تغلبی» در حالی که جمعی برای کمک و نجات به او به میدان آمده بودند، مرا با نیزه خودش به زمین دوخته و به هلاکت رسانید. (۳)

■ رشادت و شجاعت او آن گونه است که دشمنان را به تعجب واداشت؛ هنگامی که وسائل کاروان حسینی را به غارت نزد یزید ملعون بردند در میان آنها، پرچم سیاه حسینی در حالی که بدنه پر از سوراخ ولی دستگیره آن سالم بود، وجود داشت. یزید ملعون از روی تعجب و حیرت سه بار برخاست و نشست و گفت: سالم ماندن دستگیره نشان می‌دهد که پرچمدار، تیرها و ضربه‌ها را تحمل کرده و دست از حفظ پرچم برنداشته است. (۴)

■ لذا مادر این پهلوان ام‌البنین علیها السلام وقتی خبر شهادت فرزندش را می‌شنود، می‌گوید: «اگر دست در بدن داشتی و شمشیر در دستت بود، هیچ

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۸۹، تاریخ طبرسی، ج ۶، ص ۲۳۴، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۷۸، پرچمدار نینوا، ص ۱۲۳ - ۱۲۶.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۴، مقاتل الطالبین، ص ۸۲، اخبارالطوال، ص ۳۳۰.

۳. سوگنامه آل محمد علیهم السلام، ص ۳۰۳.

۴. همان، ص ۲۹۹، پرچمدار نینوا، ص ۸۱.

کس جرأت نزدیک شدن به تو را نداشت»<sup>(۱)</sup>.

و در مورد عظمت شجاعت و قدرت آخرین خلیفه الهی امام مهدی علیه السلام هم روایت بسیار ژرفی از امام علی علیه السلام بیان شده است.

شخص به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام شرفیاب شده، عرضه داشت: از مهدی خود برای من سخن بگوئید. حضرت علیه السلام فرمود:

از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب. از قلّه شرف، و از اقیانوس بی کرانه که همه نهرهای فضیلت به سوی آن سرازیر است. پناه همه پناهندگان، کانون صفا، هنگامی که همه بی صفا شوند. چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد. هنگامی که عرصه نبرد تنگ تر شود، ضعف و زبونی نشان ندهد. وقتی قهرمانها وارد میدان شوند، او عقب نشینی نکند. همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیر بیشه شجاعت، درو کننده ریشه ستمگران، ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیر برنده‌ای از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده خداوندی، اوج قلّه شرف انسانی، که در اعماق اصیل ترین فضیلتها ریشه دوانیده... آستانه‌اش از همه وسیع تر، دانشش از همه افزون تر... آنگاه امام علی علیه السلام با دست مبارکش به طرف سینه‌اش اشاره کرد و فرمود: آن چقدر مشتاق او هستیم»<sup>(۲)</sup>.

۱. پرچمدار نینوا، ص ۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، بشارة الاسلام، ص ۵۲، یاد مهدی، ص ۱۰۲.

اصلاً باید گفت: اگر در طول تاریخ رشادت، شهامت و شجاعتی سراغ دارید، او علیه السلام صاحب آنهاست، زیرا تمام میراث انبیاء و اولیاء علیهم السلام نزد اوست. و در روایت بسیار تابناکی از هشتمین پیشوا امام رضا علیه السلام جلوه‌ای از این حقیقت بیان شده است:

«ریان بن صلت» می‌گوید: به خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

من صاحب این امر هستم، ولی من کسی نیستم که زمین را پر از عدل و داد کنم، آنچنانکه پر از جور و ظلم و ستم شده باشد، من چگونه با این ضعفی که در بدن من می‌بینی، می‌توانم او باشم؟ قائم علیه السلام کسی است که چون خارج شود در سن پیرمردان و در سیمای جوانان باشد، آن قدر بدنش نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از ریشه بکند، اگر در میان کوهها بانگ بر آورد، صخره‌های آن فرو ریزد. عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام با او خواهد بود. او چهارمین فرزند منست خداوند او را تا هنگامی که بخواهد در پشت پرده غیبت نگه می‌دارد. آنگاه ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنانکه پر از جور و ستم شده باشد. گویی با چشم خود می‌بینم در حالی که مردمان به یأس و نومیدی دچار شده‌اند، ندای آسمانی را می‌شنوند که این ندا از مسافت دور همچون فاصله‌ای نزدیک شنیده می‌شود. او برای مؤمنان رحمت و برای کافران تازیانه

### عذاب خواهد بود. (۱)

با توجه به اینکه در کلام معصوم علیه السلام، مبالغه و تعارف به کار نمی رود؛ این حدیث عظمت قدرت جسمی و شجاعت روحی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را بسیار شیوا ترسیم نموده است.

آری. بار دیگر، قدرت و شجاعت و خاطرات شیرین امیر مؤمنان و فرزندان علیهم السلام را زنده خواهد کرد و شجاعت حیدری را در فتح خیبر و قتل عمرو بن عبدود و حماسه آفرینان عاشورا را به نمایش خواهد گذاشت به هر طرف روی کند پیروز خواهد شد، به کاخ هر ستمگری برسد، بر سرش فرو خواهد ریخت و به هر ستم دیده ای برسد، رفع ستم خواهد نمود.

جالب اینکه در این روایت به قدرت معنوی حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره شده است؛ او با عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام می آید. عصای موسی یادآور هلاکت فرعونها و بلعیدن بافته ها و انگشتر سلیمان، یادآور فرمانروایی مطلق آن حضرت بر همه موجودات می باشد. (۲)

### عزت

یکی دیگر از جلوه های پیوند و شباهت، علمدار نینوا، قمر بنی هاشم علیه السلام و یوسف زهرا امام زمان علیه السلام عزت و سازش نکردن با طاغوت است. اگر چه امان دشمنان اهل بیت علیهم السلام به تجربه و شهادت تاریخ، عین نیرنگ و حيله

۱. اعلام الوری، ص ۴۰۷.

۲. یاد مهدی، مرحوم خادمی شیرازی، ص ۲۲۵.



است؛ زیرا معاویه ملعون به «حجر بن عدی» امان داد ولی او را به شهادت رساند. به فرستادهٔ امام حسین علیه السلام «مسلم بن عقیل» امان دادند، اما او را نیز به شهادت رساندند. (۱)

نگون بختان کربلا با پیروی از سیاست شیطانی، قصد جدایی خورشید و ماه را داشتند لذا برای علمدار سپاه حسین علیه السلام امان آوردند. (۲)  
صاحب معالم البسطین می‌نویسد:

وقتی دشمنان اسم عباس را می‌شنیدند، بدن آنها به لرزه افتاد و ترس و وحشت قلب هایشان را احاطه و پوست بدنشان جمع می‌شد، و به همین جهت عبیدالله بن زیاد برای او امان نامه فرستاد. (۳)

عملکرد و حرکت قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و پاسخ کمر شکن به این فتنه برای تمام عصرها و همهٔ نسل‌ها الگو و اسوه است؛ او علیه السلام راه و رسم امان نامه حقیقی را این گونه بیان فرمودند:

ما محتاج امان شما نیستیم، امان پروردگار بسیار بهتر از امان پسر سمیه است. (۴)

و هنگامی که شمر ملعون با آوردن امان نامه، قلب مقدس و منور او را به

۱. حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۳۶۵.

۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۱.

۳. إِنَّ الْأَعْدَاءَ إِذَا سَمِعُوا بِاسْمِ الْعَبَّاسِ إِزْتَعَدَتْ فَرَائِضُهُمْ وَ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَقْشَعَرَتْ جُلُودُهُمْ وَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّ عَبِيدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ بَعَثَ إِلَيْهِ كِتَابَ أَمَانٍ؛ معالی البسطین، ج ۱، ص ۴۳۷.

۴. لَا حَاجَةَ لَنَا فِي أَمَانِكُمْ، أَمَانُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَمَانِ ابْنِ سُمَيَّةَ؛ كامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۶.

۱۰۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

درد آورد، شمشیر سخن و تازیانه گفتار شیر بیشه شجاعت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، شمر ملعون را وادار به عقب نشینی ننگین نمود. او علیه السلام فریاد برآورد:

دست‌هایت بریده و جدا باد و لعنت باد بر آنچه بر ما آورده‌ای، ای دشمن خدا، آیا ما را امر می‌کنی دست از برادر و آقای خودمان امام حسین علیه السلام پسر فاطمه علیه السلام دست برداریم و در پیروی از ملعونهایی که پدرانشان از ملعونین هستند، در آئیم. <sup>(۱)</sup>

در روز عاشورا هم، با خون خود این راه و رسم را به منصفه ظهور گذاشت زیرا سالها بعد از واقعه طف به یکی از سپاهیان پسر سعد گفتند: «این چه ننگی بود که بر خود خریدید؟ چرا فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و یارانش را کشتید؟

جواب داد: ساکت شو! گروهی روی در روی ما بودند که دستها بر قبضه شمشیر، گامها استوار، نه امان می‌پذیرفتند... <sup>(۲)</sup>

این عزت و صلابت در سیره امام مهدی علیه السلام موج می‌زند. امام حسن مجتبی علیه السلام درباره جلوه‌ای از عزت امیر دوران امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

---

۱. تَبَّتْ يَدَاكَ و لَعَنَ مَا جَنَابَهُ مِنْ أَمَانِكَ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَنَا مُرْنَا أَنْ نُشْرِكَ أَخَانًا وَ سَيِّدَنَا الْحُسَيْنَ بْنَ فَاطِمَةَ وَ نَدْخُلَ فِي طَاعَةِ اللُّغْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّغْنَاءِ؛ کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۵۶؛ منتخب التواریخ، ص ۲۵۸؛ نفس المهموم، ص ۱۱۲.

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷، قیام حسین علیه السلام دکتر شهیدی، ص ۱۶۱.

هر کدام از ما بیعت حاکمان و طاغوت زمان را از روی تقیه به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند و برگردنش بیعت حاکمی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین است.<sup>(۱)</sup>

امام سجاد علیه السلام نیز در این خصوص می‌فرماید:

و لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ<sup>(۲)</sup>

بر عهده او (امام مهدی علیه السلام) بیعت هیچ کس نیست.

## عبادت و بندگی

بندگی کن تا که سلطانت کنند      تن رها کن تا همه جانت کنند  
عبادت یعنی به کار بستن مخلصانه اعضاء و جوارح در راه اطاعت و بندگی حضرت حق، و نشانه‌های آن عبارت است از زردی چهره، پینه پیشانی، ذوب شدن، خضاب خونین، قطعه قطعه شدن و...

در باره نشانه‌های عبادت قمر بنی‌هاشم آورده‌اند: «و بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَثَرُ السُّجُودِ» این پینه بستن بر چهره جوانی سی و چهار ساله، حکایت از کثرت عبادات و تهجدات اوست.<sup>(۳)</sup>

ابوالفرج می‌نویسد: میان دو چشمانش اثر سجده نمایان بود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»<sup>(۴)</sup>

۱. مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ... لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَاكَ النَّاسِغُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵.

۳. زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام، عطایی خراسانی، ص ۸۵.

۴. فتح، ۲۹.

بندگان مؤمن اثر سجده در سیما و چهره خود دارند.

لذا امام جعفر صادق علیه السلام در زیارت مخصوص ابوالفضل علیه السلام اولین لقبی که نشانگر همین حقیقت است را یادآور می‌شوند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ؛ سلام بر تو ای بنده شایسته

امام کاظم علیه السلام نیز درباره آخرین حجت الهی علیه السلام می‌فرماید:

بر اثر تهجد و شب زنده‌داری رنگش به زردی متمایل است.

پدرم فدای کسی باد که در طول شب در حال سجده و رکوع،

تماشاگر طلوع و غروب ستارگان است. (۱)

و امام رضا علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «يَكُونُ... أَعْبَدَ النَّاسِ» او

عابدترین مردمان است. (۲)

---

۱. یعتوره مع سمرته صفة من سهر الليل بابي من ليله يرعى النجوم ساجدا و راکعا؛ فلاح السائل،

ص ۲۰۰؛ بحار، ج ۸۶، ص ۸۱

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۲.

## فصل دوم: تحلیل‌ها

### ۱. زیارت

زیارت، همراه شدن با کاروان عشق و سوار شدن بر محمل شوق، موج عرفان و براق عشق و فرق نگذاشتن بین حیات و ممات<sup>(۱)</sup> است. زیارت قلمرو «دل» و «وادی محبت و شوق» است، نمودی از احساس متعالی و زبان علاقه و ترجمان پیوند قلبی است، فیض «حضور» در کنار اولیاء خدا است که زائر را از کیمیای «نظر» برخوردار می‌سازد.<sup>(۲)</sup>

---

۱. امام صادق علیه السلام: «من زارنا فی مماتنا، فکانما زارنا فی حیاتنا»، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴ و در زیارتی که امام هادی علیه السلام آموزش داده است می‌خوانیم: «شهد انک و من قتل معک شهداء احياء»  
۲. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۲۰۲.

زیارت سپهسالار کربلا الهام و درس گرفتن دارد، درسهایی مانند: تعظیم فداکاری، تقدیر از اسوه وفا و تجلیل از سجایا و مقامهای معنوی و استمرار بخشیدن به خط سبز وفا و زنده نگه داشتن نام و یاد و خاطره و فرهنگ پیروی از امام زمان علیه السلام است. (۱)

زائر در این زیارت، خود را در برابر آئینه تمام نمای فضیلتها قرار می‌دهد و با زمزمه فقرات زیارت، علاوه بر الهام، سنگ محکی به اعمال خود می‌زند و عیار خود را در برابر امام زمانش می‌سنجد.

توجه و دقت به مضمون و محتوای این زیارت مآثور، که تناسب حقیقی با روح زندگانی سرور و سالار اهل وفاست ما را پیوند به امام عصر علیه السلام می‌دهد. اولین نکته‌ای که با زیارت او روبه‌رو می‌شویم این است که او چه کرده است، زائرین او ابتدا سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان شایسته و همه شهیدان و راست کرداران و برگزیدگان را در هر صبح و شام نثار او می‌کنند.

آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی طبق همین زیارت می‌گوید:

«از اختصاصات حضرت ابوالفضل علیه السلام سلام خصوصی، صبحگاهی است. حضرت ابوالفضل علیه السلام همچون مقام ارشد نظامی که همگان موظفند صبحگاه و شامگاه بر او سلام دهند، از آنچنان عظمتی در دستگاه ملکوتی و عرشیان برخوردارند که خداوند متعال، ملائکه مقربین، انبیای مرسلین، عباد صالحین و جمیع شهدا و صدیقین و پاکیزگان هر صبحگاه و شامگاه

۱. برای آشنایی با آثار سازنده زیارت رک: زیارت، جواد محدثی، ناشر سازمان حج و زیارت و شوق دیدار، دکتر محمد مهدی رکنی، انتشارات آستان قدس رضوی.

برایشان سلام می‌دهند.»<sup>(۱)</sup>

به راستی عباس علیه السلام چه راهی را پیمود که این مقام والا را به دست آورد؟ دقت در فرازهای بعدی زیارت، پاسخ این سؤال است. او علیه السلام منازل تسلیم، باور محکم و وفا را جانانه پشت سر گذاشت و عشق خدمت، یاری و اطاعت از امام زمانش، موجب صبر و ایثار شد.

زیرا تعبیر زیارت او این است: «لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ» برای جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عارفانه و عاشقانه تلاش کرد. حضرت ابوالفضل علیه السلام به خاطر «برادری» یا مسائل قوم و قبیله‌ای، فداکاری ننمود، تنها و تمام جانثاریهایی او فقط به خاطر اطاعت از امام عصرش بود.

اما به راستی اگر من زیارت نامه عباس علیه السلام، و هر زیارت دیگری را هزار بار بخوانم اما در فرازهای آن دقت و تدبّر نکنم آیا ارزش و اعتباری دارد؟ امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«... أَلَا لَأَخَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدَبَّرُ فِيهِ»؛<sup>(۲)</sup>

آگاه باشید در قرائتی که تدبّر نباشد، هیچ خیری نیست.

بنابراین باید این زیارت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و دقت شود، چرا زائرین کوی حضرت عباس علیه السلام قبل از وارد شدن به روضه منوره ایشان باید شهادت به تسلیم، تصدیق و وفا و خیرخواهی حضرت عباس علیه السلام برای امام زمانش علیه السلام<sup>(۳)</sup> بدهند؟

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم، ج ۴، ص ۹.  
 ۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶، کتاب العلم، باب صفة العلماء.  
 ۳. اشهد لك بالتسليم والتصديق والوفاء والنصيحة لخلف النبي صلی الله علیه و آله، مفاتيح الجنان، ص ۸۵۰ زیارت حضرت عباس علیه السلام.

## تسلیم

یکی از مقامات رفیع بندگی «تسلیم» در برابر امام زمان علیه السلام است. اسوه تسلیم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، آن گونه در برابر مولایش، تسلیم بود که هیچ یک از یاران امام حسین علیه السلام به قلّه عظمت آن نمی‌رسند. زیرا در واقعه عاشورا تنها کسی که تسلیم محض و هیچ گونه پیشنهاد و یا سخنی در برابر عملکرد امام حسین علیه السلام نداشت، عباس علیه السلام است. هر چه سختی‌ها و مشکلات بیشتر می‌شد، تسلیم او شکوفاتر می‌گشت او فرزند امیر مؤمنان علیه السلام است کسی که با به دوش گرفتن تمام مشکلات جهان اسلام می‌فرماید: در هر مصیبت و شدتی، تنها ایمان و سر سپردگی بر حق و تسلیم امر و فرمان ما زیاد می‌شد. <sup>(۱)</sup>

کوهم و هستی من، بنیاد اوست      ورشوم چون گاه یادم یاد اوست  
جذب به باد او نجنبد میل من      نیست جز عشق احد سر خیل من  
یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت نیز «تسلیم» است. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

مردم سه وظیفه دارند: شناخت امامان و تسلیم آنان بودن در آنچه برایشان وارد می‌شود و مراجعه به آنان در اختلافاتی که پیش می‌آید. <sup>(۲)</sup>

۱. فما تزدادُ على كلِّ مُصيبةٍ وَ شِدَّةِ إيماناً وَ مُضِيّاً على الحقِّ وَ تسلِماً لِلأمرِ؛ نهج البلاغه، خ ۱۲۲، احتجاج، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. إِنما كَلَّفَ النَّاسَ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الأئمَّةِ وَ التَّسليمَ لَهُمَ فيما وَرَدَ عَلَيْهِمَ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمَ فيما اختلفوا فِيهِ؛ کافی، ج ۱، ص ۳۹۰، باب التسلیم.



لذا در طول تاریخ ما شاهد اسوه‌های تسلیم هستیم. با طلوع سپیده اسلام، و درگیری بین اسلام و کفر ولو در بین قوم و قبیله، تنها تسلیم پیامبر ﷺ بودن، کارگشا بود. لذا امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ما با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم، در حالیکه پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را می‌کشتیم و این کار تنها ایمان و تسلیم و بر شاه راه صراط مستقیم بودن و صبر ما را بر دردها و رنج‌ها می‌افزود. (۱)

مالک اشتر نخعی یکی دیگر از اسوه‌های تسلیم است، او که تا کشتن معاویه چند گام بیشتر فاصله نداشت، به پیروی از دستور امام علی علیه السلام و تسلیم در برابر مولایش برمی‌گردد. و با اعطای حکم فرمانداری مصر، به سوی آن سرزمین می‌رود، و نمی‌گوید: علی جان! من دوست دارم در کنار شما باشم. او کاری را می‌کند که مطابق میل امام زمانش باشد، اگر چه فرسنگ‌ها راه بین آنها فاصله شود.

یکی دیگر از الگوهای تسلیم، «عبد الله بن ابی یعفر» است این یار با وفای امام صادق علیه السلام عرضه می‌دارد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله اگر شما اناری را به دو نیم کنید و نیم آن را حلال و نیم دیگر را حرام بشمارید من نیز نیم اول را حلال و نیم دیگر را حرام خواهم دانست امام علیه السلام در پاسخش می‌فرماید:

«عَبْدَ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ»؛ ای بنده خدا! خدا رحمت کند (۲)

۱. وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَقُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ ضَبْرًا عَلَى مِضْضِ الْأَلْمِ؛ نهج البلاغه، ح ۵۶، وقعة صفین، ص ۵۲۰.  
۲. مهر محبوب، سید حسین حسینی، ص ۱۰۶.

امام جعفر صادق علیه السلام به جهت همین تسلیم و سر سپردگی او در رثایش در نامه‌ای به مفضل بن عمر می‌نویسد:

او دیده از جهان فرو بست - که صلوات خدایش بر او باد - در حالیکه افعالش پسندیده، سعیش مشکور، گناهانش بخشوده و به واسطه رضایت خدا و رسول و امامش غرق در رحمت بود. سوگند به نسبت فرزندى من به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که در زمان ما فرمانبردارتر از او نسبت به خدا و رسول و امامش یافت نمی‌شد و همواره بر این شیوه بود تا خدا او را به رحمت خود گرفت و به سوی بهشت روانه‌اش نمود و او را در میان منزل پیامبر خدا و امیر مؤمنان علیه السلام جای داد و با آنان همنشین ساخت.

«کَلِيبُ» نیز رادمردی دیگر از بار یافتگان مقام تسلیم است. زید شحام از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که: به آن حضرت عرض کردم: «مردی به نام «کلیب» هست که هر حدیث یا حکمی از جانب شما بیاید، او می‌گوید: من تسلیمم؛ لذا ما او را «کلیب تسلیم» نام گذاشتیم. زید گوید: آن حضرت علیه السلام برای او طلب رحمت فرمودند و سپس فرمودند:

آیا می‌دانید تسلیم چیست؟ پس ما ساکت شدیم. حضرت فرمودند: تسلیم همان إخبات (فروتنی) است که قرآن کریم به آن اشاره نموده و می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وَآخِبُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ»<sup>(۱)</sup>

آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند و نسبت به پروردگارشان فروتنی می‌نمایند.

لذا ششمین پیشوای حق به همگان دستور می‌فرماید: «...فعليكم بالتسليم» بر شماست که تسلیم باشید چنانچه کسی واقعاً به این مقام رسید و عملاً ثابت کرد «وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ»<sup>(۲)</sup> قلبم تسلیم قلب شماست و کارم تابع فرمان شماست» سعادت دنیا و آخرت شامل حالش می‌شود.

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

همانا دین خدای عزوجل با عقلهای ناقص و اندیشه‌های باطل و معیارهای نادرست به دست نمی‌آید و فقط از طریق تسلیم حاصل می‌گردد، پس هر که تسلیم ما گردد سالم می‌ماند و هر که به ما اقتدا کند، هدایت می‌شود و هر کس به تشخیص و فهم خود عمل کند هلاک می‌شود و هر که نسبت به احادیث ما یا احکام ما در دل سختی نماید به آن که سبع مثنی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده بدون آنکه خودش بداند.<sup>(۳)</sup>

امام محمد باقر علیه السلام هم به ابو خالد کابلی می‌فرماید:

۱. هود، ۲۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. زیارت جامعه.

۳. إِنَّ الدِّينَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالعُقُولِ الناقِصَةِ وَالْأَراءِ الباطِلَةِ وَالْمَقائِيسِ الفاسِدةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَ وَ مَنْ اقْتَدَىٰ بِنا هُدِيَ....

قسم به خدا! ای ابو خالد هیچ بنده‌ای تا خدا قلبش را پاک نکند ما را دوست نخواهد داشت و ولایت ما را نمی‌پذیرد. و تا تسلیم ما نشود و نسبت به ما حالت «سلم» نداشته باشد، خدا قلبش را پاک نمی‌کند. پس اگر نسبت به ما سلم بود خدا او را از حساب سخت حفظ خواهد کرد و از ترس و وحشت بسیار بزرگ در روز قیامت در امانش می‌دارد. (۱)

امام زمان علیه السلام هم خواستار «تسلیم» بوده و هستند ایشان می‌فرمایند:  
از خدا بترسید و تسلیم ما باشید و امور را به ما واگذارید. بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم، چنان که شما را به سرچشمه بردیم، و از راست منحرف نشوید و به نادرستی نگرائید و براساس سنت آشکار الهی، با محبت و دوستی، راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید. (۲)

بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف ما در عصر غیبت، «تسلیم» است، چنانچه کسی تسلیم نباشد و صبر ننماید و عجله کند، قطعاً نجات نمی‌یابد. همان طوری که در روایات بسیاری به این مسئله اشاره شده است. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱. وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُجِئُنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلْمًا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ؛ كَافِي، ج ۱، ص ۱۶۲ باب البر بالوالدين.

۲. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدارَ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ... وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَ تَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارَةِ وَ اجْعَلُوا قُصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛ غِيثِ طُوسِي، ص ۲۸۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَّى الْمُسْلِمُونَ<sup>(۱)</sup>

تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند و شتاب کنندگان هلاک شده و اهل تسلیم نجات می‌یابند.

چنانچه شخصی از دایره تسلیم در عصر غیبت خارج شود، گرفتار افراد فرصت طلب یا مهدی‌های دروغین یا در وادی یأس و نومیدی، شک و تردید، انکار، تأویل و توجیه بی‌خردانه، تمسخر و ترک وظایف می‌افتد. ممکن است کسی بگوید: از یک طرف روایاتی وجود دارد که ما را امر به دعا برای تعجیل فرج نموده‌اند و بر اساس این احادیث عجله کردن مطلوب است.

در پاسخ می‌گوییم: دعا کردن برای فرج آقا امام زمان علیه السلام مخالف با تسلیم نیست و شکوه بر غیبت اشکال ندارد: «اللَّهُمَّ نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَ لِينَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا...»<sup>(۲)</sup> اما اگر این شکوه به مرز شتابزدگی و کارهای عجولانه و گاه اعتراض به قضاء و قدر پروردگار متعال منجر شود مخالف تسلیم و قطعاً مطلوب نیست. دعا برای تعجیل فرج نشانه رضایت به قضاء و قدر الهی است و مخالف با صبر و تسلیم و انقیاد نیست.<sup>(۳)</sup>

تصدیق

صداقت از صفات پرهیزکاران<sup>(۴)</sup> و خلاصه تمام خوبی‌ها و موجب

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، باب کراهیه التوقیت؛ غیبت طوسی، ص ۴۲۶؛ غیبت نعمانی، ص ۱۹۶.

۲. دعای افتتاح.

۳. جهت اطلاع بیشتر رک آخرین امید، داود الهامی، ص ۳۷۸؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴.

۴. آل عمران، ۱۷.

رستگاری است.<sup>(۱)</sup> لذا یکی از دستورات اصلی دین اسلام بوده و خداوند متعال در قرآن، همه را به این مهم رهنمون می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ الصَّدَقِ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ الصَّدَقِ»<sup>(۲)</sup>؛ و بگو: پروردگارا! مرا [در هر کار] صادقانه وارد کن و صادقانه خارج نما.

راه و روش تمام انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام نیز صدق و راستی بوده، و از پیروان خود خواسته اند، در این مسیر گام بردارند، و در طول تاریخ صادقان راستین الگو و اسوه بوده و هستند. در بعضی از روایات از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده:

«تصدیق کنندگان سه کس بودند: حبیب نجار؛ مؤمن آل یس؛ همان کسی که به مردم (انطاکیه) می گفت از فرستادگان خدا پیروی کنید، که پاداشی از شما نمی خواهند و خود هدایت یافته اند، و حزقیل مؤمن آل فرعون، و علی بن ابی طالب علیه السلام و او از همه برتر است».<sup>(۳)</sup>

به راستی این سه نفر در بحرانی ترین لحظات به پیامبران الهی، ایمان آوردند و پیشگام و پیش قدم بودند و شایسته نام صدیقند، آنها در رأس کسانی قرار دارند که پیامبران الهی را تصدیق کردند، مخصوصاً صدیق اکبر، حضرت علی علیه السلام<sup>(۴)</sup> که از آغاز رسالت تا پایان آن همواره یار و یاور پیامبر

۱. مانده، ۱۱۹ «یوم ینفع الصادقین صدقهم»؛ روزی که راستی راستگویان به آنها سود می بخشد.

۲. اسراء، ۸۰.

۳. این حدیث در منابع فریقین ذکر شده است رک: امالی، صدوقی و صواعق، ابن جحرف ۳، ب ۹.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۲۷۶ «اخى رسوله و الصديق الاکبر»؛ مصباح المتعجد، ص ۷۴۲ «السلام علیک ایها الصدیق الاکبر السلام علیک ایها الفاروق الاعظم».

اسلام ﷺ بود. و در حیات پیامبر ﷺ و بعد از آن، فداکاری و ایثارگری را به آخرین حد ابراز داشت. <sup>(۱)</sup> صادق آل محمد ﷺ حضرت ابوالفضل ﷺ را الگویی دیگر در این باب معرفی می‌فرمایند: در زیارت حضرت عباس ﷺ در روز عید فطر و قربان عرضه می‌داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي؛

سلام بر تو ای بنده صالح و فداکار راستین

از این فراز زیارت، پی می‌بریم که صداقت در وجود حضرت عباس ﷺ نسبت به امام زمانش ﷺ موج می‌زند لذا زائرین به این مقام شهادت می‌دهند:

أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ... لِخَلْفِ النَّبِيِّ ﷺ

بر این اساس، یار و یاور امام زمان ﷺ باید صادق باشد و صداقت در اعمالش، مشهود باشد. زیرا صداقت نشانه و صفت دارد. خداوند متعال، ایمان، انفاق، نماز، زکات، وفای به عهد، استقامت و صبر را به عنوان صفات صادقان ذکر می‌فرمایند: <sup>(۲)</sup> لذا صادق کسی است که دارای ایمان به تمام مقدسات و به دنبال آن عمل در تمام زمینه‌ها باشد. و امام زمان ﷺ چنین یاورانی می‌خواهد و قمر بنی‌هاشم ﷺ یکی از بهترین الگوها در این خصوص می‌باشد.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۹۰.

۲. بقره، ۱۷۷ ﴿... مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ... وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ... وَالصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا...﴾ و حجرات، ۱۵ و حشر، ۸ برای آگاهی بیشتر رک تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۷۸-۱۸۴.

جالب اینجاست که شخصی از عارف نامدار شیخ رجبعلی خیاط، ذکری برای جلب عنایت امام عصر علیه السلام و ملاقات با او درخواست می‌کند و ایشان گفتن یکصدبار تا چهل شب آیه شریفه «رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ الصَّدَقِ...» را تعلیم نمود.<sup>(۱)</sup> نکته دقیق این دستور العمل «صداقت» است یعنی، هر کس در این مسیر وارد می‌شود، بداند، حرف اول و آخر «صدق و راستی» است و هیچ خواهش نفسانی در کار نباشد.

یک قدم بر خویشتن نه      و آن دگر در کوی دوست

## وفا

فدای همت و مهر و وفای تو عباس

که قد هر الفی پیش قامتت نون شد.<sup>(۲)</sup>

یکی از مسائل حیاتی نظام سیاسی اجتماعی اسلام، عهد و عقد و پیمان و وفای به آن است<sup>(۳)</sup> شهید محراب امیر مؤمنان امام علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست.<sup>(۴)</sup>

---

۱. کیمیای محبت، ص ۲۱۰ و ص ۲۴۵ برخی به این سفارش عمل کرده‌اند و توفیقاتی به دست آورده‌اند. در کتاب کیمیای محبت، دو نمونه ذکر شده است.

۲. مرحوم شهریار

۳. رک بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۸۱ باب لزوم البيعة و کیفیتها و ذم نکثها.

۴. فَأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَانِهِمْ وَ تَشْتَّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ: نهج البلاغة، نامه ۵۳



بنابراین در آخرین سوره‌های که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد<sup>(۱)</sup> به همین جهت همین موقعیت خاص، تاکید روی یک سلسله مفاهیم بنیادی و آخرین برنامه‌های دینی و مساله رهبری امت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. که با مساله لزوم وفا به عقد و میثاق شروع شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾<sup>(۲)</sup>

ای افراد با ایمان به عقدهای خود وفا کنید.

با توجه به اینکه «العقود» به اصطلاح «جمع محلی به الف و لام» است مفید عموم می‌باشد یعنی آیه شریفه، دلیل بر وجوب وفا به تمام عقدها و پیمانها و میثاقهاست. و یک مفهوم کاملاً وسیعی را در بر می‌گیرد که به تمام جنبه‌های زندگی اعم از عقیده و عمل ناظر است، اگرچه فقهاء گرامی از این آیه شریفه، یک قاعده فقهی را استفاده نموده‌اند، ولی به آن معنی نیست که شامل پیمان امام و مأموم نشود، بلکه این آیه مفهوم وسیعی دارد که همه قرارها خصوصاً بیعت با امام زمان علیه السلام را نیز شامل می‌شود.

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله هم در پاسخ به سوال از این آیه شریفه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قرار دادها وفا کنید» می‌فرماید: «مقصود همه پیمان هاست»<sup>(۳)</sup>

هنگامی که هنگامه کربلا را بازخوانی می‌کنیم، در می‌یابیم که واقعاً در

۱. از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که حضرت علی علیه السلام فرمود: «سوره مانده دو ماه یا سه ماه پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید» البرهان، ج ۱، ص ۴۳۰، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۲. مانده - ۱

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۹ ح ۵، میزان الحکمة، ج ۹، ص ۴۱۰۰.

این عالم هستی، هیچ کس با وفاتر از یاران امام حسین علیه السلام نیست<sup>(۱)</sup> زیرا امام حسین علیه السلام از پوشش شب بهره جست و بیعت خویش را از آنان برداشت<sup>(۲)</sup> اما آنها (مسلم بن عوسجه، زهیر، فرزندان مسلم و دیگران) سخن از مروّت و وفا گفتند. در این میان سخنان میر صدق و وفا حضرت ابوالفضل علیه السلام که از لحاظ زمان و کیفیت رتبه ممتاز دارد، همواره بر پیشانی تاریخ می درخشد.

سید بن طاووس در لهوف می گوید: «اولین کسی که به ایراد سخن پرداخت حضرت عباس علیه السلام بود او فرمود: آیا تو را رها کرده و تنها بگذاریم و برویم و بخواهیم که پس از تو زنده بمانیم؟

لَا أَرْنَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا؛ خداوند هرگز چنین چیزی را برای ما نخواهد<sup>(۳)</sup>

وقتی سخنان امیر وفا به پایان رسید، به دنبال آن، یاران امام حسین علیه السلام یک صدا همین سخن را گفتند.<sup>(۴)</sup>

شبی پروانه سوزان، به شمع انجمن گفتا:

چه می شد تا هزاران جان، به قربان تو می کردم

جلوه دیگر از وفای قمر بنی هاشم علیه السلام وفا به عهدی است که با پدر

بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام بسته بود زمانی که امیر مؤمنان حضرت

---

۱. امام حسین علیه السلام فرمود: «لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَ لَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در وصف یاران حسینی می فرماید: «هم سادات الشهداء» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳، امیر مؤمنان هم می فرماید: «لم يسبقهم سابق ولم يلحقهم لاحق؛ هیچ کس از نظر فضیلت از گذشتگان بر آنها پیشی نگرفته است و کسی از آیندگان به مقام رفیع آنها نمی رسد.

۲. امام حسن علیه السلام فرمود: «الا و انی قد اذنت لكم فانطلقوا...» بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۳.

۳. لهوف، ص ۹۱.

۴. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۹؛ ترجمه ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۹۴.

علی علیه السلام در بستر شهادت بود، حضرت عباس علیه السلام را به حضور طلبیده و به سینه چسبانیده و فرمود:

پسرم! به زودی در روز قیامت به وسیله تو چشمم روشن می‌گردد، هرگاه روز عاشورا فرا رسد و بر شریعه وارد شدی، مبادا از آب بنوشی در حالی که برادرت تشنه است.<sup>(۱)</sup>

او نیز با وفای تمام، امان نامه دشمن را نپذیرفت و با لب تشنه، و بدنی قطعه قطعه، جانش را تقدیم امام زمانش علیه السلام نمود. لذا زائر در زیارت به این مقام شهادت و اعتراف نموده و از خداوند متعال این چنین می‌خواهد:

خداوند متعال به شما بهترین، بیشترین، زیادتین و کاملترین پاداشی را عطا کند، از کسانی که وفای به عهد، اجابت دعوت و اطاعت ولی امر را کرده است.<sup>(۲)</sup>

بنده صالح خداوندی      زان شرف داده‌ات خدا عباس

به امام زمان خود بردی      تو وفا را به انتها عباس<sup>(۳)</sup>

عملکرد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در آن زمان، دست مایه برای عمل در تمام زمانهاست با توجه به وفای دلاور دشت کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام و وظیفه شیعیان در این زمان در برابر امام زمان علیه السلام رخ می‌گشاید ما که با امام مهدی علیه السلام عهد بسته‌ایم که جان و مال و خویشان و

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۵۴؛ نقد النزیه، ج ۱، ص ۱۰۰؛ پرچمدار نینوا، ص ۹۸.

۲. فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ... مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَأَطَاعَ وِلَاةَ أَمْرِهِ؛ کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. مرحوم ثابت، علمدار نیامد، ص ۶۲.

همه آنچه که خداوند به ما ارزانی داشته فدایش کنیم و به پایش بریزیم، پس باید مانند عباس علیه السلام باشیم.

در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام می گوئیم:

این عهد و پیمان من به درگاه و نزد شماست که در رکاب شما با بذل جان و مال و فرزندان و خانواده و همه آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده نثار کنم. <sup>(۱)</sup>

### بصیرت

یکی از مقام های شامخ و بی بدیل علمدار دشت کربلا، روشن بینی اوست، که امام جعفر صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید:

كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذُ الْبَصِيرَةِ، صُلْبُ الْإِيمَانِ <sup>(۲)</sup>

عموی ما عباس بصیرتی نافذ و ایمانی شدید داشت

کسی که با چشم سر، می بیند، به او «بصیر» می گویند و کسی که با چشم دل، حقایق امور را مشاهده می کند «بصیرت» دارد. بصیرت به نور دل و فهم قبلی گفته می شود و صاحب بصیرت، با پشتوانه ایمان، هیچگاه مسیر حق را گم نمی کند و کوران حوادث هیچ خللی در اراده و تصمیمش وارد نمی سازد و در میدان نبرد و رزم، با بستن حمایل عارفانه حمایت از امام زمانش می نماید. همان طوری که امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود:

۱. بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ؛ مفاتيح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

۲. سر سلسله العلویه، ص ۸۹، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۸۹؛ سقای معرفت، ص ۵۹

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ<sup>(۱)</sup>

آگاهی و بینایی خویش را بر شمشیرهای خود حمل کردند.

مرحوم طبرسی رحمته الله در این رابطه می‌نویسد:

بصر روشنایی چشم را می‌گویند یعنی آن نوری که به وسیله آن بیننده، دیدنی‌ها را می‌بیند. همان طوری که بصیرت نور قلب را می‌گویند.<sup>(۲)</sup>

و آنچه بسیار مهم است، بصیرت است زیرا کسی که چشم سر ندارد ولی چشم دلش بینا است، در این زمان بسیار واضح حضور امام علیه السلام را حس می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: با امام محمد باقر علیه السلام به مسجد مدینه وارد شدیم، مردم در رفت و آمد بودند، امام علیه السلام به من فرمود: از مردم بپرس آیا مرا می‌بینند؟

از هر کس پرسیدم، آیا ابو جعفر علیه السلام را دیده‌ای؟ می‌گفت: نه، در حالیکه امام علیه السلام در کنار من ایستاده بود. در همین هنگام یکی از دوستان حقیقی آن حضرت، ابوهارون که نابینا بود، به مسجد آمد. امام فرمود: از او بپرس. از ابوهارون پرسیدم: آیا ابو جعفر را دیده‌ای؟ فوراً پاسخ داد. مگر کنار تو نیستاده است؟

۱. نهج البلاغه، خ ۱۵۰، فرهنگ عاشورا، ص ۷۳

۲. أَلْبَصَرُ: نُورُ الْعَيْنِ وَ هُوَ مَا يُبْصِرُ بِهِ الرَّائِي كَمَا أَنَّ الْبَصِيرَةَ نُورُ الْقَلْبِ؛ جوامع الجامع، ج ۱، ص ۷۰ و ۶۰۳؛ در این رابطه آقای باقر فخار در کتاب سقای معرفت، ص ۵۹-۱۱۷ بحث بسیار زیبایی را آورده است.

۱۲۰..... قهرمانان کربلا و امام زمان

گفتم: از کجا و چگونه متوجه شدی؟ گفت: چگونه ندانم، در حالی که او علیه السلام نور درخشنده‌ای است. (۱)

امانکته دقیق و لطیف در فرمایش صادق آل محمد علیهم السلام درباره بصیرت قمر بنی هاشم علیه السلام عنصر «نفوذ» است. حضرت عباس علیه السلام «نافذ البصيرة» بود. لذا لازم است مفهوم نافذ البصيرة بودن را در لغت در یابیم. محقق توانا آقای مصطفوی درباره «بصیر» می‌نویسد.

بصیر به کسی می‌گویند که دارای فکر و علم باشد. (۲)

و در باره «نفوذ» می‌نویسد:

نفوذ، یک ریشه اصل دارد و معنایش وارد شدن دقیق در

امور مادی یا معنوی را می‌گویند. (۳)

بنابراین بصیرت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در همه امور دقیق و نافذ بود. او ملکوت همه عالم را مشاهده می‌کرد. سید عبدالرزاق موسوی مفرم در این خصوص می‌نویسد:

«قمر منیر بنی هاشم علیه السلام با قابلیت ذاتی و کسبی خود به عالی‌ترین مقام بصیرت در دین و یقین در شناخت راه یافت و همه معارف عالیة دینی و اخلاقی را با تیزبینی و ژرف‌نگری خاصی بیاموخت. او مسائل را از پشت پرده تماشا نمی‌کرد، بلکه دیدگان نافذ او پرده‌ها را می‌شکافت و به اعماق

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۳.

۲. البصیر من له البصارة أئی النظر والعلم؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. إن الأصل الواحد فی المادة هو: الورود الدقیق علی شیء فی مادی أو معقول؛ همان، ج ۱۲، ص ۱۹۲.

حقایق راه می‌یافت و واقع را آنچنانکه هست می‌دید، از این رو در راه هیچ چیز فداکاری نمی‌کرد جز با علم ثابت و یقین استوار و ایمان که هیچ‌شکی با آن نیامیخته بود.»<sup>(۱)</sup>

و در زیارت ایشان عرضه می‌داریم:

وَإِنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ<sup>(۲)</sup>؛

به درستی که تو ای ابوالفضل، عمرت را سپری کردی در حالی

که دارای مقام بصیرت بودی و اقتدا به صالحین نمودی.

بصیرت داشتن مأموم امری ضروری و مهم است اگر شخصی بصیرت نداشته باشد، از امام زمانش به فاصله مشرق تا مغرب دور می‌شود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

عامل بی بصیرت مانند رونده‌ای است که در مسیر گام بر

نمی‌دارد مگر آنکه هر چه بیشتر راه رود از مسیر حق دورتر

می‌شود.<sup>(۳)</sup>

بنابراین عاشقان اهل بیت علیهم السلام همواره باید زمزمه نمایند که:

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي<sup>(۴)</sup>

خدایا! از تو می‌خواهم نور در دیدگانم و بصیرت در دینم ارزانیم

فرمایی

۱. سردار کربلا، ص ۱۷۳.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۳. الغامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر طریق فلا تزيده سرعة السير من الطريق الأبعدا؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۱ ح ۵۸۶۴.

۴. مصباح المتعجد، ص ۱۰۵.

هر کس صاحب بصیرت باشد، دنیا را زودگذر و شهوات و شبهات دنیای فانی، او را به ورطه سقوط نمی کشاند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره آثار بصیرت می فرمایند:

همانا زندگی دنیا منتهای کور دلان است، که غیر از آن چیزی را نمی بینند و انسان بی‌نا دل، دید او از دنیا فراتر می رود و می داند که سرای جاوید در ورای این دنیا است، بنابراین انسان که عقل و قلبش نورانی شده و به مقام بصیرت رسیده از دنیا می گذرد و انسان کور دل به سوی دنیا روی می آورد، شخص بصیر از دنیا توشه برای آخرت بر می دارد و انسان کور دل توشه برای دنیا جمع می کند.<sup>(۱)</sup>

یکی از راههای به دست آوردن بصیرت پیوند با امام عصر علیه السلام است، هر کس می تواند در پرتو امام علیه السلام به مقام «نافذ البصيرة» بار یابد. زیرا ائمه معصومین علیهم السلام به هر کس که لیاقت داشته باشد، بصیرت عطا می کنند. نمونه زیر گویای این حقیقت است:

امام حسن عسکری علیه السلام را نزد علی بن نرмыш که دشمن ترین مردم به اولاد ابی طالب بود. زندان کردند و به او گفتند: بر او علیه السلام هر چه می خواهی سخت بگیر. حضرت علیه السلام بیش از یک روز، نزد او نبود، که احترام و بزرگداشت آن حضرت در نظر او به جایی

۱. إِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَّهِنٌ بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَائِهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيرُ يَنْقُذُهَا بَصَرُهُ، وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَائِهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاحِضٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاحِضٌ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتْرَوِّدٌ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتْرَوِّدٌ؛ نهج البلاغه، خ ۱۳۳.



رسید که در برابر او چهره بر خاک می‌گذاشت و دیده از زمین بر نمی‌داشت، حضرت علیه السلام از نزد او خارج شد، در حالی که بصیرت او به آن حضرت از همه بیشتر و ستایش‌اش از همه نیکوتر بود. (۱)

### یاری و سرسپردگی

مکتب تو مکتب عشق و وفاست

درس القبای تو صدق و صفاست

مکتب جانبازی و سربازی

بی سری آنگاه سرافرازی است (۲)

نصرت، یاری و سرسپردگی عباس علیه السلام نسبت به امام زمانش علیه السلام بهترین الگو و اسوه برای عمل به روایاتی است که انسان‌ها سفارش و توصیه به آن [یاری اهل بیت علیهم السلام] شده‌اند.

در روایات زیادی، فضائلی برای نصرت و یاری دهندگان «امامان نور» بیان شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

همانا مثل تو مثل سوره «قل هو الله احد» می‌باشد، هر کس یک مرتبه آن را بخواند، مانند آن است که یک سوم قرآن را خوانده است و هر کس دو مرتبه بخواند، مانند آن است که دو سوم قرآن را خوانده است و هر کس سه مرتبه آن را بخواند

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۳۹، زندگی امام یازدهم علیه السلام، ح ۸

۲. ریاضی، علمدار نیامد، ص ۸۳

مانند آن است که تمام قرآن را خوانده باشد.

همچنین هر کس محبت تو را در دل داشته باشد، برای او مانند پاداش یک سوم اعمال همه بندگان است و هر کس در دل تو را دوست داشته باشد و به زبانش تو را یاری کند، از برای او مانند پاداش دو سوم اعمال بندگان است و هر کس محبت تو را در دل داشته و به زبان و دست تو را یاری کند، از برای او مانند پاداش همه اعمال بندگان است.<sup>(۱)</sup>

امام حسن مجتبی علیه السلام هم می فرمایند:

هر کس محبت ما را در دل داشته و با دست و زبانش ما را یاری کند، در غرفه های بهشتی با ما خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

در طول تاریخ، افرادی عارفانه و عاشقانه در این مسیر گام برداشتند که یک نمونه آن «هشام» است هنگامی که هشام بن حکم به مجلس امام صادق علیه السلام داخل شد، و در مجلس بزرگان اصحاب حاضر بودند، او جوانی کم سن و سال بود که ریش او تازه روئیده بود، آن حضرت، هشام را احترام و تجلیل نمود و او را در کنار خود و بالاتر از بقیه نشانید، در حالی که دیگران از او مسن تر بودند، وقتی بر اصحاب گران آمد، امام صادق علیه السلام فرمود:

او با قلب و زبان و دستش یاری کننده ماست.<sup>(۳)</sup>

۱. محاسن، ج ۲، ص ۲۵۱، ح ۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۴، ح ۵۴.

۲. مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْعُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا...؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۶.

۳. هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛ همان، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

چنانچه کسی توفیق خدمت و یاری اهل البیت علیهم‌السلام را داشته باشد، بداند توفیق بزرگی نصیبش شده و در دنیا و آخرت سعادت‌مند است. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«نَاصِرُنَا وَ مُحِبِّينَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ»<sup>(۱)</sup> کسی که ما را دوست داشته و یاریمان کند، مشمول رحمت الهی است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم می‌فرمایند:

اعلی درجات بهشت مخصوص کسانی است که ما را در دل دوست داشته و با دست و زبانشان ما را یاری کنند.<sup>(۲)</sup>

چنانچه کسی برای یافتن این وظیفه، به دنبال الگو می‌باشد، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام والاترین اسوه می‌باشد. قمر بنی‌هاشم علیهم‌السلام پس از شهادت سرور اولیاء حضرت علی علیه‌السلام، بر حسب عمل به وظیفه، از جان و دل همواره مطیع و فرمانبردار برادر بزرگوارش؛ امام حسن مجتبی علیه‌السلام بود. او در بارگاه امام زمانش علیه‌السلام مقام سپهسالاری داشت و همواره با شمشیر برهنه در رکاب برادر ملتزم بود.<sup>(۳)</sup> و کوچک‌ترین مخالفتی از او نسبت به امام حسن علیه‌السلام دیده نشد.<sup>(۴)</sup>

لذا در آغاز زیارت نامه‌اش، از زبان امام صادق علیه‌السلام عرضه می‌داریم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

۱. نهج البلاغه، ح ۱۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۳.

۳. سفای کربلا، ص ۲۴.

۴. پرچمدار نینوا، ص ۱۰۱.

وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ...

سلام بر تو ای بنده صالح و مطیع خدا و رسولش و پیرو

امیر مؤمنان و حسن و حسین علیهما السلام

یکی از جلوه‌های بارز، سرسپردگی حضرت عباس علیه السلام به هنگام تیرباران پیکر مطهر امام حسن مجتبی علیه السلام بود. وقتی آن وضع دلخراش را دید، غیرتش به جوش آمد، شمشیر را برای سیراب کردن از خون ناپاکان به دست گرفت، اما با اشاره امام حسین علیه السلام آتش خشمش فرو نشست.<sup>(۱)</sup>

با سرزدن سپیده قیام امام حسین علیه السلام اوج سرسپردگی و نصرت و یاری شکوفا می‌شود. این نصرت آنچنان عاشقانه و عارفانه است که امام حسین علیه السلام با حدود بیست و سه سال بزرگتری به او می‌فرماید: «بنفسی انت»؛ فدایت شوم.

مدح تو این بس که شه‌مُلک جان      شاه شهیدان و امام زمان  
گفت به تو گوهر والا نژاد      جان برادر به فدای تو باد<sup>(۲)</sup>

او آنچنان در خدمت امام عصرش بود که با رفتنش امام فرمود:

الآن انكسر ظهري وقلت حيلتي<sup>(۳)</sup> اکنون پشتم شکست و چاره‌ام کم شد.  
این فرمایش سالار شهیدان علیه السلام به جهت آنکه برادری را از دست می‌دهد، نیست، زیرا این جمله در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و سایر برادران حضرت ابوالفضل علیه السلام که قبل از او به شهادت رسیده بودند، از امام

۱. سردار کربلا، ص ۲۸۰.

۲. ریاضی، علمدار نیامد، ص ۸۷.

۳. نفس المهموم، ص ۱۷۹.

حسین علیه السلام شنیده نشد. پس چرا امام حسین علیه السلام با شهادت حضرت عباس علیه السلام این جمله را فرمود؟

یکی از القاب نورانی حضرت عباس «ظَهْرُ الْوَلَايَةِ» است. او پشتیبان امام حسین علیه السلام بود لذا هر گاه امام و صاحب ولایتی، یار با وفا و پشتیبان خود را از دست بدهد، این گونه می‌باشد.

هر کس در یاری امام زمانش بکوشد، رفتن او بر امام زمانش سخت و گران است؛ هنگامی که امام علی علیه السلام در جنگ صفین بالای نعش «عمار بن یاسر» رسید، سر او را به دامن گرفت و فرمود:

انا لله و انا اليه راجعون، هر کس از فوت عمار محزون و دل‌تنگ نشود، او را از مسلمانی نصیب نیست....<sup>(۱)</sup>

امام حسین علیه السلام هم پس از شهادت علمدار دشت کربلا در میان حرم با گریه این اشعار را بیان فرمود:

أخي يا نور عيني يا شقيقِي      فلي قد كنت كالرُكنِ الوثيقِ

ای برادر! ای نور چشم من، ای پاره قلب من، تو برای من چون پایه استوار بودی.

أيا قمرأ مُنيراً كنت عوني      على كلِّ النوائِبِ في المضيقِ<sup>(۲)</sup>

ای ماه تابان من! تو در همه مشکلات و تنگناها یاور من بودی.

فبغذك لأطيبُ لنا حياةً      سنجتمعُ في العذاةِ على الحقيقِ

۱. مهیج الاحزان، ص ۱۸۴؛ سقای کربلا، ص ۳۶.

۲. معالم السبطین، ج ۱، ص ۴۴۱؛ پرچمدار نینوا، ص ۱۹۱؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۸۵.

بعد از تو زندگی برای ما گوارا نیست و به زودی با هم در پیشگاه خدا ملاقات می‌کنیم.

مگر امام زمان حضرت مهدی علیه السلام با رفتن شیخ مفید رحمته الله اظهار تأثر فرمود؟! عالم شهید، مرحوم قاضی نورالله شوشتری و علمای دیگر هم در کتاب‌های خود آورده‌اند که این ابیات در عزای شیخ مفید رحمته الله مشهور و منسوب به حضرت صاحب الامر علیه السلام می‌باشد، که در مرثیه آن عالم بزرگوار بیان فرموده و مردم این اشعار را بر قبر شیخ مفید رحمته الله دیدند.

لأصوت الناعي بِفقدِكَ إنّه  
يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٍ

مبادا آنکه ناعی (کسی که خبر ناگوار می‌آورد) فقدان تو را خبر دهد، زیرا روز مرگ تو بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله روزی بس بزرگ و سنگین است.

إِنْ كُنْتَ قَدْ غُيِّبْتَ فِي جَدَثِ الثَّرَى  
فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فَيْكَ مَقِيمٌ

اگر تو (ای شیخ مفید) در میان خاک پنهان شدی، پس علم و توحید در وجودت اقامت گزیده است.

وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا  
تُلِّيتَ عَلَيْكَ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومٌ

هرگاه از انواع علوم تدریس می‌کردی (یا شاگردان درس پس می‌دادند)، مهدی قائم علیه السلام شادمان و خوشحال می‌شد. <sup>(۱)</sup>

آنچه در سیره حضرت ابوالفضل علیه السلام در خدمت به امام عصرش، تجلی دارد، رغبت و اشتیاق او به این امر است، <sup>(۲)</sup> لذا در زیارت او بعد از آنکه

۱. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۷۷؛ نجم ثاقب، ص ۵۷۳؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۷؛ میر مهر، ص ۱۱۳.

۲. شوق و اشتیاق به یاری امام حسین علیه السلام در وجود نازنین حضرت عباس علیه السلام آنقدر زیاد است،

اعتراف به نیکو بودن نصرت و حمایت او داریم، عرضه می‌داریم:

الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ<sup>(۱)</sup>

شما مشتاقانه به چیزی (یاری امام عصر) شتافتی که دیگران از آن رو برگردانده بودند.

این یاری آن گونه بوده است که محدث جلیل حاج ملاعلی تبریزی از یکی از علمای عرب نقل می‌کند. که چون این مصرع را گفت:

«يَوْمَ اسْتَجَارَ بِهِ الْهُدَى» یعنی روز عاشورا روزی بود که سیدالشهدا به برادرش عباس پناه برد.

خجالت کشید و حیا کرد. زیرا شاید این مصرع مقبول حضرت سیدالشهداء علیه السلام نباشد، لذا مصرع دیگر را نگفت. در عالم رؤیا، امام حسین علیه السلام به او فرمود: آنچه گفتم صحیح است. من پناه به برادرم بردم، و مصرع دوم را حضرت این چنین بیان فرمود:

«وَالشَّمْسُ مِنْ كَدْرِ الْعِجَاجِ لِثَامُهَا» یعنی آن وقت که من پناه بردم، خورشید را پرده‌ای از گرد و غبار پوشانده بود.<sup>(۲)</sup>

اما شاید سؤال شود که ما چگونه می‌توانیم به امام زمانمان خدمت کنیم؟ چگونه می‌توان او را نصرت داد؟

---

که در مکاشفه‌ای که برای آیت الله سیدمحمدحسن نجفی معروف به آقانجفی قوچانی رُخ داد، پرده از این رمز و راز بر می‌دارد. ایشان روزی طنین صدای ساعت حرم امام حسین علیه السلام را با گوش جان می‌شنود که ندای «هل من ناصر» دارد و ساعت حرم حضرت عباس علیه السلام هم در جواب می‌گوید: لیک، لیک رک سیاحت شرق، ص ۴۱۶.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. خصائص العباسية، ص ۲۶۳؛ منتخب التواریخ، ص ۲۴۹؛ چهره درخشان قمر بنی هاشم، ص ۱۴۸؛ سقای کربلا، ص ۲۶.

۱۳۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

یاری کردم امام مهدی علیه السلام بر حسب زمانها و مکانها و انسانها متفاوت است؛ دعا کردن، نشر فضائل و... از جمله موارد یاری یوسف زهر علیه السلام است. هر کس بنا بر موقعیت شغلش می تواند برای یاری امام مهدی علیه السلام تلاش کند، و دیگران را با یاد و نام حضرت علیه السلام آشنا و شیفته سازد، و همگان همراه او شوند. (۱)

فقط همین را بدانیم امام صادق علیه السلام طالب خدمت به امام مهدی علیه السلام است زیرا از ایشان پرسیدند: آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟ فرمودند: نه  
وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدِمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي (۲)

اگر من او را درک کنم، تمام عمرم را در خدمت به او سپری می کنم.

وقتی امام معصوم، صادق آل محمد صلی الله علیه و آله، حاضر هستند، تمام عمر گرانبهای خویش را در راه امام مهدی علیه السلام بگذرانند، ما چگونه باید باشیم؟ امروز که ما توفیق درک دوران او را داریم، بسیار لازم و شایسته است کمر به خدمت آستان او ببندیم و جانانه تلاش نماییم. (۳)

---

۱. برای اطلاع بیشتر از چگونگی یاری کردن امام زمان علیه السلام رک شیوه های یاری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی، قم، انتشارات عطر عترة.  
۲. غیبت نعمانی، ص ۲۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۴۸.  
۳. هر کس برای امام مهدی علیه السلام تلاش کرده و اسم خود را در دفتر نوکران او علیه السلام ثبت نماید، شرافت بزرگی نصیبش شده است. صاحب مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۲۰، هشت وجه برای برتری اصحاب و یاران امام مهدی علیه السلام بیان نموده است.



## معیت

یکی دیگر از جلوه‌های بارز همراهی با امام زمان علیه السلام در حرکت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. تمام شهدای کربلا با اجازه امام حسین علیه السلام تنها به میدان مبارزه رفتند. اما در این میان تنها کسی که با خود امام حسین علیه السلام به میدان نبرد رفت، حضرت عباس علیه السلام است؛ یعنی هر دو با هم به قلب سپاه دشمن زدند، و آنها را روانه دوزخ نمودند.

تا زمانی که اصحاب و بنی‌هاشم زنده بودند، امام حسین علیه السلام هیچگاه اجازه میدان رفتن به حضرت ابوالفضل علیه السلام نداد، فقط به هنگام ضرورت در بعضی موارد، قمر بنی‌هاشم علیه السلام برای نجات اصحاب یا بنی‌هاشم وارد معرکه شد و هنگامی که امام حسین علیه السلام تنها ماند، تنها عباس در کنار او دیده می‌شود. صاحب معالم السبطین از مقاتل الطالبین این گونه نقل می‌کند. تنها عباس بن علی علیه السلام در کنار امام حسین علیه السلام ایستاده و می‌جنگید، و هر طرف امام حسین علیه السلام می‌رفت، او نیز می‌شتافت تا اینکه شربت شهادت نوشید. (۱)

مرحوم محدث قمی رحمته الله از کتاب احتجاج مرحوم طبرسی رحمته الله نقل می‌کند: در هنگامی که حضرت عباس علیه السلام همراه با برادر می‌جنگید، تیری به پیشانی حضرت سیدالشهداء علیه السلام اصابت کرد که ابوالفضل علیه السلام با سرعت آمدند و تیر را از پیشانی امام علیه السلام خارج کردند. (۲)

۱. بقی العباس بن علی علیه السلام قائماً إماماً الحسین علیه السلام يُقاتل دونه و یمیل معه حیث مال حتی قُتل علیه السلام؛

معالم السبطین، ج ۱، ص ۴۳۲.

۲. نفس المهموم، ص ۱۵۶.

لذا امام صادق علیه السلام در زیارت او می فرماید: **وَجَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام** <sup>(۱)</sup>؛  
و همراه با امام حسین علیه السلام جنگ نمودی.

این همراهی و معیت به اندازه‌ای موجب سنخیت شده که ایشان تالی  
تلو معصوم می شوند و با کشتن او، حرمت اسلام از بین می رود. همان  
طوری که در زیارت او عرضه می داریم:

خدا لعنت کند، کسانی که حرامهای الهی را در حق تو حلال  
شمردند و با کشتن تو، حرمت و هیبت دین اسلام را پایمال  
کردند. <sup>(۲)</sup>

چنانچه ما معتقدیم همه زمینها کربلا و همه روزها عاشورا است، باید  
مانند حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام باشیم. او امام زمانش علیه السلام را چگونه  
همراهی و یاری کرد؟

از زمین است نوحه تا سپهر	از سپهر است ناله تا به زمین
بر همه اهل ارض در همه روز	این ندا داده جبرئیل امین
کل یوم کیوم عاشورا	کربلا کل عرصة الغبراء <sup>(۳)</sup>

امروز، هر کس باید خودش را با مقام ولایت، بسنجد، چه مقدار  
کارهایش مورد رضایت امام زمان علیه السلام است؟ آیا این کارها، موجب  
«معیت» و همراهی است؟

۱. کامل الزیارة، ص ۲۰۸، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اِسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَ اِسْتَهَكَتْ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْاِسْلَامِ؛ همان و زیارت روز  
عرفه.

۳. دیوان فرصت، (فرصة الدولة) شیرازی، مقدمه و تصحیح علی زرین قلم، کتابفروشی سیروس،  
تهران، ۱۳۳۷ ه.ش، ص ۴۴۶.

## خیرخواهی

خیرخواستن برای هر بنده‌ای ثواب و اجر فراوانی دارد، و اگر انسان خیرخواه اعظم و اشرف مخلوقات و کامل‌ترین انسان و قطب عالم امکان باشد، ثواب و ارزش بی حد و حصر نصیبش می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عزوجل به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته، نظر نمی‌افکند، مگر اینکه او در رفیق‌اعلی [جایگاه پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحین] با ما باشد. <sup>(۱)</sup>

امام صادق علیه السلام هم فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: سه چیز است که قلب هیچ فرد مسلمانی در آنها خیانت نکند: اخلاص عمل برای خدا و نصیحت و خیراندیشی برای امامان و پیشوایان مسلمین و ملازمت جماعت آنها. <sup>(۲)</sup>

لذا سفیان ثوری به خدمت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله شتافت در حالی که امام سوار بر مرکب بود. سفیان عرضه داشت: خطبه پیامبر در مسجد خیف را بر ایمان بازگو فرما. امام فرمود: چون سوار بر مرکب هستم، بگذار دنبال کارم بروم، بعد از مراجعت برایت می‌گویم.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۲. «... ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْنَهُنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَاللِّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ...»؛ همان، ص ۴۰۳.

قمر بنی‌هاشم علیه السلام واقعاً به تمام معنی، خیرخواه امام زمانش علیه السلام بود. لذا در زیارتش عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَيْتُ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ؛<sup>(۱)</sup>

و گواهی می‌دهم که شما نهایت کوشش را در خیرخواهی انجام داده و کوشا بودید.

و در قسمت بعدی زیارت عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَتَّكُلْ؛<sup>(۲)</sup> شهادت می‌دهم که تو هیچ

سستی و کوتاهی نکردی.

و در زیارت ایشان در روز عرفه نیز عرضه می‌داریم:

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ؛ گواهی می‌دهم که شما

ناصر و خیرخواه برای خدا و رسول خدا و برادرت بودی.

صاحب مکیال‌المکارم با بیان اینکه، خیرخواهی برای امام زمان علیه السلام

یکی از وظایف منتظران است.<sup>(۳)</sup> می‌نویسد: «بدان که نصیحت‌گر نسبت به

امام زمانش علیه السلام کسی است که وضع خود را مراقب باشد و بر کارهایش

مواظبت نماید، به طوری که افعال و نیت‌هایش که راجع به امام زمانش

است، از هر چه مایه نارضایتی و هتک احترام امامش هست برکنار و

خالص باشد و همه جا رعایت کند که خیر مولایش چیست...»<sup>(۴)</sup>

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۰۹؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۲. همان.

۳. مکیال‌المکارم، ج ۲، ص ۳۶۶.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۷۲.

## ایثار

یکی از واژه‌های ناب اسلامی که در کربلا بسیار واضح و خوب معنی و تفسیر شد، واژه «ایثار» است. رجوع به لغت نامه‌ها برای فهم معانی گلوژه‌های اسلامی یا انسانی، راه بسیار دور و طولانی بوده و می‌باشد. فداکاری، مقدم داشتن، فدا کردن همه چیز حتی جان، در صحرای کربلا موج می‌زند. آن سه روزی که در کربلا، آب کمیاب و سهمیه بندی شده بود، سه تن؛ امام، زینب، عباس علیهم‌السلام حتی از سهمیه خویش استفاده ننموده و به کودکان تشنه لب بخشیدند. (۱)

یاران امام حسین علیه‌السلام در شب عاشورا با آن که بیعت از آنها برداشته شده بود. اعلام ایثار و فداکاری کردند. و در این میان، اولین سرداری که سکوت شب را شکسته و اعلامش را علنی نمود، پهلوان علقمه؛ حضرت عباس علیه‌السلام است. (۲)

دغدغه تنهایی امام به هنگام جان دادن، سبقت بر بنی‌هاشم برای رفتن به میدان جنگ، سفارش به دیگران در یاری امام (۳) جان را سپر تیر دشمن کردن برای اقامه نماز، همه و همه تجلی ایثار و گذشت است. اما قله این ایثار، فداکاری و گذشت سقای دشت کربلاست؛ وقتی با لبان تشنه و جان خسته وارد بر شریعه فرات شد و آب را تا مقابل لبان خشکیده آورد، به یاد

۱. پیشوای شهیدان، سید رضا صدر، ص ۳۲۲.

۲. موسوعة الکلمات الحسین علیه‌السلام، ص ۱۰۰.

۳. مسلم بن عوسجه وقتی بر زمین افتاد، به حبیب ابن مظاهر وصیت می‌کند که تا زنده است مبادا دست از یاری امام حسین بردارد. و جانش را فدای او کند. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۰.

لب‌های تشنه امام زمانش و جگر تفتیده اهل بیت علیهم‌السلام او نه تنها آب را نمی‌نوشد، بلکه به نفسش نهیب می‌زند، که آیا آب بنوشی، در حالی که حسین علیه‌السلام تشنه است. (۱)

آب شرمنده‌ایثار علمدار توشد

که چرا تشنه از او این همه بی‌تاب گذشت (۲)

لذا در زیارت ناحیه مقدسه، امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ  
الْإِخْذِ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ، الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةَ  
يَدَاهُ... (۳)

سلام بر ابوالفضل العباس پسر امیرمؤمنان، آنکه با کمال مواسات و ایثار و برادری، جانش را نثار برادرش حسین کرد، آنکه دنیا را وسیله آخرت قرار داد، آنکه خود را فداکارانه فدای برادر نمود، آنکه نگهبان دین و سپاه حسین بود، آنکه تلاش بسیار برای آب رسانی به سوی لب تشنگان نمود، آنکه دو دستش در راه خدا قطع شد.

در کفم آب، ولی بی تو ننوشم هرگز تا در آئین وفا کس نبرد ابهامی (۴)  
این ایثار قمر بنی هاشم، رهیافت عظیمی برای یاری رساندن به امام

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۱.

۲. نصرالله مردانی.

۳. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

۴. سید علی شجاعی، علمدار نیامد، ص ۶۹.

عصر علیه السلام است. همان طوری که رشحات این گذشت را عاشقان امام زمان علیه السلام در پگاه هر جمعه زمزمه می کنند:

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلُوِي... (۱)

بر من سخت است که بلا فقط شما را احاطه کند.

این فرازها اگر صادقانه گفته شود پیوند عمیقی با صاحب الامر علیه السلام برقرار می شود، و موجب کسب مقامات معنوی مانند «سلمان» می شود.

آیا می دانید! چرا سلمان فارسی به مقام «سلمان محمدی» و «منا اهل البيت» رسید؟ امام صادق علیه السلام یکی از علت های آن را ایثار سلمان نسبت به ولی زمانش بیان می فرماید: منصور برزج (۲) به امام صادق علیه السلام عرضه می دارد. ای سرور من! چرا از شما یاد سلمان فارسی زیاد شنیده می شود؟ حضرت فرمود: مگو سلمان فارسی، بلکه بگو: «سلمان محمدی» آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟ منصور برزج عرضه داشت: خیر.

حضرت فرمود: برای سه خصلت: یک مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام برخواسته خویش. دوم: دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت. و سوم: دوست داشتن علم و علماء. همانا سلمان بنده صالح درستکار بود. (۳)

بر همین اساس صاحب مکیال المکارم یکی از وظایف مؤمنین و مؤمنات را در عصر غیبت، مقدم داشتن خواسته امام زمان علیه السلام برخواسته

۱. دعای ندبه.

۲. او منصور بن یونس است و «برزج» معرب است.

۳. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

خود بیان می‌کند و می‌نویسد: «در هر امری که بر تو وارد شد و می‌خواهی در آن اقدام کنی، فکر کن که آیا موافق رضا یا غضب حضرت است. پس اگر موافق رضایت آن جناب بود، آن را انجام بده و اقدام نما، و اگر مخالف رضایت او بود، آن را رها کن و با هوای نفس‌ات مخالفت کن...»<sup>(۱)</sup>

بنابراین باید مانند حضرت عباس علیه السلام بود. و مثل او یار امام علیه السلام بود اما به راستی او کیست؟ و چگونه زیست؟

عباس، یعنی عشق و ایثار و شهامت

یعنی نمود بارزی از استقامت

عباس، یعنی مرگ را باور نکردن

یک لحظه در ناباوری‌ها سر نکردن

یعنی عروج عشق تا آن سوی ادراک

یعنی گذشتن از لب دریا، عطشناک

یعنی تمام عاشقی پا در رکاب است

در سینه سالار مردان انقلاب است

تنها تو فهمیدی صدای تشنگی را

بر آب دیدی جای پای تشنگی را<sup>(۲)</sup>

و چه زیبا سروده است:

عباس یعنی تا شهادت یکه تازی

عباس یعنی عشق یعنی پاکبازی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳۷، وظیفه ۶۶

۲. قاسم مرام، کاروانی از شعرهای عاشورایی در هفت منزل، ص ۸۲



۱۴۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

عباس یعنی با شهیدان همناواری

عباس یعنی یک نیستان تکنوازی

عباس یعنی رنگ سرخ پرچم عشق

یعنی مسیر پر پیچ و خم عشق

جوشیدن بحر وفا معنای عباس

لب تشنه رفتن تا خدا معنای عباس

عباس یعنی یک نیستان تکنوازی

هفتاد و دو آهنگ حق را همناواری<sup>(۱)</sup>

## ادب و خضوع

اسوه ادب و پارسایی، قمر بنی هاشم علیه السلام در برابر امام زمانش علیه السلام چگونه بود؟ کمتر کسی است که نشنیده باشد، عباس علیه السلام همواره برادرش را با لفظ «مولای» و واژه «سیدی» خطاب می کرد. آیا این مسئله رهیافتی برای این عصر و تمام نسلها نیست؟

یکی از وظایف منتظران، رعایت ادب نسبت به حجت خدا؛ حضرت ولی عصر روحی فداه می باشد<sup>(۲)</sup> و همواره باید حضرت علیه السلام با القاب شریف و اسماء مقدس یاد نمود. حتی قیام به هنگام شنیدن لفظ شریف «القائم» جلوه‌ای از این واقعیت می باشد.

روزی در مجلس ششمین پیشوای حق امام جعفر صادق علیه السلام از امام

۱. خلیل شفیعی، علمدار نیامد، ص ۹۴.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۸.

زمان علیه السلام یاد شد. امام صادق علیه السلام به منظور تعظیم و احترام نسبت به اسم آن حضرت به پا ایستاد. (۱)

اما خضوع و خشوع حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام هم در برابر مولایش قابل دقت و الگو می‌باشد تاریخ گواه آن است که حضرت عباس علیه السلام هیچگاه بدون اجازه در کنار امام حسین علیه السلام نمی‌نشست و آنگاه که امام علیه السلام اجازه نشستن می‌داد، مانند عبد خاضع دو زانو در برابر مولایش می‌نشست. (۲)

بنابراین باید همانند او با قلبی خاضع و بدنی خاشع در خدمت ولی زمان علیه السلام بود. زیرا یکی از وظایف منتظران خشوع در برابر امام علیه السلام است. (۳) و در دعایی که از امام صادق علیه السلام در اعمال روز جمعه، شرف صدور یافته است، عرضه می‌داریم:

پروردگارا! من به درگاہت با دلی خاضع و به سوی ولیت با بدنی فروتن و به امامان هدایت کننده با قلبی متواضع تقرب می‌جویم. (۴)

خضوع، خشوع و فروتنی در برابر امام علیه السلام یعنی به کار بستن تمام وجود در جهت خدمت به مولی، در حالیکه به کوچکی خود اقرار کند. آیا تا به حال یک نوکر را در برابر ارباب دیده‌اید؟ هر کس باید در برابر امام زمانش اینگونه باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۲. خطیب کعبه، ص ۶۶.

۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ وَإِلَى وَوَلِيكَ بِبَدَنٍ خَاشِعٍ وَإِلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِفُؤَادٍ مُتَوَاضِعٍ...؛ جمال الاسبوع، ص ۲۰۳.

## صبر

شکیبایی، سنتی از سیره معصومین است<sup>(۱)</sup> و قهرمان علمقه فرزند شکیبایی و صبر است. او شاهد خانه‌نشینی پدر، جنگ برادر، تیرباران شدن پیکر برادر، و شهادت یاران برادر است. صبر او رهیافتی برای این دوران است زیرا واژه صبر را برای ما بسیار خوب تفسیر کرد و این واژه را شرمنده خویش نمود. لذا در زیارتش عرضه می‌داریم:

فَنِعْمَ الْآخُ الصَّابِرُ الْمَجَاهِدُ<sup>(۲)</sup>

شما برادری نیکو و با صبر و شکیبا و مجاهد بودی.

صبرش آن قدر گرامی است که هر زائری، خواهان برترین خیرها در برابر صبر و تحمل او می‌شود.

أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْتَتَ<sup>(۳)</sup>

پاداش را خداوند متعال، به واسطه صبر و خیرخواهی و کمکی که انجام دادی، به شما ارزانی دارد.

ما نیز باید صبور باشیم. زیرا در این عصر، منتظران، شاهد ناملایمات فراوانی هستند. و اهل باطل چه بسا آسوده و راحت هستند.

صبر در برابر سختی‌ها و محنت‌های غیبت و تسلیم بودن در برابر امر پروردگاری یکی از مهم‌ترین وظایف این زمان می‌باشد. صاحب مکیال المکارم در این رابطه چهار وظیفه را یادآور می‌شوند:

۱. امام صادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۲۳۰.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام در عید فطر و قربان.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام.

۱. درخواست صبر از خداوند متعال
  ۲. صبر کردن بر اذیت و تکذیب و سایر محنتها
  ۳. سفارش یکدیگر به صبر
  ۴. تسلیم بودن و عجله نکردن<sup>(۱)</sup>
- این چهار وظیفه پشتوانه روایی دارد. و احادیث فراوانی بر این مطالب دلالت دارد؛ عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: در محضر امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم، به من خبر ده، امری که منتظر آن هستم چه وقت خواهد بود؟ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

ای مهزم! وقت گذران دروغ می‌گویند و عجله کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند.<sup>(۲)</sup>

صاحب مکیال المکارم صبر در این ایام را به چند گونه بیان می‌کند:

۱. صبر بر بلاهایی که وارد می‌شود.
  ۲. صبر در برابر مطالب و مسائلی که مخالفین گفته و یا انجام می‌دهند.
  ۳. صبر بر طول غیبت به اینکه شتابزدگی امری ناپسند است و باعث تردید و قساوت قلب به ساحت مقدس ولی عصر علیه السلام می‌شود.
- بنابراین صبر کردن و عجله نکردن ناشیانه و سفارش دیگران به صبر در دوران غیبت بسیار ضروری است. که الگو و اسوه این مقام، علمدار نینوا،

۱. مکیال المکارم، ص ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۱۷، ۲۸۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، برای اطلاع از این مجموعه روایات به مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۴ به بعد رجوع کنید.

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می باشد. و بهترین برنامه مدوّن هم سوره والعصر است. چنانچه کسی به این مهمّ بار یافت، در دنیا و آخرت سعادت مند است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس منتظر امر ما باشد و بر آنچه از اذیت و ترس می بینند صبر کند، فردا [قیامت] در گروه ما خواهد بود...<sup>(۱)</sup> و پاداش پنجاه صدیق از تصدّیق کنندگان پیامبر را به او خواهند داد.<sup>(۲)</sup>

## سقا

خداوند متعال خنک کردن جگرهای تشنه را دوست می دارد<sup>(۳)</sup> لذا این عمل نزد پروردگار ارزشمند<sup>(۴)</sup> و ثواب فراوانی دارد.<sup>(۵)</sup> اکنون بگویید کسی به امام یا امام زاده جرعه آبی دهد، چه پاداشی دارد؟ اگر کسی یک «سقاخانه» بسازد ثواب عظیمی دارد. اگر کسی کاری کند که تمام سقاخانه های عالم به یاد و نام او باشد، چه رتبه ای دارد؟

رتبه و مقامی که سقای دشت کربلا دارد، برتر از آنچه که در اذهان

۱. روضه کافی، ص ۳۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۹۱.

۳. امام باقر علیه السلام: «ان الله يحب ابراد الكبد الحرّاء»، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۰.

۴. امام صادق علیه السلام: «افضل الصدقة ابراد کبد حرّاء»، همان.

۵. امام صادق علیه السلام: «من سقى الماء فى موضع يوجد فيه الماء كان كمن اعتق رقبة...» هر که در جایی که آب هست مردم را سیراب کند، گویا برده ای را آزاد کرده است و هر که در جایی که آب نیست، آب دهد، گویا کسی را زنده ساخته است و کسی که یک نفر را زنده کند، گویا به همه مردم حیات بخشیده است. همان.

است، می‌باشد. هر کس در این عالم تشنه هر چه باشد و متوسل به باب الحوائج حضرت ابوالفضل علیه السلام شود، با خواست و اراده پروردگار متعال، سیراب می‌شود. خواه تشنه آب یا تشنه علم یا تشنه زیارت باشد. او تشنگان زیارت امام زمان علیه السلام را نیز به خنکای دیدار سیراب می‌فرماید سفارش شده است که: هر گاه آب گوارا نوشیدید، یاد حسین نمایید.

شیعتی ما إن شربتم عذب ماء فذکرونی

او سمعتم بغریبٍ أو شهیدٍ فاندبونی<sup>(۱)</sup>

شیعیان من! هر گاه آب گوارا نوشیدید، مرا یاد کنید، هر گاه غریب یا شهیدی را شنیدید بر من گریه کنید.

لذا می‌گویند اگر علمی نیز، حاصل کردید، یاد امام حسین باشید زیرا بر اساس آیه شریفه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»<sup>(۲)</sup> انسان باید به غذاهای معنوی نیز بیاندیشد و ببیند این علم را از چه کسی فرا می‌گیرد بر این اساس اگر کسی تشنه زیارت امام زمان - که ماء عذب است - را داشته باشد با توسل به حضرت عباس علیه السلام به خنکای دیدار می‌رسد.

امام، آب گوارا برای تشنگان عالم است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

الامام الماء العذب على الظماء<sup>(۳)</sup>

امام آب شیرین در وقت تشنگی است.

۱. الخصائص الحسينية، شوشتری، ص ۹۹، فرهنگ ایثار، جواد محدثی، ص ۲۲۹.

۲. عبس، ۲۴.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ تحف العقول، ص ۳۲۵.

انسان تا تشنه نباشد و احساس تشنگی نکند، شیرینی و گوارایی آب را نمی‌تواند حس کند، اگر کسی عطش زیارت امام را داشته باشد، می‌تواند به واسطه ساقی لب تشنگان، آب شیرین را چشیده یا بنوشد.

گفتنی است: دیدن امام زمان علیه السلام یکی از توفیقات بزرگ و ارزشمند است. ولی باید توجه داشت، آنچه مهم‌تر است، این است که، اعمال ما مورد رضایت او باشد. و او از ما راضی باشد. و بدانیم اگر ما او را نمی‌بینیم، او ما را می‌بیند. و همین مقدار ما را بس است. و چنانچه ما، او را نمی‌بینیم، حتماً مصلحت دارد. چه بسا در طول تاریخ افرادی، از نزدیک امام معصوم علیه السلام را می‌دیدند، ولی معرفت حقیقی نسبت به امام نداشته و باعث ناراحتی امام می‌شدند. و از سوی دیگر افرادی فرسنگ‌ها با امام فاصله داشتند، ولی مطیع و خود را در محضر او می‌دانستند.

بنابراین، وقتی در این عالم، آب گوارا و سقا مهیاست، تنها وظیفه ما «عطش» است.

آب کم جو، تشنگی آور به دست      تا بجوشد آب ز بالا و پست  
در این صورت چنانچه کسی متوسل به ساقی لب تشنگان شد، او نیز جام  
وجودش را از معرفت و حلاوت پیوند با امام مهدی علیه السلام لبریز می‌سازد.

## ۲. رجز

اشعار، شعارها و رجزهای هر شخصی، برگرفته از شعور، افکار و امیال اوست. رجز مکنونات قلبی را به منصفه ظهور می‌گذارد. از این رو رجزهای حضرت عباس علیه السلام را یک بار دیگر مرور می‌کنیم تا رهیافت و درسی برای

این عصر و زمان باشد.

حضرت عباس علیه السلام به هنگام حمله برای آب آوردن چنین رجز می‌خواند.

نَفْسِي لِسِبْطِ الْمُصْطَفَى الطُّهْرِ وَقِي      اِنِّي اَنَا الْعَبَّاسُ اَعْدُو بِالسَّقَاءِ (۱)

جان من فدای فرزند پاک مصطفی باد. منم عباس که بامشک برای سیراب کردن تشنگان می‌آیم.

عاشقان امام زمان علیه السلام در دعای ندبه چند بار «بنفسی انت»؛ جانم فدایت را می‌گویند، اما آیا مانند عباس علیه السلام برای امام زمانشان هستند؟

قمر بنی هاشم علیه السلام بعد از خارج شدن از شریعه فرات فرمود:

هَذَا الْحَسِينِ وَاوَدَ الْمَنُونِ      وَ تَشْرِبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ (۲)

اینک حسین وارد میدان جنگ شده است و تو آب خنک و گوارا

می‌نوشی؟!

با توجه به این فرمایش، یاوران امام مهدی علیه السلام در این برهه از زمان چه باید بگویند؟ و مهدی زیستی چگونه باید باشد؟ امام زمانی که در زندان

غیبت (۳) به سر می‌برد، آیا من باید سرگرم دنیای خویش باشم؟! هیئات؛

هرگز

هنگامی که دست راست او در راه یاری امام زمانش علیه السلام قطع گردید،

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت، در ضمن بیان شباهتهای حضرت مهدی علیه السلام با برخی از انبیای گذشته فرمود: «فی صاحبِ هذا الامر... سنّة من یوسف... واما من یوسف فالسجن والغیبة» کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۱.



فرمود:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ بِيَمِينِي  
وَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ  
إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي  
نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ<sup>(۱)</sup>

به خدا سوگند، گرچه دست راست مرا قطع کردید، ولی من تا آنجا که زنده هستم، از آئین خود و از امام و پیشوایم که در ایمان خود صادق و فرزند پیامبر پاک و امین است، دفاع خواهم نمود.

مقرم در این خصوص می نویسد: وقتی دست راست عباس را قطع کردند

او به قطع شدن دستش توجهی نکرد و قصدش این بود که هر

چه زودتر آب را به اهل بیت و کودکان امام حسین برساند.<sup>(۲)</sup>

اگر ما در راه یاری امام عصر<sup>علیه السلام</sup> دچار زحمت و سختی شویم، آیا

جانانه، کار و فعالیت را دنبال می کنیم؟

فَجَادَ بِالْيَمِينِ وَالشُّمَالِ  
لِنُصْرَةِ الدِّينِ وَ حِفْظِ الْأَلِّ<sup>(۳)</sup>

پس دست راست و چپش را [در راه خدا] بخشید، تا که دین یاری

شود و خاندان رسالت حفظ گردد.

چقدر از زندگی ما وقف یاری رساندن به امام زمان<sup>علیه السلام</sup> است؟ و تا

چه اندازه حاضریم، او را یاری کنیم؟ هر کس خوب فکر کند و خود را

محک بزند؟

الْمَوْتُ تَحْتَ ضَبَابِ السَّيْفِ مَكْرَمَةٌ  
إِنْ كَانَ مِنْ بَعْدِهِ إِسْكَانَ جَنَاتِ

۱. ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. فَلَمْ يَغْبَأْ بِيَمِينِهِ بَعْدَ أَنْ كَانَ هَمُّهُ ابْتِصَالَ الْمَاءِ إِلَى أَطْفَالِ الْحُسَيْنِ<sup>علیهم السلام</sup>؛ مقتل مقرم، ص ۲۶۹.

۳. سردار کربلا، ص ۲۱۲.

لَا تَأْسِفَنَّ عَلَى الدُّنْيَا وَلِذَّتِّهَا      فَعِنْدَ جَدِّي تُغْفَرُ كُلُّ زَلَّاتٍ

مرگ در پرتو شمشیر، مایه بزرگواری و عظمت است، هرگاه پس از آن موجب سکونت در بهشت گردد.

برای دنیا و لذت‌های آن هرگز غصه و افسوس مخور، و بدان که تنها در پیشگاه جد من، همه لغزش‌ها آمرزیده خواهد شد.<sup>(۱)</sup>

اگر ما چشم به شفاعت این خاندان داریم! باید برای آن روز سرمایه گذاری و سپرده گذاری نماییم. و هیچ سرمایه‌ای بهتر از یاری ولی عصر علیه السلام نیست. از این رجز می‌آموزیم که از دنیا و لذت‌های زودگذر آن چشم بپوشیم و جان خود را در راه امام زمان علیه السلام به سختی بیاندازیم.

و هنگامی که با تیغ برّان دشمنان امام زمانش را پراکنده می‌ساخت، فرمود:

أَذْبُ عَنْ سِبْطِ النَّبِيِّ أَحْمَدٍ      أَضْرِبُكُمْ بِالصَّارِمِ الْمُهَنْدِ

از حریم سبط پیامبر اسلام حضرت احمد علیه السلام حمایت می‌کنم، و با شمشیر استوار و برّان شما را سرکوب می‌نمایم.

امروز، دشمنان شیعه از هر سو و به هر طریق، امامت و ولایت را مورد حمله قرار می‌دهند. صهیونیسم جهانخوار با حربه‌های فیلم، اینترنت و... مهدویت را مورد آماج حمله‌های خود قرار داده است. و این مسئله می‌طلبد که هر کس، به هر طریقی از کیان شیعه، خصوصاً مهدویت دفاع کند. هر کسی در هر پستی با بذل وقت، توان و... باید مانند حضرت

عباس علیه السلام به یاری امام زمان علیه السلام شتافته و اکتفاء به کم ننماید.  
خلاصه آنکه روح رجزهای حضرت عباس علیه السلام چهار مطلب مهم است  
که عبارتند از: فدایی، حامی، ساعی و مواسی

### فدایی

قمر بنی هاشم علیه السلام فدایی مولای خویش بود، هر آنچه داشت، حتی دو  
فرزند دلبنده خویش را تقدیم امام زمانش علیه السلام <sup>(۱)</sup> و فدای دین کرد. لذا در  
زیارت ناحیه مقدسه از زبان امام هادی علیه السلام چنین می خوانیم  
الْفَادِي لَهُ؛ آنکه خود را فداکارانه فدای برادر نمود. <sup>(۲)</sup>  
امام زمان علیه السلام هم فدایی می خواهد. کسی را می خواهد که حاضر باشد،  
همه هستی اش را فدای او علیه السلام کند.

### حامی

تندیس نهایتِ حمایت، باب الحوائج، قمر بنی هاشم علیه السلام است، حمایت  
او از امام زمانش علیه السلام بسیار روشن و تابناک در رجزهای او پیداست. لذا در  
زیارت روز عرفه عرضه می داریم:

۱. علامه سید محسن امین دو پسر حضرت ابوالفضل علیه السلام (محمد، عبدالله) را در شمار شهیدان  
کربلا ذکر کرده است. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۱۰ و محدث کبیر، ابن شهر آشوب، یک پسر  
حضرت عباس علیه السلام (محمد) را جزء شهدای کربلا شمرده است. مناقب آل ابی طالب، ج ۴،  
ص ۱۱۲، نقل از پرچمدار نینوا، ص ۷۷.

۲. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

فَنِعْمَ الْإِخُ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُخَامِي النَّاصِرُ<sup>(۱)</sup>

شما برادری نیکو و با صبر و شکیبا بودی که مجاهده و حمایت و یاری و دفاع از برادرت نمودی

اکنون بیاندیشیم، چند درصد از وقت و زندگی ما در راه حمایت از امام زمان علیه السلام صرف می‌شود.

### ساعی

نماد نهایت تلاش برای اهداف امام حسین علیه السلام؛ دلاور نینوا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است و رجزهای او علیه السلام گویای این حقیقت است که لحظه‌ای بی تفاوت، بهانه جو، فرار از میدان کار و عمل سپری نکرد. اگر دست در بدن ندارد، از حرکت نمی‌ایستد، لذا امام هادی علیه السلام در تعریف از مقام عباس می‌فرماید:

السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ<sup>(۲)</sup>؛ آنکه تلاش بسیار برای آب رسانی به سوی لب تشنگان نمود.

اگر آن روز، خواست امام حسین علیه السلام رساندن آب به خيام بود. عباس علیه السلام تلاش و افری نمود. امروز خواست امام زمان علیه السلام رساندن معارف ناب اسلامی و حقایق مهدوی به تشنگان عالم است. لذا چگونه باید تلاش نمود؟

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس علیه السلام در روز عرفه.

۲. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

## مواسی

مواسی از مواسات به معنای کمک، یاری و همدردی است. و در اصل به معنی بریدن می آید. در نتیجه به معنی شدت دل بستگی و همبستگی است. قمر بنی هاشم علیه السلام از همه دنیا بریده، و پیوند با برادرش و امام زمانش سالار شهیدان علیه السلام داشت و عارفانه و عاشقانه در خدمت مولایش بود. لذا امام هادی علیه السلام این گونه سلام می فرستد:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ  
بِنَفْسِهِ؛

سلام بر ابوالفضل العباس پسر امیر مؤمنان، آنکه با کمال مواسات، جانش را نثار برادرش حسین علیه السلام کرد.

و در زیارت روز عرفه عرضه می داریم: فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي؛ نیکو برادری در فداکاری بودی.

و در زیارت عید فطر و عید قربان عرضه می داریم: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصَّدِيقُ الْمُوَاسِي أَشْهَدُ... واسیت بنفسک؛ درود بر شما، ای بنده شایسته و صادق فداکار، شهادت می دهم که شما با تمام وجودت فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را همدردی نمودی.

و چه زیبا سروده است:

وَمَنْ وَأَسَاءَ لِأُثَيْنِيهِ شَيْءٌ      وَجَادَلَهُ عَلَيَّ عَطَشٍ بِمَاءٍ

با حسین علیه السلام مواسات نمود و هیچ چیزی او را از مواسات با برادر منصرف نکرد و در حال شدت تشنگی به آب رسید ولی آب ننوشید.

## فصل سوم: تشریف‌ها

امام زمان علیه السلام در حرم حضرت عباس علیه السلام

امام مهدی علیه السلام به جهت قدردانی و وفانسبت به رشادتهای حضرت عباس علیه السلام به این بارگاه ملکوتی تشریف می‌آورند، نمونه زیرگویای این واقعیت می‌باشد:

مرحوم والد فقیه فرزانه آیت الله العظمی حاج سید مرتضی لنگروی فرمودند: در حرم مطهر حضرت قمر بنی‌هاشم علیه السلام مشغول زیارت بودم، ناگهان دیدم شخصی پشت سر من مشغول زیارت و خطاب به حضرت می‌فرماید: «یا عمی!» و مطالبی را با فصاحت و بلاغت بیان می‌کند. من از بس برایم این مطلب جالب و جذاب بود دست از زیارت برداشتم تا ببینم این بزرگوار چه می‌گوید. همچنان مات و مبهوت شده بودم ولی کلمات

دلربای ایشان را همچنان می‌شنیدم و ایشان گریه می‌کرد و با حضرت در حال صحبت بود. ولی یک مرتبه از نظرم غایب شد.<sup>(۱)</sup>

امام مهدی علیه السلام به اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه، عنایت فراوانی دارد. یکی از سرزمین‌هایی که مورد علاقه آقا بقیة الله روحی فداه است کربلا، و بارگاه ملکوتی سالار شهیدان علیه السلام و برادر بزرگوارش حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است، بنابراین، زائران محترم، توجه داشته باشند، با مشرف شدن به این مکان گرامی دو وظیفه مهم دارند:

۱. زیارت به نیابت از امام عصر علیه السلام که نشان دهنده معرفت زائر و مورد توجه قرار گرفتن او از سوی زیارت شونده و ملائکه است.

۲. دعا برای تعجیل در فرج آقا امام زمان علیه السلام که بسیار مهم و با ارزش است. قطعاً، امام زمان علیه السلام محتاج نیابت و دعای ما نیست، بلکه ما محتاج عنایت او علیه السلام هستیم. و این اعمال سبب جلب عنایت او علیه السلام خواهد شد.

### امام زمان علیه السلام در مجلس روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام

از مجالسی که مورد عنایت امام زمان علیه السلام بوده و می‌باشد، مجالسی است که خالصانه برای عزا و ماتم حضرت ابوالفضل علیه السلام برقرار می‌باشد لذا، برپاکنندگان محترم و عزیزان شرکت کننده، توجه بیشتری نمایند، تا بهره‌های بیشتری ببرند. نمونه زیر گویای این واقعیت است:

■ قبل از مسافرت به مکه در حرم مطهر امام هشتم علی بن موسی

۱. چهره درخشان قمرینی هاشم ابوالفضل العباس، ج ۳، ص ۳۰۷؛ میر مهر، ص ۱۱۱.

الرضا علیه السلام از درگاه خداوند خواستم که در این سفر حج، عنایت امام زمان نصیبم شود. زیرا شنیده بودم که عده‌ای از عاشقان آن حضرت در سفر مکه، خدمت آن بزرگوار رسیده‌اند، لذا از ابتدای سفر به یاد امام زمان علیه السلام بودم. مدت یک هفته در مدینه منوره اقامت داشتیم و همواره دنبال حضرت می‌گشتم در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در روضه منوره، کنار منبر، محراب، مأذنه، نزدیک ستون توبه، جایگاه اصحاب صفه، محراب تهجد پیامبر، کنار درب خانه حضرت زهرا علیها السلام و در بین سیل جمعیت، در قبرستان بقیع؛ کنار قبور مظلوم چهار امام غریب و در بین زائرین مدینه دنبال کسی می‌گشتم که نشانیهای او را داشته باشد.

ایام توقف ما در مدینه سپری شد و با چشم گریان و قلب سوزان، با کوله باری از غم و غصه و خاطره از پیامبر صلی الله علیه و آله و دختر گرامیش و ائمه بقیع علیهم السلام خدا حافظی نمودیم.

در مکه نیز در حین انجام اعمال عمره تمتع، در مطاف، پشت مقام حضرت ابراهیم در زمزم، در سعی صفا و مروه، به یاد حضرت بودم. چند روز بین اعمال عمره تمتع و حج تمتع نیز در جای جای مسجد الحرام خاطره حضرت در ذهنم بود، گاهی اوقات به عاشقان دلسوخته امام زمان علیه السلام برخورد می‌نمودم که به او متوسل شده و در هجران او می‌سوزند، گاهی نیز با خود زمزمه می‌کردم:

از جهان دل بتو بستم بخدا مهدی جان

طالب وصل تو هستم بخدا مهدی جان



هر کجا یاد تو و ذکر تو و نام تو بود

بی تأمل بنشستم بخدا مهدی جان

اعمال حجّ تمتّع شروع شد به صحرای عرفات رفتیم، شب عرفه گذشت،

روز عرفه در جبل الرحمة، در بین چادرها و در بین دعای عرفه امام

حسین علیه السلام بیاد آن یوسف گمگشته بودم، غروب روز عرفه پس از نماز

مغرب و عشاء سرزمینی را که مطمئن بودم حضرت در آنجا بین جمعیت

بوده‌اند بطرف مشعر الحرام پشت سر نهادیم، روز دهم ذیحجه در منی

اعمال روز عید قربان را انجام دادیم. هوادر سرزمین منی بسیار گرم و مادر

زیر چادرها بسر می‌بردیم، عصرها بقدری هوا گرم بود که امکان

استراحت و خوابیدن نبود.

عصر روز یازدهم همانطور که مردها چند نفر چند نفر در چادر دور

هم جمع شده بودیم و از هر دری سخن می‌گفتیم و عده‌ای نیز در حال بیداری

دراز کشیده بودند بدون اینکه از قبل برنامه ریزی خاصی شده باشد

روحانی کاروان شروع کرد به زمزمه کردن اشعاری در مورد امام زمان علیه السلام

در نتیجه همگی نشسته و شروع به گوش کردن کردیم ناخودآگاه مجلسی

برقرار شد و بعد هم مدّاح کاروان توستلی به حضرت نمود، حال خوشی در

مجلس پیدا شده بود، سپس یکی از برادران اشعاری را خطاب به آن

حضرت در رابطه با سفر حجّ خواند که دو بیت آن چنین بود:

ای حریم کعبه مُحرم بر طواف کوی تو

من به گرد کعبه می‌گردم بیاد روی تو

گرچه بر مُحرم بود بوئیدن گلها حرام

زنده‌ام من ای گل زهرا ز فیض بوی تو

و در ضمن خواندن اشعار خطاب به حضرت می‌گفت: آقا جان در این سرزمین خیمه‌ها و چادرها زیادند و ما نمی‌توانیم همه آنها را یک به یک بگردیم تا خیمه شما را پیدا نمائیم. اما شما می‌دانید خیمه و چادر کاروان ما کجاست، شما به ما عنایتی بفرمایید، شما بما سر بزنید، همه افراد گریه می‌کردند و اشک می‌ریختند، بعد هم یکی از برادران دیگر توسلی به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام پیدا نمود و گفت: آقا شما به روضه عمویتان خیلی علاقه دارید و خودتان سفارش به خواندن این روضه کرده‌اید، همینطور که ایشان روضه می‌خواند و همگی با حال منقلب اشک می‌ریختند و منهم گریه می‌کردم، سرم را بلند کردم دیدم آقای با لباس سفید عربی و به هیئت عربها در داخل چادر جلو درب روی دو زانو بطور سرپا نشسته‌اند، روی سر ایشان دستمالی بود که آن هم سفید رنگ بود و طوری قرار گرفته بود که قسمت زیادی از پیشانی ایشان را هم پوشانده بود. من در چادر جایی نشسته بودم که تنها سمت چپ صورت و محاسن ایشان را می‌دیدم که حالت گندمگون داشت چندثانیه‌ای ایشان را نگاه کردم، آقای بودند تنومند و با وقار که شاید حدود چهل و چند ساله بنظر می‌رسید. سپس جلو درب چادر را نگاه کردم دیدم دو نفر جوان که سن آنها تقریباً زیر بیست سال بود با لباس سفید بلند عربی درست جلو قسمت ورودی چادر ایستاده‌اند و حدود یکی دو متر پشت سر آقا بودند.

در آن لحظه چنین تصور نمودم که اینها عربهایی هستند که از جلو

چادر ما عبور می کرده اند صدای روضه را شنیده لذا داخل چادر آمده اند تا به روضه گوش دهند. مجدداً سرم را پایین انداخته و اشک می ریختم دقیقاً نمی دانم چقدر طول کشید ولی مطمئن هستم که مدّت زیادی نگذشت مجدداً سرم را بلند کردم دیدم از آقا و جوانها خبری نیست ولی در آن زمان چنان تصرفی در ذهنم ایجاد شده بود که تنها درباره آنها چنین فکر می کردم که اینها عرب بوده و برای گوش کردن به روضه به مجلس آمده اند. حتی پس از پایان این مجلس بسیار با معنویت اصلاً به ذهنم خطور نکرد که در این مورد با دیگر اعضاء کاروان صحبتی نمایم، روز بعد شنیدم که یکی دو نفر از افراد کاروان راجع به آقایی که به مجلس آمده بودند صحبت می کردند، از آنها پرسیدم شما چگونه آمدن و رفتن آن آقا را متوجه شدید، گفتند: نه ما فقط دیده ایم ایشان جلو درب چادر نشسته اند.

آن وقت به خود آمدم و کمی در مورد جریانی که اتفاق افتاده بود فکر کردم و به تصور خودم در مورد این واقعه تأمل نمودم. بخود گفتم اگر اینها عرب بودند چگونه به روضه ای که به زبان فارسی خوانده می شد گوش می دادند؟! چرا در زمانیکه همگی در عزای حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه می کردند ایشان تشریف آورده بودند؟! صدای روضه آنقدر بلند نبود که به بیرون چادر برود تا کسی با شنیدن صدای روضه داخل شود!! چطور کسی دقیقاً متوجه چگونگی آمدن و رفتن آنها نشده بود!! چطور در اثر تصرفی که در ذهن من ایجاد شده بود به این تصورم که اینها عرب هستند و به روضه

فارسی گوش می‌دهند شک نکرده‌ام!!

همه این سوالاتی که اکنون در ذهنم ایجاد شده بود مرا امیدوار ساخت که ایشان خود حضرت یعنی امام زمان علیه السلام بوده‌اند و تأسف خوردم که چرا در همان لحظه حضرت را نشناخته‌ام.<sup>(۱)</sup>

قطعاً مجالسی که مخلصانه برای قمر بنی‌هاشم علیه السلام برگزار می‌شود، مورد تأیید و عنایت امام مهدی علیه السلام است. بنابراین بسیار لازم و ضروری است که در این مجالس، از صاحب اصلی مجلس، امام زمان علیه السلام، غافل نبوده و در مناسب‌ترین وقت برای دعا، برای وجود نازنین یوسف زهر علیه السلام دعا شود، زیرا تمام خیرها و خوبی‌ها به واسطه ایشان به ما می‌رسد.

ما بی تو تا دنیاست دنیایی نداریم

چون سنگ خاموشیم و غوغایی نداریم

تو آبروی خاک‌ی و حیثیت آب

دریا تویی، ما جز تو دریایی نداریم<sup>(۲)</sup>

سفارش امام زمان علیه السلام به توسل به حضرت ابوالفضل علیه السلام

یکی از امتیازات شیعه و افتخارات این مذهب بر اساس آیه شریفه  
«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»<sup>(۳)</sup> توسل به آبرومندان درگاه الهی است.

۱. امام زمان در مکه و مدینه، ص ۱۵۸-۱۵۵.

۲. سلمان حیاتی.

۳. مانده، ۳۵.

در این میان، مقام حضرت ابوالفضل به جهت «باب الحوائج» بودن، جایگاه مهمی است. لذا امام زمان علیه السلام علاوه بر سفارش توسل به قمر بنی هاشم علیه السلام راه آن را نیز تعلیم دادند. آیت الله العظمی مرعشی می فرمودند: یکی از علمای نجف اشرف، که مدتی به قم آمده بود برای من چنین نقل کرد که من مشکلی داشتم به مسجد جمکران رفتم و درد دل خود را به محضر حضرت بقیه الله حجة بن الحسن العسکری امام زمان علیه السلام عرضه داشتم و از وی خواستم که نزد خدا شفاعت کند تا مشکلم حل شود. برای این منظور مکرر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه ای ندیدم. روزی هنگام نماز دلم شکست و عرض کردم مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام من می باشید، آیا زشت نیست با وجود امام حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟!

از شدت تأثر بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم. ناگهان با چهره نورانی قطب عالم امکان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام مواجه شدم. بدون تأمل به حضرتش سلام عرض کردم. حضرت با محبت و بزرگواری جوابم را دادند و فرمودند: نه تنها زشت نیست و نه تنها ناراحت نمی شوم به علمدار کربلا متوسل شوی بلکه شما را راهنمایی هم می کنم که به حضرتش چه بگویی. چون خواستی از حضرت ابوالفضل حاجت بخواهی این چنین بگو: «یا ابا الغوث ادرکنی؛ ای آقا پناهم بده»<sup>(۱)</sup>

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم - ج ۱، ص ۴۱۹، توجهات ولی عصر به علما و مراجع، ص ۱۶۰

## ارزش متوسلین به حضرت ابوالفضل علیه السلام نزد امام زمان علیه السلام

مداح عاشق و دل سوخته اهل بیت آقای حاج منصور ارضی می‌گوید:  
عالم محترم می‌امام زمان علیه السلام را در خواب می‌بیند که در محضر مبارکش  
جناب قمر بنی هاشم علیه السلام نیز ایستاده‌اند.

آقا حجة بن الحسن علیه السلام دو دسته نامه در محضرشان بوده آن جناب یک  
دسته از نامه‌ها را می‌بوسید و زمین می‌گذاشت و دسته دوم را برچشمان  
مبارکش گذاشته و گریه می‌کردند سپس به زمین می‌گذاشتند. شخص عالم  
سوال می‌کند، یا بن رسول الله، حکمت این که چنین عمل می‌نمائید چیست؟  
امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: نامه‌هایی که فقط می‌بوسم و زمین  
می‌گذارم نامه‌هایی است که ارباب حوایج به امام زادگان نوشته‌اند، اما  
نامه‌های دسته دوم را حاجت‌مندان به حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل  
العباس علیه السلام نوشته‌اند. عمویم این جا ایستاده‌اند و می‌خواهند کسانی که  
حاجت دارند و به او متوسل شده‌اند، آنها را رد نکنم.<sup>(۱)</sup>

## دیدار با امام زمان علیه السلام در مجلس روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام

■ عالمی، امام زمان علیه السلام را در عالم مکاشفه زیارت نموده و شیفته جمال  
دلربای حضرت علیه السلام می‌شود، ایشان به حضرت عرضه می‌دارند: یا ابا صالح،  
نسخه‌ای به ما بدهید تا هر زمانی، دلمان برای جمال زیبا و نورانی شما  
تنگ شد، توسط آن به مرادمان برسیم و ما بتوانیم شما را زیارت کنیم.

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم، ج ۳، ص ۴۵۶.

امام زمان علیه السلام فرمودند:

هر وقت شما برای ما دل‌تنگ شدید و خواستید ما را زیارت کنید، به مجلس عموی ما ابوالفضل قمر بنی‌هاشم علیه السلام پناه ببرید. (۱)

البته باید مطلبی نیز به عنوان شکوه یادآور شوم. که متأسفانه برخی از مداحان، به این مسئله خیلی دامن می‌زنند و می‌گویند: «امام زمان علیه السلام حتماً در این مجلس شرکت دارند و...» لذا بسیار مناسب است که اصل این مسئله به طور کلی گفته شود. ولی از ذکر آن در خصوص هر مجلسی، پرهیز شود.

### امام زمان علیه السلام در خیمه عزای عباس علیه السلام

سال اولی که به مکه مشرف شدم از خدا خواستم بیست سفر به مکه بیایم تا بلکه امام زمان علیه السلام را هم زیارت کنم. بعد از سفر بیستم نیز، خداوند منت نهاد و سفرهای دیگر هم به زیارت خانه خدا موفق شدم.

ظاهراً سال ۱۳۵۳ بود به عنوان کمکی کاروان از تهران رفته بودم، شب هشتم از مکه آمدم برای عرفات تا مقدمات کار را فراهم کنم که فردا شب وقتی حاجی‌ها همه باید در عرفات باشند از جهت چادر و وضع منزل نگران نباشند.

شرطه‌ای آمد و گفت: آقا چرا الان آمدی؟ کسی نیست.  
گفتم: برای این جهت که مقدمات کار را آماده کرده باشم.

گفت: پس امشب باید خواب نروی. گفتم: چرا؟ گفت: به خاطر آن که ممکن است دزدی بیاید و دستبرد بزند.

گفتم: باشد. و بعد از رفتن شرطه، تصمیم گرفتم، شب را نخوابم. برای نافله شب و دعاها وضو گرفته، مشغول نافله شدم.

بعد از نماز شب، حالی پیدا کردم و در همین حال بود که شخصی آمد درب چادر و بعد از سلام وارد شد و نام مرا برد، من از جا بلند شدم پتویی چندلا کرده زیر پای آقا افکندم.

او نشست و فرمود: چایی درست کن گفتم: اتفاقاً تمام اسباب چایی حاضر است ولی چای خشک از مکه نیاورده‌ام و فراموش کرده‌ام. فرمود: شما آب روی چراغ بگذار تا من چایی بیاورم.

از میان چادر بیرون رفت و من هم آب را روی چراغ گذاشتم: طولی نکشید که برگشت و یک بسته چای در حدود ۸۰ الی ۱۰۰ گرم به دست من داد. چایی را دم کرده پیش رویش گذاردم، خورد و فرمود: خودت هم بخور، من هم خوردم؛ اتفاقاً عطش هم داشتم چایی لذت خوبی برای من داشت.

بعد فرمود: غذا چه داری؟ عرض کردم: نان. فرمود: نان خورش چه داری؟ گفتم: پنیر. فرمود: من پنیر نمی‌خواهم.<sup>(۱)</sup> عرض کردم: ماست هم از ایران آورده‌ام. فرمود: بیاور. گفتم: این که از خود من نیست مال تمام اهل کاروان است. فرمود: ما سهم خود را می‌خوریم. دو سه لقمه خورد.

۱. شاید به جهت کراهتی است که برای خوردن پنیر به تنهایی در برخی روایات آورده شده است.



در این وقت چهار جوان که موهای پشت لبشان تازه سبز شده بود، جلوی چادر آمدند، با خود گفتم: نکند اینها دزد باشند. اما دیدم سلام کردند و آن شخص جواب داد. خاطر من جمع شد.

سپس نشستند و آن آقا فرمود: شما هم چند لقمه بخورید. آنها هم خوردند.

سپس آقا به آنها فرمود: شما بروید. خدا حافظی کردند و رفتند. ولی خود آقا ماند و در حالی که نگاه به من داشت سه بار فرمود: خوشابه حالت حاج محمد علی. گریه راه گلویم را گرفت. گفتم: از چه جهت؟

فرمود: چون امشب کسی در این بیابان برای بیتوته نمی آید، این شبی است که جدم امام حسین علیه السلام در این بیابان آمده.

بعد فرمود: دلت می خواهد نماز و دعای مخصوص که از جدم هست بخوانی؟ گفتم: آری.

فرمود: برخیز غسل کن و وضو بگیر.

عرض کردم: هوا طوری نیست که من با آب سرد بتوانم غسل کنم. فرمود: من بیرون می روم تو آب را گرم کن و غسل نما. او بیرون رفت، من هم بدون اینکه توجه داشته باشم چه می کنم و این کیست، وسیله غسل را فراهم کرده و غسل نمودم و وضو گرفتم؛ دیدم آقا برگشت. فرمود: حاج محمد علی غسل کردی و وضو ساختی؟ گفتم: بلی.

فرمود: دو رکعت نماز بجا بیاور، بعد از حمد یازده مرتبه سوره «قل هو الله» بخوان و این نماز امام حسین علیه السلام در این مکان است.

بعد از نماز شروع کرد، دعایی خواند که یک ربع الی بیست دقیقه طول

کشید ولی هنگام قرائت اشک مانند ناودان از چشم مبارکش جریان داشت. هر جمله دعا را که می‌خواند در ذهن من می‌ماند و حفظ می‌شد. دیدم دعای خوبی است مضامین عالی دارد و من با اینکه دعا زیاد می‌خواندم و با کتب دعا آشنا بودم به مانند این دعا برخورد نکرده بودم لهذا در فکرم خطور کرد و تصمیم گرفتم فردا برای روحانی کاروان بگویم بنویسد؛ لیکن تا این فکر در ذهنم آمد آقا از فکر من خبردار شد برگشت و فرمود: این خیال را از دل بیرون کن؛ زیرا این دعا در هیچ کتابی نوشته نشده و مخصوص امام علیه السلام است و از یاد تو می‌رود.

بعد از تمام شدن دعای نشستم و عرض کردم: آقا آیا توحید من خوب است که می‌گویم: این درخت و گیاه و زمین و همه اینها را خدا آفریده؟  
فرمود: خوب است و بیشتر از این از تو انتظار نمی‌رود.

عرض کردم: آیا من دوست اهل بیت هستم؟ فرمود: آری و تا آخر هم هستید و اگر آخر کار شیطان‌ها فریب دهند آل محمد به فریاد می‌رسند.  
عرض کردم: آیا امام زمان در این بیابان تشریف می‌آورند؟ فرمود: امام الآن در چادر نشسته... با این که حضرت به صراحت فرمود، اما من متوجه نشدم - و به ذهنم رسید، که: «یعنی امام در چادر مخصوص به خودش نشسته». بعد گفتم: آیا فردا امام با حاجی‌ها در عرفات می‌آید؟ فرمود: آری.  
گفتم: کجاست؟ فرمود: در «جبل الرحمة» است.

عرض کردم: اگر رفقا بروند می‌بینند؟ فرمود: می‌بینند ولی نمی‌شناسند.  
گفتم: فردا شب امام در چادرهای حجاج می‌آید و نظر دارد؟  
فرمود: در چادر شما چون فردا شب مصیبت عمویم حضرت ابوالفضل

خوانده می شود، امام می آید. بعداً دو اسکناس صدریالی سعودی به من داد و فرمود: یک عمل عمره برای پدرم به جای بیاور. گفتم: اسم پدر شما چیست؟ فرمود: حسن.

عرض کردم: اسم شما؟ فرمود: سید مهدی. قبول کردم. آقا بلند شد برود. او را تا دم چادر بدرقه کردم. حضرت برای معانقه برگشت و با هم معانقه نمودیم و خوب یاد دارم که خال طرف راست صورتش را بوسیدم. سپس مقداری پول خرد سعودی به من داده فرمودند: برگرد. تا برگشتم، دیگر او را ندیدم، این طرف و آن طرف نظر کردم کسی را نیافتم. داخل چادر شدم و مشغول فکر که این شخص کی بود. پس از مدتی فکر، با قرائن زیاد مخصوصاً اینکه نام مرا برد و از تیت من خبر داد و نام پدرش و نام خودش را بیان فرمود، فهمیدم امام زمان علیه السلام شروع کردم به گریه کردن.

یک وقت متوجه شدم شرطه آمده و می گوید: مگر دزدها سر وقت تو آمدند؟ گفتم: نه. گفت: پس چه شده؟ گفتم: مشغول مناجات با خدایم. به هر حال به یاد آن حضرت تا صبح گریستم و فردا که کاروان آمد، قصه را برای روحانی کاروان گفتم. او هم به مردم گفت: متوجه باشید که این کاروان مورد توجه امام علیه السلام است. تمام مطالب را به روحانی کاروان گفتم، فقط فراموش کردم که بگویم آقا فرموده فردا شب چون در چادر شما مصیبت عمویم خوانده می شود می آیم.

شب شد اهل کاروان جلسه ای تشکیل دادند و ضمناً حالت توسل آن هم به حضرت عباس علیه السلام بود. اینجا بیان امام زمان علیه السلام یادم آمد؛ هرچه نگاه کردم آن حضرت را داخل چادر ندیدم ناراحت شدم و با خود گفتم: خدایا

و عدهٔ امام حق است. بی اختیار از مجلس بیرون شدم. درب چادر همان آقا را دیدم. عرض ادب کرده می خواستم اشاره کنم، مردم بیایند، آن حضرت را ببینند، اما آقا اشاره کرد: حرف مزن. به همان حال ایستاده بود تا روضه تمام شد و دیگر حضرت را ندیدم. داخل چادر شده جریان را تعریف نمودم. (۱)

### امام زمان علیه السلام و طریقه توسل به حضرت عباس

آقای مجتهدی گفتند: حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می فرمایند: هر کس با این دو بیت شعر متوسل به عمویم قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام بشود حتماً حاجتش برآورده خواهد شد، و سپس شروع به خواندن بیت اول کردند و در فاصلهٔ بین بیت اول و دوم حدود نیم ساعت با شدت تمام می گریستند، آنگاه بیت دوم را خوانده و باز حدود نیم ساعت شدیداً گریه کردند، آنگاه دو بیتی را روی کاغذ نوشتیم که عبارت بود از:

یادم ز وفای اشجع ناس آید      وز چشم ترم سودهٔ الماس آید  
آید به جهان اگر حسین دگری      هیهات برادری چو عباس آید (۲)

حضرت عباس علیه السلام فرمود: بگو یا صاحب الزمان!

حجت الاسلام آقای مکارمی نقل کرده اند که: در یکی از شهرهای شیراز شخصی همراه عمویش برای ماهی گیری به کنار رودخانه می رود که

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. میر مهر، ص ۱۱۴.

یکدفعه غرق می‌شود. عموی وی نگران از مرگ برادر زاده، ناگهان می‌بیند که وی روی آب آمد! و خودش را به ساحل رساند.

عمویش از او می‌پرسد: چگونه نجات یافتی؟ می‌گویند: در حال غرق شدن، متوسل به قمر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام شدم. دیدم آن حضرت تشریف آوردند و فرمودند: بگو یا صاحب الزمان من هم متوسل به امام زمان علیه السلام شدم و با عنایت حضرت، نجات یافتم. <sup>(۱)</sup>

این حکایت گویای این واقعیت است که امام مهدی علیه السلام واسطه فیض در این زمان هستند و تمام عنایات معصومین علیهم السلام با عنایت امام عصر علیه السلام صورت می‌پذیرد. همان طوری که امام مهدی علیه السلام به ملاقاسم علی رشتی دعای پر خیر و برکت [یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی] را یاد داد. ولی ملاقاسم علی رشتی وقتی به «ادرکنی» رسید، دست نگه داشت و نوشت!

امام علیه السلام فرمود: چرا نمی‌نویسی؟! عرض کرد: مخاطبین چهار نفر هستند: محمد، علی، فاطمه و صاحب الزمان علیهم السلام. پس «ادرکنی» در اینجا صحیح نیست و باید به صیغه جمع مذكر «ادرکونی» گفته شود. امام علیه السلام فرمود: نه، صحیح است. امر و تصرف با امام زمان است، آنها هم که بخواهند کاری انجام بدهند، باز امر و تصرف با امام زمان است. بنویس «ادرکنی و لا تهلکنی». <sup>(۲)</sup>

۱. چهره درخشان قمر بنی‌هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۸.

۲. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۸۹ میر مهر، ص ۲۹۵.

## امام مهدی علیه السلام و غیرت عباسیه

در صلوات منسوب به حکیم قدوسی، خواجه نصیر طوسی، امام مهدی علیه السلام با ویژگی‌های پدران بزرگوارش توصیف شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ، عَلَيَّ؛ خدایا! رحمت‌های پیاپی و درودهای خجسته خویش بر امامی ارزانی بدار که:

صاحب الدعوة النبویة؛ صاحب دعوت محمدی وَالصَّوْلَةَ الحیدریة؛ و صولت حیدری

وَالعِصْمَةَ الفاطمیة؛ و عصمت فاطمی وَالحلم الحسنة؛ و حلم حسنی  
وَالشجاعة الحسینیة؛ و شجاعت حسینی وَالعبادة السجادیة؛ و عبادت سجادی

وَالمآثر الباقریة؛ و مفاخر باقری وَالآثار الجعفریة؛ و آثار جعفری  
وَالعلوم کاظمیة؛ و علوم کاظمی وَالحُجَج الرضویة؛ و حجت‌های رضوی  
وَالجُود التَّقویة؛ و بخشش‌های تقوی وَالنَّقَاوَةَ النَّقویة؛ و پاکی نقوی  
وَالهیبة العسکریة؛ و هیبت عسکری وَالغیبة الالهیة؛ و غیبت الهی است.<sup>(۱)</sup>  
حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمدباقر موسوی گلپایگانی،  
فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی رحمته الله، در  
تاریخ ۷ ذی قعدة الحرام ۱۴۱۴ ق برابر ۲۹ فروردین ۱۳۷۳ ش، از  
حجت‌الاسلام رضوانی نماینده شیراز نقل کردند که گفت: من به خواندن  
صلوات خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله مداومت داشتم، شبی حضرت خاتم

۱. این صلوات دارای چهارده بند است که به عنوان توسل و به طریق ختومات می‌خوانند.

۱۷۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

الانبياء محمد بن عبد الله ﷺ را در خواب دیدم، فرمود: صلوات را بخوان!  
خواندم، حضرت فرمودند: درست نیست! چند مرتبه دیگر خواندم، ولی  
پس از اتمام هر یک باز می فرمود: درست نیست! عرض کردم: چرا درست  
نیست؟! فرمود: بعد از کلمه «والشجاعة الحسينية» بگویند: «والغيرة  
العباسية» (۱)

«خاتمه»

## ۱. دولت حضرت مهدی علیه السلام و رجعت حضرت ابوالفضل علیه السلام

«رجعت» مسأله‌ای است که زمان آن در ظهور امام زمان علیه السلام فرا می‌رسد و صاحب رجعت، حضرت ولی عصر علیه السلام است.  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اولین کسانی که به دنیا بر می‌گردند، حسین بن علی علیه السلام و یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند که همه آنها را از اول تا آخر می‌کُشد» سپس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ پس شما را بار دیگر بر آنها مسلط کنیم و



با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزون تر کنیم.»<sup>(۱)</sup>  
لذا زائرین کوی و بارگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام هم در زیارت او علیه السلام  
عرضه می‌دارند:

جِئْتُكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِدَاءَ إِلَيْكُمْ وَ قَلْبِي مُسَلَّمٌ لَكُمْ... فَ مَعَكُمْ  
مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوَّكُمْ إِنِّي بِكُمْ وَ بِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمَنْ خَالَفَكُمْ وَ  
قَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ؛ ای پسر امیر مؤمنان! من به محضر شما  
شرفیاب شدم؛ در حالی که دلم تسلیم شما و یاریم آماده برای  
شما است... من با شمایم، با شمایم، نه با دشمنان شما. من  
نسبت به شما و بازگشت [رجعت] شما از ایمان آورندگان و  
نسبت به آنان که شما را کشتند، از کافرانم.»<sup>(۲)</sup>

## ۲. توسل

مرا امام انس و جان گفته‌اند

مهدی صاحب الزمان گفته‌اند

وارث خون شهدا مهدیم

منتقم خون خدا مهدیم

خون خدا جَد نکوی من است

حضرت عباس عموی من است

۱. اسراء، ۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ تفسیر نور المثقلین، ج ۷۳، ص ۱۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶.  
۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۷۳، شیعه و رجعت، ص ۲۱۷.

عموی من ماه بنی هاشم است

عموی من کرامت دائم است

عموی من حسین را یار بود

خادم و سقا و علمدار بود

عموی من تا که به تن داشت دست

چشم زیاری امامش نبست

عموی من صورت نورانیش

شسته شده زخون پیشانیش

دو چشم او دو چشمه اشک بود

تمام ثروتش همان مشک بود

حیف که بند دلش از هم گسیخت

تمام آرزویش بر خاک ریخت

حیف که چشمش هدف تیر شد

دو دست او جدا ز شمشیر شد<sup>(۱)</sup>

## بخش سوم: حضرت زینب علیها السلام و امام مهدی علیه السلام

### طلیعه

تا قلم لب بر مرگب می زند      بوسه بر جا پای زینب می زند  
می گذارد سر به صحرای جنون      می نگارد نقشی از دریای خون  
می کشد آه از نهادی سوخته      وز ضمیر خیمه‌ای افروخته  
کربلا می مُرد اگر زینب نبود      شیعه می پُژمرد اگر زینب نبود<sup>(۱)</sup>

بیش از هزار سال، فریاد و خروش حضرت زینب علیها السلام دختر امام علی علیه السلام  
در کنگره هستی طنین افکنده و انعکاس آن را می توان در لحظه لحظه تاریخ  
به گوش جان شنید.

سکان دار عالم هستی؛ امام مهدی علیه السلام به پاس فداکاری و خدمت‌های پیام رسان کربلا، عنایت ویژه‌ای به عمه بزرگوارش حضرت زینب علیها السلام دارد، و هر صبح و شام به یاد اوست، و در خاطراتی سر سبز، یاد حضرت زینب علیها السلام در گلوآژه‌های مهدوی شکوفاگشته است. این نوشتار با بیان جلوه‌هایی از پیوند و شباهت‌های حضرت زینب علیها السلام و امام مهدی علیه السلام به رهیافت‌هایی در عصر غیبت اشاراتی نیز دارد.

## فصل اول: پیوندها

### ۱. زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام فرزندان فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام

اولین مرد مسلمان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام - پدر بزرگوار شیر زن کربلا حضرت زینب علیها السلام - است <sup>(۱)</sup> و همچنین در «۲۱۴» حدیث وارد شده که امام مهدی علیه السلام دهمین فرزند حضرت علی علیه السلام است <sup>(۲)</sup>.  
فاطمه زهرا علیها السلام مادر بزرگوار زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام است. بنا بر مشهور در پنجم جمادی الاولی سال ششم هجرت، اولین دخت زهرا علیها السلام در مدینه چشم به جهان گشود و خانه محقر مولا و همسرش را رونق بخشید <sup>(۳)</sup> و

۱- ترجمه ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲- رک منتخب الاثر، ص ۲۴۷؛ من هوالمهدی، ص ۳۹۱؛ او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

۳- برخی ولادت حضرت زینب علیها السلام را در اوایل شعبان سال ششم و برخی دیگر در محرم سال پنجم

همچنین در «۱۹۲» روایت آمده که امام مهدی علیه السلام از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام است. (۱)

این اتحاد و پیوند در حسب و نسب گویای این حقیقت است که پاکی، طهارت، شرافت و اصالت تبار، افراد را در زمان‌های مختلف پیوند داده و در مسیری گام بر می‌دارند که یک حقیقت است.

درختی را که زینب علیها السلام حفظ و حراست نمود، آخرین فرزند این خاندان به ثمر و نتیجه و شکوفایی می‌رساند.

## ۲. زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام در آئینه کلام معصومین

بارها، سیلاب اشک از دیدگان مبارک خاتم رسولان صلوات الله علیهم به جهت مصیبت‌های این بانو جاری شد و برخی از مواقع، پیامبر، سخن از آن ایام به میان می‌آورد (۲) و او بارها، حوادثی را که قرار بود برایش رخ دهد، از لبان مبارک مادرش شنیده بود (۳) و امام علی علیه السلام به همین لحاظ، به هنگام خواستگاری عبدالله بن جعفر با او شرط نمود که - هرگاه زینب علیها السلام خواست با حسین علیه السلام سفر برود، با وی مخالفت نکند و این شرط را در ضمن عقد آورده بود. (۴)

---

و بعضی دیگر دهه آخر ربیع الثانی سال ۵ یا ۶ یا ۷ دانسته‌اند (ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۳).

۱- رک منتخب الاثر، ص ۲۴۳؛ من هوالمهدی، ص ۸۹ او خواهد آمد، ص ۱۲۱.

۲- الخصائص الزینبیه، ص ۱۵۵؛ ناسخ التواریخ، ص ۴۷.

۳- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۵۰.

۴- زینب الکبری، شیخ جعفر نقدی، ص ۱۲۹.

همچنین دو برادر بزرگوارش، دو گوشواره عرش الهی؛ به زینت پدرشان<sup>(۱)</sup> مصایب او را یاد آوری نموده بودند.

از این معصومین گرامی روایات زیبایی پیرامون امام مهدی علیه السلام نیز وارد شده است.<sup>(۲)</sup> جالب توجه آن که اگر اخبار و حوادث وارد بر بی بی دو عالم حضرت زینب علیها السلام در کتابهای اهل سنت، سانسور شده است، اما روایات نبوی پیرامون امام مهدی علیه السلام در کتابهای آنها زیاد به چشم می خورد، هر چند دست غرض ورزان از تحریف برخی احادیث امام مهدی علیه السلام نیز کوتاه نگردید.

به نظر می رسد، وارد شدن به این مسائل در آئینه احادیث خالی از لطف و نکته نباشد و آن نکته لطیف عظمت حماسه ی زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام باشد، زینب علیها السلام باعث ماندگاری عاشورا شد و در حقیقت دست مایه زنده ماندن شیعه و پشتوانه فکری تاروز ظهور است و امام مهدی علیه السلام یکی از پشتوانه های قیامش، عاشورا است<sup>(۳)</sup>.

### ۳. یاد مهدی علیه السلام در کلام زینب علیها السلام

یکی از ویژگی های حضرت زینب علیها السلام علم سرشار و علم لدنی او

۱- نام زینب علیها السلام از دو کلمه «زین» و «اب» ترکیب یافته و به معنای زینت پدراست. او زینت امام علی علیه السلام است و وجود وی مایه افتخار خاندان ارجمند علی است. همچنین کلمه زینب علیها السلام در کتب لغت به معنای درخت شکوهمند و زیبا چهره و خوشبو است که این وجه هم خالی از نکته نیست. نهال زینب علیها السلام در این کانون به چنین درخت تنومندی تکامل یافت.

۲- ر.ک معجم الاحادیث الامام المهدی.

۳- ر.ک. فصلنامه انتظار، ش ۳ مقاله پورسید آقایی، عاشورا و انتظار.

می باشد. ابن عباس - که از فقها و مفسران برجسته عالم اسلام است و عنوان «حبر» و «بحر» (سرشار از علم و دریای علم) را داراست و پیامبر در حق او دعا فرموده که: «اللهم فقهه فی الدین و علّمه التّأویل»؛ خدایا او را به احکام دین، عالم و آگاه گردان و معانی باطن قرآن را به او بیاموز. و در روز فقدانش، فرزند امام علی علیه السلام، محمد حنفیه ندا داد: «الیوم مات ربّانی هذه الامة»؛ امروز ربانی این امت درگذشت <sup>(۱)</sup> - وقتی مواجه با عظمت علم حضرت زینب علیها السلام می شود، می گوید: «حدّثنی عقیلتنا زینب علیها السلام بنت علی»؛ بانوی فهیم و اندیشمند ما زینب علیها السلام دختر علی برای من روایت نمود <sup>(۲)</sup>. موقعیت علمی زینب علیها السلام به گونه ای بود که شوهرش عبدالله بن جعفر او را این گونه خطاب می کند: «یا بنت المرتضی و عقيلة بنی هاشم»؛ ای دختر مرتضی و ای بانوی خردمند بنی هاشم <sup>(۳)</sup> و پیشوای چهارم شیعیان حضرت زین العابدین علیه السلام، پس از خطبه غرّاء و آتشین و پر محتوای او در کوفه در مقام تأیید رفعت علمی زینب علیها السلام به او می فرماید:

«انتِ بحمد الله عالمة غیر معلّمة و فهمة غیر مفهّمة»؛

بحمد الله تو دانشمند بدون آموزگار و اندیشمند بدون استاد

هستی. <sup>(۴)</sup>

۱- اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۹۳؛ استیعاب، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲- منتخب التواریخ، ص ۹۳؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸.

۳- الخصائص الزینبیه، ص ۲۷.

۴- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴.



و به همین جهت زنان کوفه، توسط مردانشان از حضرت علی علیه السلام خواستند که دخترش برای آنان جلسات علمی داشته باشد، او نیز پذیرفت و جلسات تفسیرش در تاریخ ثبت و درج است<sup>(۱)</sup>.

حضرت زینب علیها السلام که در دودمان نبوت و امامت رشد یافته، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را شنیده و روایت کرده است. وی علاوه بر آنکه «عالم»، «عقیله» و مفسر آیات الهی است،<sup>(۲)</sup> «محدثه» نیز می باشد، او روایات بسیاری از پدر، مادر و جدبزرگوارش در موارد گوناگون، از جمله در باره آخرین حجّت الهی نقل نموده است، و اگر در این باره روایات زیادی از او به مانرسیده است، جلوه‌ای دیگر از مظلومیت آنان و شیعیانشان است. لذا یکی از روایات نورانی حضرت زینب علیها السلام در این خصوص، روایتی است که امام سجاد علیه السلام از عمه‌اش حضرت زینب علیها السلام نقل می کند که فرمود: «مادرم حضرت زهرا علیها السلام فرمود: هنگامی که فرزندم حسین علیه السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد من آمد، من حسین علیه السلام را در میان پارچه زردی نهادم و به آن حضرت دادم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسین علیه السلام را در آغوش گرفت، پارچه زرد را از او دور ساخت و پارچه سفید طلبید و او را

۱- خصائص الزینبیه، جزائری، ص ۲۷؛ اعلام النساء المومنات، محمود الحسون و ام علی شکور، ص ۳۸۱.

۲- روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شد و سخنان حضرت زینب علیها السلام را در تفسیر آیه اول سوره مریم (کهیصص) شنید، بعد به او فرمود: ای نور چشمانم، شنیدم این آیه را تفسیر می کردی زینب علیها السلام عرض کرد: «پدر جان! جانم به فدایت، آری». حضرت علی علیه السلام فرمود: حروف این کلمه رمز و رازی دارد که مصائب جان سوزی را بیان می کند، آنگاه مصائب را بیان فرمودند و حضرت زینب علیها السلام گریه کرد. (ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۵۷). جالب توجه است که امام مهدی علیه السلام هم این آیه شریفه را بر مصائب امام حسین علیه السلام تفسیر کردند. (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰).

در آن پارچه سفید پیچید و به من فرمود: «خذیه یا فاطمة! فانه الامام و ابوالائمة تسعة من صلبه ائمة ابرار، والتاسع قائمهم»؛

ای فاطمه! این حسین را از من بگیر، که او امام است و پدر نه امامی است که از صلب او به وجود می آیند و همه آنها از نیکانند و نهمی آنها (حضرت مهدی عج) قائم آنها می باشد. (۱)

#### ۴. یاد زینب علیها السلام در کلام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام هر صبح و شام، به یاد عمه بزرگوارش حضرت زینب علیها السلام است. زیرا در زیارت عاشورای موسوم به «زیارت ناحیه مقدسه» می فرماید:

«فلئن أخرتني الدهور، وعاقني عن نصرک المقدور ولم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلاندینک صباحاً و مساءً...»؛

پس اگر روزگار (ولادت) مرا به تاخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاریت دور ساخت و با کسانی که با تو جنگ نمودند، کارزار نکردم؛ پس صبح و شام برایت ناله می زنم و به جای اشک خون می گیریم و به جهت اندوه و تاسف مصایب بر تو در سوز و گدازم تا اینکه از بی قراری مصیبت‌ها و غصه‌ها بمیرم. (۲)

شیخ جلیل حاج ملا سلطان علی روضه خوان تبریزی - که از جمله عبّاد

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۱؛ ناسخ التواریخ، حضرت زینب ۳، ص ۵۶۵

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷

و زهاد بود. در عالم رؤیا به حضور حضرت بقیه الله علیه السلام مشرف شد، در رابطه با همین فقره از زیارت ناحیه سؤال می‌کند که آن مصیبتی که در آن به جای اشک خون می‌گریید کدام است؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام است؟

فرمود: «نه، اگر علی اکبر زنده بود در این مصیبت او هم خون گریه می‌کرد»

سؤال می‌کند، آیا مصیبت حضرت عباس علیه السلام است؟ فرمود: نه اگر عباس در حیات بود او هم در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

عرض می‌کند، لابد مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام است؟ فرمودند: نه اگر حضرت سید الشهداء هم در حیات بود در این مصیبت خون گریه می‌کرد.

عرض می‌نماید، پس این کدام مصیبت است که من نمی‌دانم؟ فرمودند: آن مصیبت اسیری زینب علیه السلام است. (۱)

و به راستی مصایب زینب علیه السلام، بسیار سخت و گران است، زیرا علاوه بر مصایبی که اباعبدالله علیه السلام مشاهده نمود، ایشان شاهد شهادت برادر و همچنین شاهد گرفتاری‌های اسارت بود. امام زمان علیه السلام در بیان و توصیف آن مصایب می‌فرماید:

«و رُفِعَ عَلَي الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَ سُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَ صُفِدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ

۱- العبقري الحسان، ج ۱، ص ۹۸، س ۷؛ فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۹۰.

فی البراری والفلوات، ایدیهم مغلولةً الی الاعناق، یطاف بهم فی الاسواق»؛

سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان اسیر، در غل و زنجیر بر فراز جهاز چهارپایان قرار گرفتند، چهره‌شان از گرمای ظهر تابستان می‌سوخت و در بیابان‌ها و دشت‌های پهناور، پیش برده می‌شدند و دست‌هایشان به گردن آویخته بود و در بازارها آنان را می‌گرداندند.<sup>(۱)</sup>

این مصیبات آنقدر سخت و جانکاه است که هر کس از عمق آن مطلع باشد، آرام و ساکت نمی‌نشیند مگر آن که یاد امام زمان علیه السلام؛ منتقم این خاندان دل‌انسان را تسلی دهد.

سید عالم وثقة جلیل، حاج سید اسدالله اصفهانی - مجاور کربلای معلی - در سنه ۱۳۱۹ برای مؤلف کبریت احمر در کربلای معلی نقل کرد که حضرت حجت بن الحسن امام زمان علیه السلام در عالم خواب به وی فرمودند: از روز وفات عمه‌شان حضرت زینب علیها السلام اهل آسمانها جمع می‌شوند و خطابه آن مخدّره را که در کوفه خوانده است، می‌خوانند و گریه می‌کنند! و حضرت علیه السلام باید آنان را ساکت گردانند، که شیرازه عالم از یکدیگر گسسته نشود!<sup>(۲)</sup>

همچنین عالم بزرگوار مرحوم ملا علی خیابانی در کتاب وقایع الأیام فی تتمه محرم الحرام داستانی طولانی را نقل می‌کند، که آن مقدار از آن را

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۲، صحیفة المهدی، ص ۳۰۴.

۲- ستاره درخشان شام، ص ۳۳۵، به نقل از کبریت احمر، ص ۸۵ چاپ اسلامیه.

که مربوط به جریان فوق می باشد، در اینجا می آوریم.

راوی می گوید: در عالم رؤیا حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام را دیدم که در کمال آشفته حالی هستند! پیش رفتم و سلام کردم و از حال ایشان سؤال نمودم. فرمودند: بدان که، از روزی که عمه ام زینب علیها السلام وفات کرده اند، همه ساله در روز وفات آن مخدّره ملائکه در آسمانها مجلس می گیرند و خطبه آن مخدّره را که در بازار کوفه ایراد نموده، می خوانند و گریه می کنند، به طوری که من باید بروم و آنها را ساکت نمایم! امروز روز وفات عمه ام زینب علیها السلام بود و اکنون من از آن مجلس مراجعت نموده ام.<sup>(۱)</sup>

در قصیده «ابن عرندس»<sup>(۲)</sup> که مورد توجه حضرت بقیه الله علیه السلام است<sup>(۳)</sup> درباره اسیری حضرت زینب علیها السلام این بیت ها به چشم می خورد:

و آل رسول الله تسبی نساؤهم و من حولهنّ الستریهتک و الخدر  
و بانوان خاندان پیامبر به اسارت رفتند و پرده و پوشش را از ایشان باز  
ستاندند.

سبایا بأکوار المطایا حواسرا یلاحظهنّ العبدُ فی الناس و الحرُّ  
به اسیرانی ماتم زده که بر محمل ها نشانده شدند و تماشاگران از آزاد و  
برده آنان را می نگرستند.

و رملة فی ظلّ القصورِ مصونةٌ یناطُ علی أقراطها الدرُّ و التبرُّ

۱- ستاره درخشان شام، ص ۳۳۵، به نقل از وقایع الایام خیابانی.  
۲- از علمای بزرگ شیعه که علاوه بر مراتب علمی دارای طبعی رسا و پرجاذبه بود. او در حیات و بعد از آن مورد توجه شیعیان است و هنوز مرقد وی در حله زیارتگاه عموم است.  
۳- علامه امینی می گوید، «در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مکانی این قصیده خوانده شود موجب تشریف فرمایی امام زمان علیه السلام می شود.» الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

این در حالی بود که «رمله» دختر معاویه، در سایه کاخ‌ها آرمیده و زر و زیور بر گوشواره‌هایش آویخته بود.<sup>(۱)</sup>

در این قسمت لازم می‌دانم به نکته بسیار دقیقی که امام زمان علیه السلام، در یک بیت شعر در مورد تماشای اسرای کربلا بیان فرموده‌اند، اشاره نمایم و آن بیت این است:

و هی باستار من الانوار      تحجبها من اعین النظار

و آن بانوان در پوشش‌هایی از نور از چشم نظاره‌گران محفوظ بودند. مرحوم علامه شیخ هادی کاشف الغطا، (متوفای ۱۳۶۱) در سوگ حضرت زینب علیها السلام اشعاری سروده بود که آن اشعار چنین است:

مغلولة الایدی الی الاعناق      تسبی علی عجب من النیاق

زینب علیها السلام در حالی که دستهایش به گردنش بسته بود، او را به شتر ضعیف و لاغری سوار کرده و به اسارت بردند.

حاسرة الوجه بغير برقع      لاستر غیر ساعد و اذرع

نه صورتش پوشیده بود و نه نقاب بر چهره داشت، بلکه به وسیله دست و ساعد دستش صورت را می‌پوشانید.

قد ترکت عزیزها علی الثری      و خلفته فی الهجیر و العری

عزیزش (امام حسین) را روی خاکهای گرم بیابان، بدون سایبان، در برابر آفتاب سوزان رها کرد.

ان نظرت لها العیون و لولت      او نظرت الی رؤوس اعولت

اگر چشمها به آن بدنهای چاک چاک شهدابنگرند، فریاد می زنند و اگر به آن سرهای بریده بنگرند اشکها جاری می شود.

تودّان جسمها مقبور و لایراها شامت الکفور

زینب علیها السلام در آن حال آرزو داشت که جسمش در زیر خاکها دفن شود، تا دشمنان عنود شماتت گر او را نبینند.

علامه کاشف الغطا مدتی بعد به همان اشعاری که سروده و در کاغذی نوشته بود مراجعه کرد ولی با تعجب دید این بیت بر آنها افزوده شده است.

«و هی بأستار من الانوار تحجبها من اعین النظار»

علامه بسیار تعجب کرد زیرا چنین شعری را او سروده بود. عجیب تر آن که وقتی برای نوشتن مجدد آن اشعار و پاک نویسی آن مراجعه می کند می بیند آن شعر در آن نوشته نیست.

حجت تاریخ علامه سید عبدالرزاق مقرر، متوفای ۱۳۹۱ هـ. این واقعه را بدون واسطه از مرحوم کاشف الغطاء نقل کرده می فرماید: هیچ بعید نیست که این بیت را حضرت حجت علیه السلام به این قصیده افزوده باشد. (۱)

آیه الله غروی در خصوص این بیت می نویسد:

شاید منظور از انشای این بیت و محتوای آن این باشد که تماشاگران به نوری که از حضرت زینب علیها السلام ساطع بود توجه نمودند... و خلاصه آنکه این انوار الهی آنها را احاطه نموده بود و این عظمت و جلالت آسمانی سبب گردیده بود که مردم نتوانند چشم در چشم آنان بدوزند و نظر ناپاک بر آن

۱- علی الاکبر، سید عبدالرزاق مقرر، چاپ نجف اشرف، مطبعة حیدریه، ۱۳۶۸ هـ. ص ۲۱.

۱۸۸ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

بیاندازند... یعنی این جلال و عظمت، مانع از ارادهء سوء نسبت به آنان شده  
اگر چه دشمنان بر این مخدرات سیطره داشتند لکن با صیانت الهی، آنها  
محفوظ ماندند. (۱)

---

۱. المختار من کلمات الامام المهدي، ج ۳، ص ۲۳۸-۲۳۳. لازم به ذکر است جهت اختصار به برخی  
از این ابیات اشاره شده و این ابیات در کتاب «المقبولة الحسينيه، ص ۶۳، طبع الحیدریه نجف  
اشرف، سال ۱۳۷۲ چاپ شده است و علامه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۶ از این  
کتاب نام برده است و ناشر کتاب در مقدمهء خود وجه تسمیه این کتاب را که چگونه مورد قبول اهل  
بیت علیهم السلام واقع شد، را نیز ذکر فرموده است. برای اطلاع بیشتر رک شعراء الغری او النجفیات، ج ۱۲،  
ص ۳۶۴.



## فصل دوم: شباهت‌ها

جلوه‌ای دیگر از پیوند حضرت زینب علیها السلام و امام زمان علیه السلام، در شباهتهایی است که به نحو اختصار به آنها اشاره می‌شود:

### ۱. شباهت در زمان

وقتی به خطبه‌های آتشین قافله سالار اسرای کربلا و یاحتی به دوران زندگی او مراجعه می‌کنیم و صفحات تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که زینب علیها السلام همواره شاهد افرادی بوده است که عهدشکنی سر لوحه برنامه هایشان بوده است. او می‌بیند مردم با رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان شکنی بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام را آغاز نمودند و وقتی مادرشان حضرت زهرا علیها السلام آنها را بر این مسئله مهم «حمایت از ولایت» فرامی‌خواند. آنها ناجوانمردانه پشت پا به همه مسایل می‌زدند و حتی به خانه آنها حمله ور

شده و بیت وحی را به آتش کشیدند. دیری نپایید که شاهد خطبه‌های آتشین امیر مؤمنان علیه السلام بر فراز منبر کوفه شد که آنها را به وفای عهد فرا می‌خواند. او شاهد پیمان شکنی مردم با برادرش امام حسن علیه السلام بود و بالاخره شاهد بزرگترین بی‌وفایی در طول تاریخ می‌گردد. مردمانی که برادرش را دعوت نموده بودند آنگاه با شمشیرهای برنده و تیغ‌های از نیام کشیده به استقبال آمده بودند. او در کوفه علی وار از پیمان شکنی و نقض میثاق برای آنها سخن می‌راند. و به سان ائمه اطهار علیهم السلام هشدار می‌داد که شما در برابر این پیمان شکنی تاوان گرانی پرداخت خواهید کرد.

امام زمان علیه السلام هم از این عهد شکنی دل پر خونی دارد نسبت به انسان‌هایی که مسئله‌ای به نام «عهد»، «عقد» و «بیعت» را به دیار فراموشی سپرده‌اند. و یا افرادی که با خواندن دعای عهد، میثاق می‌بندند ولی در وفای به آن کوتاهی می‌کنند، لذا ایشان در نامه‌ای که به شیخ مفید رحمته الله علیه می‌نویسد، می‌فرماید:

اگر پیروان ما - که خدای آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق دهد - برآستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل و یکصدا بودند هرگز خجستگی دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما، دیداری بر اساس عرفان و اخلاص از آنان نسبت به ما، زودتر روزی آنان می‌گشت. <sup>(۱)</sup>

۱. «... و لو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا» بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۴۶۲.

و در توقیعی دیگر ضمن ارائه همین موضوع، به پیامد عهد شکنی نیز اشاره می‌فرمایند:

به درستی که ما بر او ضاع و اخبار شما و جامعه شما به خوبی آگاهیم. چیزی از رخدادهای زندگی شما بر ما پوشیده نمی‌ماند و شرایط غم‌بار و دردناکی که به آن گرفتار آمده‌اید آنگونه که هست برای ما شناخته شده است، از آن زمانی که بسیاری از شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان شایسته کردارتان از آن دوری می‌گزیدند، روی آورده و پیمان فطرت را به گونه‌ای پشت سر انداختید که گویی هرگز بدان آگاه نیستید و آن گاه (به کیفر گناهان) به این شرایط غم‌بار گرفتار گشتید.<sup>(۱)</sup>

پیامی که از این شباهت دستگیر ارادتمندان و دل‌سوختگان حضرت زینب علیها السلام و پیروان حضرت مهدی علیه السلام می‌شود، این است که، در عهد با امام زمان علیه السلام صادق و بر وفای به آن، کوشا باشند.

## ۲. شباهت اطرافیان

همواره دو طیف و دو گروه، بر گردانمه اطهار علیهم السلام بوده‌اند گروهی مخلص اما اندک! و گروهی ناسپاس اما بسیار!

حضرت زینب علیها السلام در خانه سرور زنان اهل عالم، حضرت زهرا علیها السلام،

---

۱- «فانا نحیط علما بأنباتکم و لایعزب عنا شیء من اخبارکم و معرفتنا بالذل الذی اصابکم مذ جنح کثیر منکم الی ما کان السلف الصالح عنه شاسعاً و نبذوا العهد المأخوذ وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون»؛ همان، ص ۱۷۵. همان ص ۴۶۰. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

اطرافیان مخلص را به تعداد انگشتان یک دست می‌بیند و همچنین، جان نثاران اندک گرد آمده بر شمع وجود مولی الموحدين امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام را ملاحظه می‌نماید، اطرافیان دو سرور جوانان اهل بهشت حسنین علیهم السلام را نیز خوب دیده است.

و از سویی ناسپاسان و نالایقان را نیز دیده، او شب عاشورا هفتاد و دو یار مخلص را گرد برادر می‌بیند و در روز عاشورا که صحنه امتحان و آزمایش و بروز مادران است؛ هر دو طیف و هر دو جناح را از نزدیک با تمام وجود حس می‌نماید.

امام زمان علیه السلام هم با این دو جناح مواجه است. او با مشاهده نامه اعمال، لیاقت و ارزش و جودی پیروان و در مواردی عدم آن را حس می‌نماید. این دو جناح در روز ظهور که روز بروز و ظهور افکار پیروان نیز هست، در برابر یا پشت سر امام زمان علیه السلام صف می‌کشند.

این مشابَهت رهیافتی عظیم دارد؛ یاران مهدی علیه السلام حسینی‌اند، زینبی‌اند. اهل تلاش و عمل‌اند، نسبت به جامعه خود بی‌تفاوت نیستند، آنهایی که حاضرند جان را در طبق اخلاص بنهند تا حریم اهلبیت علیهم السلام محفوظ بماند، یاران واقعی امام عصر علیه السلام بوده و هستند.

### ۳. شباهت یاری خواستن

فریاد استنصار حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا تا به ابد در کنگره‌های جهان طنین افکن است. حضرت زینب علیها السلام در این رابطه فریادی دارد که قلب سنگ دشمن نیز در برابرش نرم می‌شود. او وقتی حسینش را در گودال

قتلگاه می‌یابد، روبه عمر بن سعد لعین می‌کند و فریاد بر می‌آورد که: «أیقتل ابو عبدالله وانت تنظر الیه؟»؛

ای عمر سعد! آیا حسین علیه السلام کشته می‌شود و تو شاهد صحنه هستی؟  
عمر سعد در حالی که می‌گریست، صورتش را از زینب علیها السلام برگرداند.  
زینب علیها السلام فریاد زد: «وای بر شما آیا در میان شما یک نفر مسلمان نیست؟» (۱)

امام مهدی علیه السلام نیز فریاد استنصار دارد او در روز ظهور به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد: «ای مردم ما از خداوند و هر که ما را اجابت کند یاری می‌جوئیم، ما اهل بیت پیامبرتان حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم... از شما می‌خواهم که به حق خدا و رسول خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می‌کنند از ما باز دارید. آنها بر ما ظلم کرده‌اند، از شهر و فرزندان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند، اهل باطل حقان را گرفته بر ما افترا بستند. خدا را در باره ما در نظر آورید، ما را تنها نگذاشته و رهایمان نکنید، یاری‌مان کنید که خداوند شما را یاری می‌کند.» (۲)

آیا ما حاضر به لبیک گفتن در مقابل این استنصار هستیم؟ اعمالی که قلب نازنین امام زمان علیه السلام را به درد می‌آورد نه تنها نصرت نیست بلکه ضد آن و خیانت است. آیا زمینه سازی برای ظهور بهترین نوع لبیک به این فریاد استنصار نیست؟

۱- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۵؛ سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۳۵۷.  
۲- «یا ایها الناس! انا نستصر الله و من اجابنا من الناس، و انا اهل بیت نبیکم محمد... و أسألکم بحق الله و رسوله و بحقی... و انصرونا ینصرکم الله»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸؛ انتظار، ش ۳، ص ۶۴.

### اجز جزیل پاداش خدمت به حضرت زینب علیها السلام

کوچک‌ترین خدمت به این خاندان، نزد خداوند متعال ارزش بسیاری دارد، ضمن آنکه آثار این ارادتها، مستقیماً نصیب خود انسان می‌شود و این بزرگواران نیز به بهترین وجه احسان می‌فرمایند «هل جزاء الاحسان الا الاحسان»؛<sup>(۱)</sup> آیا جزای نیکی جز نیکی خواهد بود؟

منتهی خدمت نمودن به دختر فاطمه زهرا علیها السلام اجر و ثواب گران قدری دارد که نمونه زیر گویای این واقعیت است.

آقای جرج جرداق مسیحی اهل لبنان و صاحب کتاب «الامام علی علیه السلام صوت العدالة الانسانية» که نمی‌تواند سوار هواپیما شود، برای دیدن مقام معظم رهبری، مرز به مرز آمده بود تا به ایران رسیده بود.

معظم له از او خیلی تجلیل و تمجید کرده، فرمودند: راجع به کتابی که در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نوشتید، من به عنوان فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام از شما تشکر می‌کنم چرا که شما این کتاب را درباره پدر و مولای ما نوشتید. از آنجا که حضرت امیر علیه السلام هر کس را که به ایشان خدمتی بکند، بی‌جواب نمی‌گذارد، یک پیشنهاد دارم. جرج جرداق گفت: بفرمایید ایشان فرمودند: کار شما ناقص است، پیشنهادم این است برای اینکه صله حضرت علی علیه السلام به شما برسد، الاحسان بالاتمام، کارتان را تمام کنید و اتمام کار شما به این است که درباره عمه سادات حضرت زینب علیها السلام نیز کتابی بنویسید، اگر این کار را کردید من به شما قول می‌دهم که حضرت علی علیه السلام

شمارا بی جواب نخواهد گذاشت. او هم قبول کرد و گفت این کار را خواهم کرد. سپس بلند شد تا برود، من برای بدرقه ایشان آمدم ایشان به من گفت: بشرنی السید القائد بالاسلام (رهبر انقلاب مرا بشارت داد به این که مسلمان خواهم شد). و ان خدمة سیدتنا علیها السلام نتیجتاً هو الاسلام، صلته هو الاسلام. این که آقا فرمودند: بدون صله نخواهد گذاشت این مژده را ایشان به من دادند که در آینده مسلمان خواهم شد.<sup>(۱)</sup>

و ناگفته پیداست که هیچ عملی از دید نافذ این خاندان مخفی نمی ماند. و حکایت زیر گویای این واقعیت است.

### تمیز کردن حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام و عنایت امام زمان علیه السلام

مرحوم آیه الله العظمی میرزا حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو که کمر استعمار را بانوک قلمش شکست پیش از مرجعیت خویش، به همراه علامه مرحوم حاج ملا علی کنی به زیارت خانه خدا رفتند و پس از انجام حج به سمت شام سفر کردند.

در شام هنگامی که به زیارت بانوی دو سرا حضرت زینب علیها السلام شرفیاب شدند، دیدند بر اثر سهل انگاری خادم، حرم مطهر و ضریح تمیز و عطر آگین نیست. به همین جهت این دو عالم بزرگوار، لباسهای خویش را کنار نهاده و به نظافت و غبارروبی ضریح و حرم پرداختند. مرحوم میرزا هنگامی که خواستند خاکروبه‌ها را بردارند چون سطل زباله و دیگر

۱- مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، مجله آب، آینه، آفتاب، ص ۳۱، به نقل از حجة الاسلام والمسلمین موسوی کاشانی.

وسایل نظافت نبود و چیزی نیافتند با دستمال و عبای خویش این کار را انجام دادند و این خدمت ناچیز را جز خداوند متعال و روح مقدس اهل بیت علیهم السلام و حضرت زینب علیها السلام و علامه کنی که همراه او بود، کسی ندید و نشنید و قضیه تمام شد و گذشت.

از سوی دیگری از زائران خانه خدا از اهالی قطیف - عربستان سعودی - به زیارت خانه خدا می رود و در آنجا پولش تمام می شود. در مسجد الحرام دست به دعا برمی دارد و به جان جانان و امید امیدواران و پناه بی پناهان امام عصرها و نسلها حضرت مهدی علیه السلام توسل می جوید تا خداوند متعال وسیله زیارت عتبات را برای او فراهم نماید.

یکی از روزها همانگونه که پرده خانه را گرفته بود و به ولی خدا، حضرت مهدی علیه السلام توسل جسته بود، می بیند، دستی به شانه اش رسید و گفت: «چه می خواهی؟»

او خواسته و تقاضای خویش را بیان می کند. صاحب آن دست مшти لیره به او می دهد و می گوید: «به نجف که رفتی نزد میرزا محمد حسن برو و بگو: سید مهدی گفت: به این نشان که به همراه حاج ملا علی کنی، به هنگام بازگشت از مکه در شام به زیارت عمه ام زینب علیها السلام مشرف شدی و حرم را نظافت کردی و غبار رویی نمودی و با گوشه عبا و دستهای خود آنجا را پاکیزه ساختی، اینک بیست اشرفی به من بده.

عالم ربانی مرحوم حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی که در نجف در محضر مرحوم آیت الله میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم میرزای بزرگ بوده، از ایشان نقل می کند، تا آن مرد این نشانی را داد پدرم دگرگون



شد و برخاسته و بیست اشرفی به او داد.

نگارنده از برخی بزرگان شنیدم که آن زائر هنگامی که به تهران آمد و خدمت علامه کنی رفت، جریان را گفت و آن مرحوم بسیار گریست و گفت: «چون میرزای بزرگ در نظافت و غبارروبی حرم کوشش بسیار داشت به این عمل مورد توجه محبوب دل‌ها قرار گرفته است».<sup>(۱)</sup>

#### ۴. شباهت در سیره

امام مهدی علیه السلام و عمه بزرگوارش علیها السلام از یک کانون و دودمان هستند و الگوهای مشابه دارند. زینب علیها السلام از مادرش حضرت زهرا علیها السلام درس چگونه زیستن را می‌آموزد و یوسف زهرا علیها السلام حجة بن الحسن العسکری علیه السلام نیز در این خصوص می‌فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»<sup>(۲)</sup>. لذا رفتار و سیره این دو بزرگوار شباهت‌های فراوانی به هم دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

#### کانون امید

زینب علیها السلام مانند پدر بزرگوارش امام علی علیه السلام شب‌هایش را با دل‌جویی از مستمندان چراغانی می‌کرد. خانه زینب علیها السلام کانون امید گرفتاران و درماندگان بود<sup>(۳)</sup>. او از اوان کودکی تا پایان عمر با این خصیصه زیست.

۱- مرقدالعقلیه، حسنین سابقی، ص ۱۸۷؛ مراقد اهل بیت در شام، سید احمد فهری، ص ۷۴.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۵۳۷؛ بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۳- آل بیت النبی، ص ۵۰؛ پیام آور عاشورا، ص ۱۲۲.

روزی مهمانی به خانه علی علیه السلام آمد، غذا در خانه نبود. علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا غذایی در خانه یافت نمی‌شود؟

فاطمه جواب داد: نه، جز یک عدد نان که آن را برای دخترم زینب علیها السلام نگه داشته‌ام. زینب علیها السلام سخن مادر را شنید، با اینکه در حدود پنج ساله بود به مادر عرض کرد: نان مرا برای مهمان ببرید، من صبر خواهم کرد. <sup>(۱)</sup>

وی فرزند سخاوت است او در خانه فاطمه علیها السلام و در سایه علی علیه السلام بزرگ شده بود در خانه‌ای که در شأن آنها سوره «هل اتی» نازل شده بود. <sup>(۲)</sup>

و در زمانی که در مدینه در خانه شوهرش عبدالله بن جعفر بود، کمر به خدمت بسته و شوهرش را در کمک رسانی به بی‌نویان و دردمندان حمایت می‌کرد و واسطهٔ مهربانی بین آنها و شوهرش بود <sup>(۳)</sup> خلاصه، ایثار او در حدی بود که در دوران اسارت، سه شبانه روز غذای خود را بین کودکان تقسیم نمود، در حالی که خود گرسنه بود. امام مهدی علیه السلام هم در این زمان غوث و کانون امید دردمندان و گرفتاران است. ایشان در همین عصر گرفتاری‌های زیادی را بر طرف می‌نماید.

## عبادت

حضرت زینب علیها السلام همانند پدر و مادر و جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و برادرانش قبل از هر چیز بندهٔ خالص خدا بود و شیوهٔ بندگی در تمام رفتار و

۱- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۴.

۲- الغدیر، ج ۳، ص ۱۰۷؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۱۵۷.

۳- حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۸۲.

حرکات او آشکارا دیده می‌شود. او دست‌پروردهٔ پیامبر ﷺ، فاطمه علیها السلام، و علی علیه السلام، و حسنین علیهم السلام بود. وی با الگو قرار دادن این بزرگوران بندگی و عبودیت را تا آخر عمر با معرفت کامل حفظ کرد، تا آنجا که روز یازدهم محرم در کنار بدن برادر با کمال خضوع و خلوص به خداوند عرض می‌کند: «اللهم تقبل منا هذا القليل القربان؛ خدایا این قربانی اندک را از ما قبول بفرما!»<sup>(۱)</sup> حتی در شب یازدهم با آن همه داغ و غم و اندوه و خستگی نماز شب را ترک ننمود. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «در آن شب دیدم عمه‌ام زینب علیها السلام نشسته مشغول نماز و عبادت است»<sup>(۲)</sup>.

به راز و نیاز و به سوز و گداز تو گویی که، زهرا بود در نماز

و از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگام اسارت می‌دیدم عمه‌ام زینب علیها السلام از کوفه تا شام با آن همه رنج و سختی و گرفتاری و پرستاری و تجدید داغ‌ها هیچگاه از عبادت خود نکاست. در یکی از نیمه‌های شب عمه‌ام را دیدم که بر اثر ضعف نماز شب را نشسته می‌خواند. علتش را پرسیدم، فرمود: سه شبانه روز است که جیره‌ی غذایی خود را به کودکان می‌دهم و بر اثر شدت گرسنگی قدرت ایستادن ندارم»<sup>(۳)</sup>.

فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام هم می‌گوید: در شب عاشورا، عمه‌ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت، با خداوند راز

۱- کبریة احمر، طبع اسلامیة، ص ۳۷۶، الطراز المذهب، ص ۷۵؛ حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۸۷

۲- حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۸۷

۳- ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲؛ الخصایص الزینیة، جزایری، ص ۲۱۶.

۲۰۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

و نیاز و مناجات می‌کرد، و پیوسته اشک از چشم‌های او سرازیر می‌شد! (۱)  
امام کاظم علیه السلام نیز درباره آخرین حجت الهی علیه السلام می‌فرماید:

بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است.  
پدرم فدای کسی باد که در طول شب در حال سجده و رکوع،  
تماشاگر طلوع و غروب ستارگان است. (۲)

و امام رضا علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «یکون... اعبدالناس»؛ او  
عابدترین مردمان است. (۳)

اما جلوه‌ای بارز از پرتو عبادات حضرت زینب علیها السلام و امام مهدی علیه السلام در  
نحوه گریه بر سالار شهیدان امام حسین علیه السلام است.  
فرموده است حضرت صادق که شیعیان

اندر بُکای جدم حسین هست حرمتی

آید به قدر بال مگس اشک چشم کس

باشد نشان عفو خدا و عبادتی (۴)

بیش از هزار سال بود کز غم حسین

فرزند باقی‌اش به حجابات غیبتی

---

۱- زینب قهرمان دختر علی علیه السلام، ص ۱۰۶.

۲- «يعتوره مع سمرته صفرة من سهر الليل بأبي من ليله يرعى النجوم ساجدا و راكعا»؛ فلاح السائل،  
ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱

۳- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴- قال الامام الصادق علیه السلام: «من ذكر الحسين علیه السلام عنده فخرج من عينه من الدموع مقدار جناح ذباب،  
كان ثوابه على الله عزوجل، ولم يرض له بدون الجنة؛ هر کس به اندازه بال مگس، برای امام  
حسین علیه السلام گریه کند، خداوند او را پاداش داده و داخل بهشتش می‌فرماید»، ثواب الاعمال، باب  
ثواب البكاء على الحسين، ص ۳۳۹.

بر جدّ خود، امام زمان گریه می‌کند

ای شیعه! گریه کن بر آن شه رعیتی<sup>(۱)</sup>

مرحوم سید نورالدین جزایری در خصائص زینبیه می‌نویسد: «توسل به حضرت سیدالشهدا علیه السلام افضل طاعات و اجلّ عبادات و اکمل قربات است، این مطلب هم معلوم است که هر کس زیادتراً از این خرمن فیض خوشه چید، مراتب او زیاده از دیگران گردید... حضرت زینب علیها السلام تمام عمر خود را صرف در تحصیل این عبادت جلیله نموده، چنان چه از روز عاشورا تا روزی که از دنیا رفت، همه روز مشغول گریه و ناله بود...»<sup>(۲)</sup>

تاریخ به شهادت شوهر حضرت زینب؛ عبدالله بن جعفر می‌گوید:

«حضرت زینب علیها السلام در تمام عمر برای سالار شهیدان علیه السلام گریه می‌نمود»<sup>(۳)</sup>. امام زمان علیه السلام نیز در «زیارت ناحیه مقدسه» خطاب به جدّ بزرگوارشان می‌فرماید: پس اگر روزگار (ولادت) مرا به تاخیر انداخت و مقدرات، مرا از یاریت دور ساخت و با کسانی که با تو جنگ نمودند، کارزار نکردم؛ پس صبح و شام برایت ناله می‌زنم و به جای اشک خون می‌گیرم و به جهت اندوه و تاسف مصایب بر تو در سوز و گدازم تا اینکه از بی‌قراری مصیبت‌ها و غصه‌ها بمیرم»<sup>(۴)</sup>.

۱- این اشعار هفده بیت از شاعر گرانقدر، میرزا احمد ذاکر است. رک: یا قوت الکلام یا گنجینه فیوضات، ص ۱۷.

۲- ترجمه خصائص، ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۴۲.

۳. الوافی فی المسأله الشرقیة، ج ۱، ص ۴۳؛ حیاة الامام الحسین علیه السلام، باقر شریف قریشی، ج ۳، ص ۴۲۸.

۴. «فلئن أخرتني الدهور، وعاقني عن نصرک المقدور ولم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلاندینک صباحاً و مساءً...»؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷.

## صبر

حوادث تلخ و ناگواری که برای ام المصائب حضرت زینب علیها السلام رخ داد مانند غم فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله، شهادت مادر، پدر و برادرانش علیهم السلام به حدی سنگین است که فقط خدا می داند، حضرت زینب علیها السلام چه مقامی در برابر تحمل این مصایب دارد که این گونه زبانحال او را نقل کرده اند:

«سأصبر حتى يعجز الصبر عن صبري»؛<sup>(۱)</sup>

آن چنان صبر و استقامت کنم که خود صبر از صبر من ناتوان گردد.

لذا زائرین کوشش عرضه می دارند:

«لقد عجبت من صبرها ملائكة السماوات»؛ فرشتگان آسمان از صبر تو

متعجب هستند.

صبر از زبان عجز، ثناخوان زینب است

عقل بسیط، واله و حیران زینب است

ایوب صابر است، ولیکن در این مقام

حیرت زده، ز صبر فراوان زینب است<sup>(۲)</sup>

امام مهدی علیه السلام نیز در طول امامت خویش شاهد چه ناملایماتی بوده،

ولی صبر نموده است و شکیباً بوده است، و صبر این امام همام به صبر

حضرت ایوب تشبیه شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱- الخصائص الزینبیه، ص ۳۲۷.

۲- صغیر اصفهانی.

«علیه کمال موسی، و بهاء عیسی و صبر ایوب»؛<sup>(۱)</sup>  
او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.

## عزت

حضرت زینب علیها السلام با پیروی از عزت حسینی اگر چه به ظاهر اسیر بود ولی در واقع یک لشگر اسیر او بودند. او با خطبه‌های آتشین دشمن را به ذلت کشاند. او همواره پیرو شعار «هیئات منالذلة» بود و امام مهدی علیه السلام نیز در تداوم عزت حسینی دولتی تشکیل می‌دهد<sup>(۲)</sup> که به وسیله آن اسلام و مسلمین عزیز می‌شوند: «تعزّ بها الاسلام و اهله»<sup>(۳)</sup>. لذا در پگاه هر جمعه، عاشقان حضرتش در فراق او ندبه سر داده و عرضه می‌دارند: «این معزّ الاولیاء و مدلّ الاعداء»<sup>(۴)</sup>

## هجرت

یکی از فرازهای برجسته زندگی حضرت زینب علیها السلام هجرت‌های اوست. مانند:

۱- هجرت از مدینه به کوفه و بازگشت از کوفه به مدینه؛

۲- از مدینه به کربلا؛

---

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۶.  
۲- ر.ک مجموعه مقالات همایش امام حسین (اقتدار حسینی علیه السلام)، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۵؛ از مؤلف.  
۳- دعای افتتاح.  
۴- دعای ندبه.

۳- از کربلا به کوفه و شام؛

۴- از شام به کربلا و به مدینه و در آخر از مدینه به شام

لذا در زیارت نامه او علیه السلام عرضه می‌داریم:

«السلام عليك ايها البعيدة من الاوطان»؛ سلام بر بانویی که از وطنش دور

است.

امام مهدی علیه السلام نیز در توفیق شریفش به شیخ مفید رحمته الله اشاره به هجرت خود نموده، می‌فرماید: ما اگرچه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را مادامی که حکومت دنیا به دست تبهاران می‌باشد در این کار به ما ارائه فرموده است، ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهیم.<sup>(۱)</sup>

و این هجرت و سکونت در نقاط دور دست به دستور پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام است. امام عصر علیه السلام سفارش پدر را چنین بیان فرموده‌اند: به درستی که پدرم با من عهد کرده‌اند که وطنی از زمین جز مخفی‌ترین و دورترین جای آن، انتخاب نکنم، تا این که امر خود را پوشیده سازم»<sup>(۲)</sup> بنابراین زینب علیها السلام و مهدی علیه السلام الگوهای بسیار مناسبی در مسائل اخلاقی برای پیروان خود ارائه داده‌اند که شایسته است مورد دقت قرار گیرد.

۱- «نحن وان كنا ناوين بمكاننا الثاني عن مساكن الظالمين، حسب الذي ارناه الله تعالى لنا من الصلاح، ولشيعتنا المؤمنين في ذلك، مادامت دولة الدنيا للفاسقين، فانا نحيط علماً بانباتكم»؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲- «ان ابي عليه السلام عهد الي ان لا اوطن من الارض الا اخفاها و اقصاها، اسراراً لامرى...»؛ كمال الدين، ج ۲، ص ۴۴۷.



## فصل سوم: رهیافت‌ها

حرکت و نحوه عمل حضرت زینب علیها السلام دست مایه‌ای برای بهتر فهمیدن برخی از مباحث مهدویت است مانند:

### ۱- حضور زن؛

حضور حضرت زینب علیها السلام در کاروان حسینی و نقش مهمش در راستای اطاعت از امام زمانش (امام سجاد علیه السلام) و سرپرستی و پرستاری، دست مایه‌ای برای بهتر فهمیدن روایات نقش زنان در دولت مهدی علیه السلام است. با بررسی روایات درباره نقش زنان پیش و پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به نکات ارزنده‌ای دست می‌یابیم که هم‌آهنگ و همسو با گوشه‌ای از فعالیت‌های حضرت زینب علیها السلام است: برخی از زنان آنچنان،

ثابت قدم و استوار بر مبانی ارزشی هستند که مردم را از خطر و فتنه دجال آگاهی و بر حذر می‌دارند. ابوسعید خدری می‌گوید: «هر جا دجال قصد می‌کند به آنجا برود، زنی به نام لئیه (طیبه) پیش از او، خود را به آنجا می‌رساند و می‌گوید: دجال به سوی شما می‌آید؛ از او دوری جوئید و از عاقبت کارش بر حذر باشید»<sup>(۱)</sup>

و مفضل بن عمر هم از نقش زنان در روز ظهور از صادق آل محمد علیهم‌السلام می‌پرسد، که امام صادق علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «زخمی‌ها را مداوا می‌کنند و از بیماران پرستاری می‌نمایند؛ هم چنانکه همراه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند»<sup>(۲)</sup>.

اما آنچه مهم و ضروری‌تر است، نحوه حضور حضرت زینب علیها‌السلام در اجتماع قبل از حادثه خونین کربلاست. وقتی به حافظه تاریخ مراجعه می‌کنیم، حجاب و عفاف را یادآوری می‌کند که درس مهمی برای علاقه‌مندان و پیروان زینب علیها‌السلام است.

دکتر عایشه بنت الشاطی در این باره می‌گوید: «تاریخ درباره وصف رخسار زینب علیها‌السلام ساکت است و از آن ایام چیزی به ما نمی‌گوید؛ زیرا زینب در حجاب خویش مستور بوده و جز از پشت پرده نظاره بر او ممکن نبوده است»<sup>(۳)</sup>.

۱- فتن ابن حماد، ص ۱۵۱، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲

۲- دلائل الامامة، ص ۲۵۹، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۵.

۳- السيدة زینب، نویسنده این کتاب از قلم به داستان درجه اول زبان عرب و فرزند یکی از روحانیون مصر است. این کتاب تا کنون چندین ترجمه شده است که یکی از بهترین آنان، ترجمه سید رضا صدر با عنوان «بانوی کربلا زینب دختر زهرا علیها‌السلام» است.

علامه مامقانی رحمته الله در این خصوص می‌نویسد: «و هی فی الحجاب فریده لم یرشخصها احد من الرجال فی زمان ایها و اخویها الی یوم الطف؛<sup>(۱)</sup> زینب در حجاب و عفاف یگانه است، احدی از مردان در زمان پدرش و برادرانش تا روز عاشورا او را ندیده بودند».

تاریخ گواه است که امیر مؤمنان این شیوه را برای دخترش پسندیده بود. و این مطلبی نیست که تنها شیعه آن را گفته باشد. علمای اهل سنت نیز به این حقیقت، معترفند

خوشر آن باشد که ذکر دلبران گفته آید در حدیث دیگران یحیی مازنی که از علمای اهل سنت است، می‌گوید: «مدتهای زیادی در مدینه، در همسایگی حضرت علی رضی الله عنه زندگی می‌کردم، اما به خدا قسم! ابداً زینب را ندیدم و حتی صدای او را نشنیدم، حتی برای زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها از خانه بیرون می‌رفت در حالی که علی رضی الله عنه پیشاپیش و حسن رضی الله عنه در سمت راست و حسین رضی الله عنه در سمت چپ او بودند.»<sup>(۲)</sup>

براستی حجاب و عفاف دختر علی رضی الله عنه دست مایه و الگوی بسیار دقیق و ظریفی برای آخرالزمان است. در روایات زیادی، چهره زنان را در آخرالزمان متفاوت با سیمای عفاف زینب رضی الله عنها بیان می‌کند،<sup>(۳)</sup> که تنها وسیله‌رهایی از این گرداب سهمگین، تمسک به حجاب، عفاف و حیاء حضرت زهرا رضی الله عنها و دخترگرامیش حضرت زینب رضی الله عنها است.

۱- تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

۲- زینب الكبرى، ص ۲۷، زندگانی حضرت زینب، دکتر علی قائمی، ص ۱۴۶، زینب کبری رضی الله عنها، حسن الهی، ص ۱۰۰.

۳- رک: روزگار رهایی، ج ۲، ص ۷۴۹.

امام زمان علیه السلام نیز این خط فکری و این حجاب و عفاف را می‌پسندد، و خواهرانی که در این مسئله مانند زینب علیها السلام هستند، قطعاً در زمان حیات و ممات مورد تأیید و مشمول عنایات امام عصر علیه السلام بوده و می‌باشند، که نمونه زیرگویای این حقیقت است.

مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر مجتهد سیستانی رحمته الله در مشهد مقدس برای تشرّف به محضر امام عصر علیه السلام، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، آغاز کرد، ایشان می‌گوید: «در یکی از جمعه‌های آخر، ناگهان نوری که از خانه نزدیک آن مسجد، می‌تابید، مشاهده کردم. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم، و به دنبال آن نور به آن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه‌ای بود که از درون آن، نور عجیبی می‌تابید! در زدم، وقتی درب را باز کردند، امام زمان علیه السلام را مشاهده کردم که بر سر جنازه‌ای هستند، و پارچه سفیدی نیز روی جنازه کشیده بودند.

اشک ریزان سلام کردم. حضرت علیه السلام به من فرمودند: «چرا این گونه به دنبال من می‌گرددی، و این رنجها را متحمل می‌شوی؟ مثل این باشی (اشاره به آن جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم! بعد فرمود: این بانویی است که در دوره بی‌حجابی (رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد، تا مبادا نامحرم او را ببیند!»<sup>(۱)</sup>

اصولاً حضور زن در اجتماع بر اساس آیات نورانی قرآن کریم به عنوان

۱- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸، ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۲۶.

«اضطرار» و با شرایطی بیان شده است<sup>(۱)</sup>، قرآن مجید علت حضور دختران حضرت شعیب علیه السلام را در جامعه آن روز، کهولت سن پدرشان بیان می‌فرماید: «ابونا شیخ کبیر»<sup>(۲)</sup> علاوه بر آنکه، آنها دو نفر بودند «امراتین» و با مردان اختلاطی نداشتند «من دونهم - لانسقی حتی یصدر الرعاء».

## ۲- نیابت:

شب عاشورا امام حسین علیه السلام و زینب علیها السلام با یکدیگر گفتگو می‌کردند. بی‌تابی زینب علیها السلام در پرتو گفتگو با امام حسین علیه السلام محو شد و دل دریایی او آرام گرفت، توفانها از جان او رخت بر بست و آفتاب شکیبایی بر جانش تابید.

زینب علیها السلام از آن پس نیابت امام حسین علیه السلام را بر عهده داشت<sup>(۳)</sup> تا امام سجاد علیه السلام بهبود حاصل کند. این نیابت خاصه، افقهای بی‌پایانی در منظر زینب علیها السلام گشود. شهید مطهری رحمته الله می‌نویسد: «از عصر عاشورا، زینب علیها السلام تجلی می‌کند از آن به بعد رئیس قافله اوست.<sup>(۴)</sup> امام حسین علیه السلام به زینب علیها السلام ماموریت داده بود که احکام دینی را از طرف امام سجاد علیه السلام برای بستگان تبیین کند. سالها بعد وقتی احمد بن ابراهیم بر حکیمه عمه امام حسن

۱- رک: تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷ و ۳۸.

۲- قصص، ۲۵.

۳- مرقد العقیلة زینب، ۳، ص ۲۱.

۴- حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۲. و در کتاب العیون العبری، ص ۵ آمده است: «و کانت زینب علیها السلام لها نیابة خاصة عن الحسين علیه السلام و کان الناس یرجعون الیها فی الحلال والحرام؛ زینب علیها السلام از جانب امام حسین نیابت خاص داشت، و مردم در احکام حلال و حرام به او مراجعه می‌کردند، تا امام زین العابدین علیه السلام بهبودی حاصل نماید.

۲۱۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

عسگری علیه السلام در سال ۲۶۲ وارد شد و از ورای حجاب سؤالات خود را مطرح نمود و حکیمه جواب داد، در پایان از او پرسید: حجت خدا کجاست؟ فرمود: در پشت پرده غیبت. پرسید: شیعیان به چه کسی پناه ببرند؟ فرمود: به جدّه، مادر امام حسن عسگری علیه السلام، پرسید: امام حسن عسگری علیه السلام در وصیت کردن به یک زن از چه کسی پیروی نموده است؟ فرمود: به امام حسین علیه السلام اقتدا کرده است، او نیز به زینب علیها السلام وصیت کرده بود. (۱)

بهترین شاهد بر این نیابت، تصرف تکوینی، در بازار کوفه، به هنگام خطبه خواندن است، که بایک جمله علاوه بر خاموش کردن همه مردم، زنگهای شتران را نیز، ساکت و آرام کرد.

### ۳- حمایت

حفظ و حمایت معصوم علیه السلام به منزله نگه داشتن «واسطه فیض» و «ارکان عالم» است که نتیجه آن شامل همه موجودات می شود زینب علیها السلام، دختر حضرت علی علیه السلام است؛ کسی که با خوابیدن در بستر پیامبر در «لیلة المبيت» جان پیامبر صلی الله علیه و آله را حفظ نمود (۲).

۱- غیبت طوسی، ص ۲۳۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۳.  
۲- فریقین این فضیلت را نقل کرده اند، ابو جعفر اسکافی که از علمای اهل سنت است در این باره می گوید: این حدیث به تواتر ثابت شده است و هیچ کس انکار نمی کند مگر آنکه دیوانه باشد و همه مفسران ذیل آیه شریفه «و من الناس من یشری» این واقعه را نقل کرده اند. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۶۱، خ ۲۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۹، تاریخ ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۱؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۴، ج ۶، ص ۴۸۱؛ الغدير، ج ۲، ص ۸۶

او علیه السلام دختر زهراست، کسی که در حمایت از امام علی علیه السلام جانش را تقدیم ولایت نمود او نوه حضرت خدیجه علیها السلام است، کسی که با تمام وجود از نبوت حمایت نمود.

جان نثاری و حمایت حضرت زینب علیها السلام در واقعه طف بسیار شگفت‌انگیز و حیرت‌آفرین است. او از فراز «وصایت و نیابت» چندین بار حامی و سپر امام زمانش علیه السلام شد: او با حضورش در کاروان حسینی عظمت و جلالت خاصی به قافله بخشید و در روز عاشورا با سبقت بر امام حسین علیه السلام و رساندن خود، بر بالای پیکر غرقه به خون حضرت علی اکبر علیه السلام حمایت عظیمی را به منصفه ظهور گذاشت.

■ هنگامی که صدای علی اکبر «یا ابتاه علیک منی السلام»<sup>(۱)</sup> در میدان طنین افکن شد. امام حسین علیه السلام سوار بر اسب و حضرت زینب علیها السلام پای پیاده سوی میدان شتافتند، و زینب علیها السلام شتابان<sup>(۲)</sup> خود را زودتر به عزیز برادر رساند.

مرحوم سید نورالدین جزائری در خصائص زینبیه می‌نویسد:  
«چون حضرت سیدالشهداء رسید، اول نظرش به خواهر افتاده! و از فرط غیرت ناموس داری، ابتدا خواهر را به خیمه برگردانید و دوباره خود مراجعت نمود. و در حقیقت این تدبیر زینب، مانع از سگته نمودن برادر شد.»

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۴؛ مقتل مقرر، ص ۴۴.

۲- ترجمه مقتل ابی مخنف، ص ۱۲۹.

■ هنگامی که صلاهی حسینی؛ «هل من ناصر ینصرنی» ارکان عالم را به لرزه درآورد، امام چهارم علیه السلام، افتان و خیزان وارد صحنه نبرد شد. و این زینب علیها السلام بود که با بازگرداندن او به خیام، دودمان امامت را حفظ و حراست نمود. (۱)

■ بعد از ظهور عاشورا، هنگامی که شمر ملعون، قصد کشتن امام علیه السلام را داشت، زینب علیها السلام سراسیمه جانش را سپر بلا نمود و فریاد برآورد: «تا من زنده هستم، نمی‌گذارم جان زین العابدین علیه السلام در خطر افتد، اگر می‌خواهید او را بکشید، اول مرا به قتل برسانید» و دشمن منصرف شد. (۲)

■ بعد از آتش گرفتن خیمه‌ها زینب سراسیمه خود را به آتش می‌زند و امام زمان‌اش را از میان شعله‌های آتش نجات داد.

■ زینب علیها السلام با صبر و شکیبایی و دل‌داری و یادآوری حدیث ام‌ایمن (۳) به یاری امام سجاد علیه السلام شتافت. (۴) و عرضه داشت: «مالی اراک تجودُ بنفسک یا بقیة الماضین» (۵)

■ و آن هنگام که فرماندار ناپاک کوفه؛ «عبیدالله بن زیاد» دستور قتل امام علیه السلام را صادر کرد، خروش زینب علیها السلام بود که دشمن را وادار به عقب

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶؛ ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۹۱.

۲- نفس المهموم، ص ۲۰۵؛ ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۱۰۸.

۳- ام‌ایمن: خدمت گزار آمنه و پرستار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پیامبر او را عضو خانواده و مادر خود می‌خواند و به او احترام و محبت بسیار می‌نمود، این زن با فضیلت راوی حدیث بوده و در جنگهای احد، حنین و خیبر شرکت داشته است. الاصابة، ج ۴، ص ۴۳۲؛ اعلام النساء المؤمنات، ص ۲۵۲.

۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۰.

۵. کامل الزیارات، ص ۲۶۱، مقتل مقرر، ص ۲۰۰.



نشینی کرد، او فریاد برآورد: «حسبک من دماننا... واللّه لا افارقه، فان قتلته فاقتلنی معه»<sup>(۱)</sup> ای پسر زیاد! خونریزی بس است، دست از کشتن خاندان ما بردار! نمی توانی ببینی که حتی یک نفر از دودمان ما زنده باشد؟ به خدا هرگز او را رها نخواهم کرد، تا اگر می خواهی او را به قتل برسانی، خون مرا هم با خون او بریزی!

■ همچنین او با سرپرستی کاروان اسرا به حمایت از امام محمد باقر علیه السلام که آن زمان طفلی سه ساله بود نیز همت عالی گماشت.

مانیز در عصر غیبت نسبت به مولی و سرورمان و وظایف و مسئولیت‌هایی داریم.<sup>(۲)</sup> یکی از وظایف، حمایت از امام زمان علیه السلام است. منتهی چگونگی حمایت و یاری امام عصر علیه السلام بر حسب زمانها و مکانها متفاوت است. حمایت از ایشان، گاهی با ذکر فضائل و صفات و دلایل و معجزات و نشانه‌های اوست و گاهی هم با دعا کردن برای تعجیل فرج و سلامتی اوست. آنچه از حضرت زینب علیها السلام برای این عصر می توان آموخت، تصمیم و اقدام عملی برای شناختن و شناساندن و حمایت و یاری همه جانبه امام زمان علیه السلام است، دست کشیدن از آرزوها و هوسها و یاری دین خدا و ولی او، مهم ترین نوع حمایت از امام زمان علیه السلام است.

ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله در روضة کافی به سند خود از عبدالحمید واسطی آورده که گفت: به حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: به درستی که ما در انتظار این امر بازارهایمان را ترک گفتیم تا جایی

۱- لهوف، ص ۹۶؛ ارشاد مفید، ص ۲۴۴، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۷.

۲- ر.ک: مکالمات المکارم، ج ۲، ص ۱۸۱-۵۶۸ که ایشان هشتاد وظیفه را بیان کرده است.

که بیم آن می‌رود که بعضی از ما به گدایی افتند! حضرت علیه السلام فرمود:  
 «ای عبدالحمید! آیا می‌پنداری هر کس خودش را در راه  
 خداوند وقف کرد، خداوند برایش راه درآمدی قرار نخواهد  
 داد؟...» (۱)

بنابراین باید گفت: هر کس به این وظیفه مهم عمل کند. در دنیا و آخرت  
 سعادت‌مند و سرافراز است و همواره، سرتاسر زندگی‌اش همراه با برکات و  
 عنایات مادی و معنوی امام عصر علیه السلام توأم است. یقیناً، آنها احتیاج به کمک  
 و یاری ما ندارند. بلکه ما محتاج عنایت این خاندان هستیم.

#### ۴- یا لثارات؛

اگر شعار «یا لثارات» توسط گروه توابین و قیام مختار بعد از فاجعه  
 کربلا مطرح شد، همه می‌دانند مرهون خطبه‌های آتشین حضرت  
 زینب علیها السلام است که اثرش تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد. زیرا شعار  
 لشکر امام مهدی علیه السلام هم «یا لثارات الحسین» است. (۲)

به عبارت دیگر: انتقام و خون‌خواهی بعد از واقعه عاشورا و ام‌دار نقش  
 حضرت زینب علیها السلام است و هنگامی که منتقم این خاندان قیام نماید، بار  
 دیگر خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در خاطره‌ها زنده می‌شود و قیام امام  
 مهدی علیه السلام لیبکی گویا به خواسته‌های عمه بزرگوارش است اگر در طول  
 تاریخ، عده‌ای شعار «یا لثارات» سر دادند، منتهی به تمام معنی پیروز

۱- روضة الکافی، ج ۸ ح ۳۷.

۲- امام صادق علیه السلام: «شعار هم یا لثارات الحسین...» مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۴، ب ۴۷، ح ۷؛  
 نجم ثاقب، ص ۴۶۹.

نشدند. یاران امام مهدی علیه السلام برای آخرین بار، طنین شعار «یا لثارات» را در جهان به گوش جهانیان می‌رسانند و غمی که سالها، قلب زینب علیها السلام را جریحه دار کرده است التیام می‌بخشند.

## ۵- معرفت امام؛

تمام خطبه‌های زینب علیها السلام در راستای معرفت امام است که در حقیقت دمیدن روح حیات به جامعه بشری است خطبه‌های او معنایش این است، چرا امام خود را شناختید و بر علیه او شمشیر کشیدید؟ از این به بعد سعی در معرفت امام علیه السلام نمائید، و این مسئله رهیافتی برای معرفت امام عصر علیه السلام است. چرا که «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة»<sup>(۱)</sup>؛ «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، [علاوه بر زندگی جاهلی] به مرگ جاهلیت می‌میرد».

امروزه اگر شخصی سخنان حکیمانه دختر حضرت علی علیه السلام را دنبال کند نتیجه‌اش این است که در صف یاران امام زمان علیه السلام و در مقابل دشمنان این خاندان قرار می‌گیرد.

امام زمان علیه السلام خطبه‌های عمّه‌اش را بسیار دوست دارد و در تشرّفی که آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله خدمت ایشان مشرف شده بودند دستور دادند که خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام را حفظ کنند.<sup>(۲)</sup>

۱- علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶-۹۳ بابی را با همین عنوان قرار داده و چهل حدیث را به همین معنا از راویان بسیار روایت کرده، که الفاظ آن نزدیک به هم است.

۲- رک: عنایات امام زمان علیه السلام به آثار امام حسین علیه السلام، ص ۱۶.

## خاتمه: توسل

عمه سادات حضرت زینب علیها السلام نزد خداوند متعال آبرویی عظیم دارد، آیه الله العظمی میرزای قمی صاحب کتاب «قوانین الاصول» (متوفی ۱۲۳۱) که از مراجع برجسته و صاحب کرامات باهره است و امروزه مرقدهش در قبرستان شیخان قم پناه حاجت مندان است برای نام مبارک و مقدس حضرت زینب علیها السلام قائل به تأثیر خاصی بود. وی واسطه قرار دادن نام او را در بین خود و خدا موجب استجابت دعا می دانست.<sup>(۱)</sup> لذا مناسب است به او توسل جوئیم و مهم ترین خواسته خود (فرج) را با شفاعت او در خواست نماییم.

---

۱- حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص ۳۰۹.

مرحوم فیض الاسلام (صاحب ترجمه نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و...) که دارای عمر با برکتی بود و کتابهای بسیاری ترجمه و تالیف نمود، در مقدمه کتاب «خاتون دوسرا» ترجمه کتاب «سیدتنا المعصومه زینب علیها السلام الکبری» می نویسد:

به مرضی مبتلا شدم و مداوای پزشکان بی اثر بود. برای طلب شفا به همراه خانواده به کربلا رفتم ولی نتیجه نگرفتم از آنجا به نجف اشرف رفتم و متوسل به ذیل عنایات حضرت علی علیه السلام شدم ولی بیماری مرا در فشار سخت قرار داده بود، تا اینکه در نجف اشرف یکی از دوستان که از زائران بود مرا با عده‌ای از علما به خانه‌اش دعوت کرد، به خانه او رفتیم در خانه او یکی از علما فرمود:

پدرم می گفت هر گاه حاجت و نیازی داری خداوند را سه بار به نام حضرت زینب کبری علیها السلام بخوان که بدون شک خداوند خواسته ات را روا می سازد. من سه بار خداوند را به مقام حضرت زینب علیها السلام خواندم و شفایم را از خداوند خواستم. علاوه بر آن نذر کردم که اگر سلامتی خود را باز یافتم کتابی در شرح زندگی حضرت زینب علیها السلام بنویسم. سپاس خدا را که پس از مدتی کوتاه شفا یافتم. سپس با یاد آوری یکی از دخترانم، به نذر خود وفا کردم و این کتاب را نوشتم. (۱)

## توصیه امام زمان علیه السلام به دعای فرج به حرمت حضرت زینب علیها السلام

حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز از ما خواسته به حرمت عمه بزرگواش خدا را قسم بدهیم. آیه الله حاج میرزا احمد سیبویه می گوید: «در روزگاری که افتخار تشریف و زندگی در سامرا را خدای پر مهر روزیم ساخته بود، عصر روز جمعه ای به سرداب مقدس رفتم و دیدم خلوت خلوت است و هیچ کسی در آنجا نیست، حال خوشی دست داد و زبان به راز و نیاز گشودم.

الهی بی پناهان را پناهی      بسوی خسته حالان کن نگاهی  
چه کم گردد ز سلطان گر نوازد      گدایی راز رحمت گاهگاهی<sup>(۱)</sup>  
آری درست در شور و حال بودم که صدایی مرا به سوی خود کشید.  
خدایا! این صدای کیست؟!

به سوی مقام مقدس صاحب الزمان علیه السلام روی آوردم و گوش سپردم دیدم به فارسی روان می فرماید: «به شیعیان و دوست داران ما بگو که خدا را به حق عمه ام زینب علیها السلام و به حرمت او سوگند دهند و فرج مرا از خدا بخواهند تا ظهور را نزدیک فرماید»<sup>(۲)</sup>.

پس خدایا به حق زینب علیها السلام، به حرمت زینب علیها السلام، به مقام زینب علیها السلام فرج مولا یمان را نزدیک تر بفرما! خدایا به اسرار غمهای زینب علیها السلام در ظهور حضرتش تعجیل بفرما! آمین رب العالمین.

۱- این اشعار ۱۲ بیت است.

۲- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۱، دیدار بار، ج ۳، ص ۳۲۹.

گفتنی است در توسل به حضرت مهدی علیه السلام هم، قسم دادن حضرتش به عمه بزرگوارش بسیار کارگشا می باشد:

مرحوم آیت الله سید کاظم قزوینی فرمودند:

یک وقتی در استرالیا بودیم و دوستی داشتیم به نام آقای سید قاسم جمعه که جهت معالجه فرزندش به آنجا آمده بود و در یکی از بیمارستان های بسیار مجهز و معروف شهر سیدنی او را بستری کرده بود. یک روز سراسیمه و بسیار مضطرب به محل اقامت ما آمد. وقتی سبب ناراحتی اش را پرسیدم گفت: دکتر معالج فرزندم، وضع او را وخیم توصیف می کند، حالا نمی دانم چکار کنم؟ آیا او را به بیمارستان دیگری منتقل کنم یا دنبال دکتر دیگری بگردم؟ خلاصه مانده ام که چه کنم!

به او گفتم: هیچ یک از این کارهایی که گفتم لازم نیست انجام دهی، فقط کاری را که می گویم سعی کن با اخلاص کامل و حضور قلب انجام دهی.

او در حالی که از محکم صحبت کردن من تعجب کرده بود به من گفت: شما بفرمایید چه باید بکنم! قول می دهم کوچک ترین تخطی از گفته های شما نداشته باشم، من حاضرم برای نجات پسرم هر کاری که باشد انجام دهم.

گفتم: برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام عریضه ای بنویس و بهبودی فرزندت را از آن حضرت درخواست کن.

گفت: چطور باید عریضه بنویسم؟! شما تفصیل آن را بفرمایید تا من این کار را انجام دهم.

به او گفتم: فرض کن همین حالا به تو اجازه داده شده است که خدمت آن حضرت بررسی و درخواست شفای فرزندت را از آن حضرت بنمایی، به هر صورت که خودت دوست داری این کار را انجام بده.

بعد خدا حافظی کرد و از پیش ما رفت؛ ساعتی نگذشته بود که دیدم برگشت و مطلبی را که نوشته بود با خود آورد و آن را به من داد و گفت: ببینید این گونه نوشتن مناسب است؟

دیدم در آن عریضه با تعابیر مختلفی صحت و سلامتی دوباره فرزندش را درخواست نموده است و از جمله نوشته بود: آقا جان شما را قسم می‌دهم به لباس‌های عمه‌ات زینب علیها السلام <sup>(۱)</sup> در این دیار غربت، امید مرا ناامید مکن، پسرم را شفا بده، راضی نباش که تنها و دست خالی به وطن برگردم و...

وقتی مطالب عریضه او را خواندم، در دلم خطاب به امام زمان علیه السلام عرض کردم: آقا جان از در خانه شما هیچ کس دست خالی برنگشته و بر نمی‌گردد، این مؤمن را هم که امیدش از همه جا قطع است و این گونه به عنایت شما امیدوار شده است ناامید نفرمایید.

بعد به او گفتم: متن عریضه هیچ ایرادی ندارد، ان شاء الله آقا عنایتشان شامل حال شما می‌شود و با سلامتی کامل به همراه فرزندت پیش خانواده بر می‌گردد.

یادم هست که فردای همان روز حدود ساعت هشت و نیم صبح بود که از بیمارستان به ایشان زنگ زده بودند که آزمایشات از رفع خطر و بهتر

۱. در بین عرب‌ها این تعبیر بسیار رایج است.



شدن حال مریض حکایت دارد. و بعد که از سلامتی کامل او مطمئن شدند او را از بیمارستان مرخص کردند. به این ترتیب حال آن پسر بچه علیرغم داشتن یک بیماری صعب‌العلاج روز به روز بهتر شد و این در حالی بود که اغلب پزشکانی که او را معاینه کرده بودند و یا نتایج آزمایشاتش را دیده بودند، با ناباوری این پیشامد را دنبال می‌کردند. چون با توجه به تجربیات و معیارهای عادی علمی، چنین پیشامدی به نظر آنها حداقل در این مرحله از معالجات غیر ممکن بود.

به هر حال از آن تاریخ تا الآن که جریانش را تعریف می‌کنم، حدود پنج سال می‌گذرد که به لطف خدا و عنایت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام فرزند آقای جمعه در کمال سلامتی و تندرستی به زندگی خود ادامه می‌دهد و الحمد لله اثری هم از آن ناراحتی در ایشان وجود ندارد. (۱)

لذا بسیار شایسته و مناسب است که عاشقان آقا بقیة الله علیه السلام به یاد و نام و مجالس حضرت زینب علیه السلام باشند که قطعاً مورد توجه امام زمان علیه السلام است.

آیت الله العظمی بهجت می‌فرمودند:

طلبه‌ای مبتدی به نام سید حسین یزدی، خانه‌ای می‌خواستند، در مسجد مقدس جمکران، توفیق زیارت حضرت حجت علیه السلام پیدا کردند. حضرت به ایشان، خانه‌ای مرحمت فرمودند و مطالب و سفارشات نیز بیان فرمودند. یکی از مطالبی که مناسب با این مقام است، این است که حضرت علیه السلام به

مجلس دعای ندبه‌ای که آن سید طلبه می‌رفتند، اشاره نموده و فرمودند:  
«آن را ترک نکن و مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب علیها السلام را در آن  
مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید.»<sup>(۱)</sup>

### سفارش امام زمان علیه السلام به روزه خوانی حضرت زینب علیها السلام

قطعاً مجالس حضرت زینب علیها السلام و زینبیه‌ها، مکان‌هایی است که مورد  
توجه و عنایت آخرین حجت الهی علیه السلام است. و ایشان بارها روزه خوانی  
برای حضرت زینب علیها السلام را سفارش فرموده‌اند که نمونه زیر گویای این  
حقیقت است:

یکی از متدینین تهران روزی وارد روستای «چکنه» در اطراف قوچان  
شده و جویای احوال سیدی می‌شود. اهالی روستا به او می‌گویند: که سید  
تعدادی گوسفند را به خارج روستا برده و عصر بر می‌گردد. ایشان تا عصر  
صبر می‌کنند تا سید بر می‌گردد، وقتی او را می‌بینند، می‌گویند: شناسنامه‌ات را  
به من بده که مأمور هستم، امسال تو را همراه خودم به حج ببرم.  
سید تعجب کرده و علت را جویا می‌شود. ایشان در جواب می‌گویند:  
پیشب در عالم رویا خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدم. حضرت به من  
فرمودند: اگر می‌خواهی، امسال، حج تو مورد قبول درگاه پروردگار واقع  
شود، فلان جا، فلان فرزند مرا هم که آرزوی زیارت خانه خدا و مدینه را  
دارد، همراه خودت بیاور. من هم طبق نشانی‌ها دنبالش می‌آیم...

۱- مسجد مقدس جمکران، ص ۵۵؛ ملاقات با طاووس بهشت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۳۲.

خلاصه سید رهسپار کوی دوست شد، ولی در صحرای عرفات او را گم می‌کنند، در مشعر، منی و دیگر جاها به دنبال او می‌گردند، ولی او را نمی‌یابند، تا این که بعد از اعمال، وقتی به مکه بر می‌گردند، ایشان را مجدداً در کاروان می‌بینند. از او می‌پرسند: کجا رفته بودی؟ چه می‌کردی؟

سید می‌گوید: «روز عرفه در صحرای عرفات، آقای بزرگواری به من نزدیک شدند و فرمودند: بیا اعمالات را با من انجام بده، من هم بی‌اختیار همراه آن آقا رفتم».

از سید می‌خواهند که بیشتر برایشان تعریف کند. او می‌گوید: جریانات زیاد است ولی آنچه من مجاز به گفتن آن هستم، این است که، چون من در محضر امام زمان علیه السلام علاقه‌مندی خودم را به اهل بیت علیهم السلام ابراز کردم. حضرت علیه السلام به من فرمودند:

«به مردم بگوئید برای عمه‌ام زینب علیها السلام که بسیار مظلومه است زیاد روضه بخوانند و گریه کنند».<sup>(۱)</sup>

### همدم حسین

بی یاد دوست عقده دل وانمی شود  
وین کار جز بخلوت شبها نمی شود  
با سینه سینه داغ شهید و غم اسیر  
دل جز بیاد دوست مصفا نمی شود  
در شرع ماست گرچه تولا فروع دین  
دین معنیش بغیر تولا نمی شود  
مارا گل از محبت زهرا سرشته اند  
مهرش دگر جدا ز دل ما نمی شود  
ره یافتن بساحت قدس شفاعتش  
بی دوستی زینب کبری نمی شود  
آن دختری که «ام ابیها» ش پرورد  
آری بغیر «زین ابیها» نمی شود  
یک زن که دوش بدوش ولایتست  
تاریخ دیده است که پیدا نمی شود  
چون کرد عزم نهضت خونین خود حسین  
بشنید از سروش که تنها نمی شود  
همراه بُرد عائله اش را از آنکه دید  
بی زینبش قیام سراپا نمی شود

این زینب است همقدم و همدم حسین

نام وی از حسین مجزی نمی‌شود<sup>(۱)</sup>

حسین  
یا ابا عبد الله

---

۱- این اشعار هفده بیت است از شاعر گرانقدر سید رضا مشهدی (مؤید)

۱- کدام آیه درباره امام مهدی علیه السلام و امام حسین علیه السلام تأویل شده است؟

الف: سوره اسراء، آیه ۳۳

ب: سوره مریم، آیه ۱

ج: سوره شمس، آیه ۳

۲- در بیش از چند روایت امام مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام

معرفی شده است؟

الف: سیصد

ب: یکصد و هشتاد و پنج

ج: صد و نود

۳- پایتخت حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام کجاست؟

الف: مکه      ب: مدینه      ج: کوفه

۴- شیعه رمز بقاء، تلاش و حرکت خود را..... و سرّ پایداری و ماندگاری را..... می داند.

الف: کربلا - ظهور

ب: امامت - مهدویت

ج: امام حسین علیه السلام - امام مهدی علیه السلام

۵- لقب مشترک امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام است.

الف: امام      ب: قائم      ج: طرید

۶- امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه امام حسین علیه السلام را چگونه توصیف نموده است؟

الف: سند قرآن      ب: واسطه فیض      ج: رکن آسمان

۷- مهم ترین و بارزترین جلوه حکومت امام زمان علیه السلام ..... می باشد.

۲۳۰ ..... قهرمانان کربلا و امام زمان

الف: قیام      ب: ماندگاری      ج: عظمت

۲۳- عقيله بنی هاشم چه معانی دارد؟

الف: بانوی بزرگ بنی هاشم

ب: بانوی خردمند بنی هاشم

ج: بانوی باعظمت بنی هاشم

۲۴- امام مهدی علیه السلام به کدام یک از اشعار و قصائد توجه ویژه دارند؟

الف: اشعار دعبل      ب: اشعار محتشم      ج: قصیده ابن عربندس

۲۵- مؤلف کتاب «امام علی علیه السلام صوت عدالة الانسانية» کیست؟

الف: علامه امینی      ب: جرج جرادق      ج: ابن ابی الحدید

۲۶- خانه حضرت زینب علیها السلام ..... بود.

الف: محل رفت و آمد ملائکه

ب: کانون عشق به امام حسین علیه السلام

ج: کانون امید گرفتاران

۲۷- مرحوم سید نورالدین جزایری آن را افضل طاعات و اجلّ عبادات و

اکمل قربات ذکر کرده است.

الف: توسّل به سیدالشهداء علیه السلام

ب: ندبه برای امام عصر علیه السلام

ج: زیارت اهل بیت علیهم السلام

۲۸- جمله «السلام علیک ایتها البعیده من الاوطان» در زیارت نامه حضرت

زینب علیها السلام دلالت بر چه مطلبی دارد؟

الف: اسارت      ب: شهادت      ج: هجرت

۲۹- این جمله از کیست؟ «از عصر عاشورا، زینب علیها السلام تجلی می کند. از آن به

بعد رئیس قافله اوست».

الف: شهید مطهری رحمته الله      ب: حضرت امام رحمته الله      ج: شهید بهشتی رحمته الله

۳۰- حفظ و و حمایت معصوم علیه السلام به منزله آن است؟

الف: نگه داشتن واسطه فیض

ج: جهاد فی سبيله الله

د: پاسداری از اسلام

۳۱- شعار سپاه امام مهدی علیه السلام است.

الف: یا بقیة الله      ب: یا لثارات الحسین      ج: یا منتقم آل محمد صلی الله علیه و آله

۳۲- تمام خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در راستای ..... است.

الف: معرفت امام      ب: مظلومیت امام      ج: حمایت امام

افرادی که به ۳۰ سؤال پاسخ صحیح بدهند در قرعه‌کشی

شرکت داده می‌شوند.